

نماز، عزت و افتخار حسینی

مؤلف: مجموعه سخنرانی های دوازدهمین اجلاس سراسری نماز، کرمان - شهریور ۱۳۸۱

ناشر: ستاد اقامه نماز

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

اجلاس سراسری نماز در اواخر فصل تابستان هر سال، عطر و رایحه دل پذیری از دعوت به نیایش و عبادت را در جای جای کشور پراکنده می‌سازد و مجموعه‌ی بزرگی از اندیشمندان و صاحب نظران فرهنگی و آموزشی و بلندپایگان اجتماعی و سیاسی را گرد هم می‌آورد تا درباره‌ی نماز و راههای گسترش فرهنگ معنویت و شناسایی نقاط قوت و کاستی های روشهای دعوت به نماز با هم رایزنی کنند.

این اجلاس همچون اذان بلندی می‌ماند که نمازیان و نمازاندیشان را برای تجلیل و تقدیر از تلاشهای خالصانه، فعالیت‌های مؤثر و مفید و خلاقیت‌های کارآمد فرا می‌خواند و موضوعات و معضلات مبتلا به را در کانون توجه و نقد کارشناسانه قرار می‌دهد.

دوازدهمین اجلاس سراسری نماز در سال عزت و افتخار حسینی با همین عنوان به میزبانی مردم شریف و کریم کرمان و به همت مسئولان سخت کوش و خدوم آن استان در شهر کرمان با حضور انبوهی از طبقات مختلف استان و صاحب نظران و کارشناسان و اساتید حوزوی و دانشگاهی از سراسر کشور برگزار گردید.

اجلاس دوازدهم نیز همانند اجلاسهای پیشین با پیام حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دام ظلّه العالی و با حضور رئیس جمهور محترم و عده ای از مسئولان بلندپایه سیاسی و فرهنگی کشور آغاز بکار کرد.

مقام معظم رهبری در پیام خویش ضمن تأکید بر اهمیت نماز و تلاش برای اقامه شایسته آن مسئولیت آحاد مردم مخصوصاً مسئولان اجرایی و فرهنگی و هنری و آموزشی کشور را در گسترش این فریضه سترگ یادآور شده و از چگونگی تحقق توصیه ها و مطالبات مطرح شده در سالهای قبل سؤال نمودند که ریاست محترم جمهوری جناب‌حجّه‌الاسلام والمسلمین خاتمی در بیانات خویش بر پاسخگویی وزرا و سایر مسئولان اجرایی کشور و ارائه گزارش از اقدامات انجام شده تأکید ورزیدند.

لازم به ذکر است در طلیعه برگزاری دوازدهمین اجلاس سراسری نماز، نخستین هم اندیشی فرهیختگان جوان با حضور نزدیک به ۴۰۰ نفر از جوانان فرهیخته در تهران برگزار گردید که موضوعات نماز، جوانان، دین‌باوری و راههای گسترش مشارکت جوانان در بسط فرهنگ نماز و همچنین آسیب شناسی دعوت به نماز در این هم اندیشی بررسی شد. دستاوردها و یافته های این هم اندیشی به همراه دو مقاله از مقالات برگزیده در اجلاس دوازدهم ارائه گردید.

مستولان محترم استان کرمان، نهادها و دستگاههای اداری و به خصوص مردم شریف کرمان متحمل زحمات برگزاری این اجلاس بودند که لازم است از همگان، بخصوص امام جمعه محترم کرمان و نماینده محترم ولی فقیه در استان حضرت حجة الاسلام والمسلمین جعفری و استاندار محترم جناب آقای کریمی و دبیر محترم ستاد اقامه نماز جناب حجة الاسلام عرب پور کمال تشکر و قدردانی گردد. هر چند شایسته بود از تک تک عزیزانی که در برگزاری اجلاس دوازدهم از تلاش صمیمانه و خالصانه دریغ ننموده اند، ذکر نام می‌شد، امید آنکه خداوند متعال به فضل خویش قصور ما را جبران به احسن فرماید.

همچنانکه لازم است از مستولان محترم ستاد مرکزی اقامه نماز مخصوصاً جناب آقای مهندس علی وطنی که مسئولیت ستاد برگزاری اجلاس را به عهده داشتند، سپاس ویژه به عمل آید.

در پایان ضمن عذرخواهی از همه کمبودها و نقص‌ها، آرزومند است با عنایات الهی و در پرتو ظهور و حضور حضرت ولی عصر ارواحنافداه شاهد اقامه بلندترین نماز توحید و اعتلای کلمة‌الله در همه گیتی باشیم.

دکتر محمدیان

مستول دبیرخانه دائمی اجلاسهای سراسری نماز

پیام حضرت آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری به دوازدهمین اجلاس سراسری نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

این گردهمایی را که همه ساله با حضور بلندپایگان علمی و سیاسی کشور تشکیل می‌گردد، باید یکی از مهمترین گردهمایی‌ها شمرده؛ زیرا موضوع آن نماز است که برترین فریضه دینی است و مخاطب آن همه ی آحاد ملت‌اند و از این رو لازم است که دست اندرکاران اجرایی ذیربط نکاتی را که در آغاز این گردهمایی خطاب به آنان تذکر داده می‌شود صرفاً یک توصیه ی تشریفاتی نینگارند. در پیام سال گذشته ی اینجانب به حاضران این گردهمایی و دیگران چنین آمده است:

«انسان که از سوئی گاه مظهر برترین و زیباترین حقایق هستی است، از سوئی دیگر، گاه محلّ بروز زشتیها و پستیهای بی‌همانند نیز می‌گردد. اگر در جائی و زمانی او را مظهر آگاهی و محبت و فداکاری یا خردمندی و آفرینندگی و پیشرفت در عرصه های تعالی، یا آیت شوق و شور و امید می‌بینیم، در جائی و زمانی دیگر او را دچار غفلت و کینه و خودخواهی، یا جهل و عادت و رکود، یا سستی و نومیدی و بدبینی مشاهده می‌کنیم.

این عنصر با استعداد، می‌تواند برترین موجود گیتی تا پست ترین پدیده ی هستی گردد. او مجهّز به همه ی ابزارها و زمینه های تعالی و تکامل معنوی و مادی، آفریده شده است. سرشت او، نیک و راه نیکی به روی او باز است. خرد و قدرت بر تصمیم گیری و انتخاب، دو بال توانای اویند. و رسولان الهی راهنمایان و امید دهندگان و کمک کنندگان به او.

اما او با این حال می‌تواند تسلیم ضعفها و هوسها و خودخواهیها یا جهلها و غفلتها و عاداتهای خود شود و خود را از همه ی آن بشارتها و امیدها و معراجها محروم سازد. این همان است که آن را باید «فسادپذیری انسان» نامید و همان است که در عمر دراز بشریت و نیز در عمر هر یک از آحاد بشر، بزرگترین مصیبت او و خطرناکترین تهدید او به شمار رفته است و می‌رود.

برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن. یعنی از دلمشغولیهائی که آدمی را اسیر وسوسه ی هوسها میکند، یا میل به برتری جویی و کینه ورزی و آزمندی او را ارضاء می‌سازد، خود را رها ساختن، یعنی او را از جهنمی که برای خود فراهم کرده است، به بهشت صفا و انس و بهجت و امن بردن و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، نابترین و کاملترین نمونه و وسیله ی ذکر است.

انسان در زندگی شخصی اش، گاه بر اثر محنتها و شدت‌ها و مصیبتها، و در زندگی جمعی اش، گاه با حوادث تحوّل آفرین مانند حرکت عمومی به سوی جهاد یا انفاق یا کمک به نیازمندان، به عامل ذکر نزدیک می‌شود، و گاه با سرگرمی‌های هوس‌آلود و غرق شدن در سرخوشی و اشرافیگری و عیش بارگی، از آن دور می‌افتد. عنصری که می‌تواند در همه‌ی این احوال او را به بهشت «ذکر» نزدیک یا نزدیکتر کند، نماز است.

نماز در حالات آمادگی روحی، به آدمی عروج و حال و حضور بیشتر می‌بخشد و در حالات غفلت و ناآمادگی، در گوش او زنگ آماده باش می‌نوازد و او را به آن وادی نورانی نزدیک می‌سازد. لذا نماز در هیچ حالی نباید ترک شود. در عین شدت و محنت، در بحبوحه‌ی میدان جهاد، در هنگام فراغ و آسایش، و حتی در میان محیط لجن‌آلودی که انسان با هوسها و کینه‌ها و شهوت‌ها و خودخواهیها، پیرامون خود پدید آورده است. نماز یک شربت مقوی و شفابخش است، باید آن را با دل و جان خود نوشید و از هر نقطه که در آن واقع شده ایم، یک گام یا یک میدان به بهشت رضوان نزدیک شد.

از این روست که نه حَیَّ علی الجهاد و نه حَیَّ علی الصوم و نه حَیَّ علی الانفاق، نگفته اند، ولی در هر روز بارها سروده اند: حَیَّ علی الصلاة.

در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، نماز ما را در حرکتمان مصمّمتر و نیرومندتر میکرد، و امروز که خطر غفلت و عیش بارگی و آرزوهای حقیر و تنگ نظرانه و عاداتها و روزمرگیها ما را تهدید می‌کند، نماز به ما مصونیت می‌بخشد و بن بستهای پنداری را می‌شکند و راه ما را روشن و افق را درخشان می‌سازد. این تنها برگی از کتاب مناقب نماز است، و همین برای به راه انداختن حرکتی جدی‌تر از گذشته، می‌تواند انگیزه‌ی ژرف و کارآمد پدید آورد.

همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند. علمای دین، روشنفکران، هنرمندان، جوانان، پدران و مادران و همسران، دارندگان منبرها و رسانه‌ها، نویسندگان، و بیش از همه مسئولان بخشهای حکومتی مانند: وزارت‌های آموزش و پرورش، علوم و فن‌آوری، ارشاد، صدا و سیما، سازمانهای تبلیغاتی، مراکز تولید سینمایی، پژوهشگاهها، مدیرانی که نیروی انسانی کلانی در قبضه‌ی امر و نهی آنهایند، مانند: نیروهای مسلح، وزارتخانه‌ها، کارگاهها، دانشگاهها و مدارس، وسایل حمل و نقل و غیره و غیره... اینان هر یک به گونه‌ای می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهم گردند و نقش ویژه‌ی خود را بگذارند.

این کار با سهل انگاری و کم‌همتی به سرانجام خود نمی‌رسد. از برترین شیوه‌ها و فنی‌ترین و هنری‌ترین ابزارها باید بهره گرفته شود. نمایش نماز جماعت مهجوری، با جمع معدودی، آنهم از فرسودگان بی‌نشاط، ترویج نماز جماعت نیست. همچنانکه پخش صدای اذان از رسانه‌های صوت و تصویر، کافی نیست. جوانهای ما هزاران صف

جماعت پرشور و حال در سراسر کشور تشکیل می‌دهند، مردم زیادی از آنان که فیلمهای سینمایی در گزارش واقعیت‌های زندگی آنان ساخته می‌شود، اهل نماز و نیاز و تهجدند، حنجره‌های بسیاری از روی ایمان و تعبد در هنگام اذان، صدا به این سرود معنوی بلند می‌کنند، گروه‌های انبوهی در هنگام نماز از کار روزانه دست کشیده به مسجد رو می‌آورند، اینها می‌تواند در ساختهای هنری، چهره‌ی زیبا و ترغیب‌کننده‌ی این فریضه‌ی نجات بخش را به همه نشان دهد.

در دانشگاهها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غمگساری و راهنمایی و همدلی را در کنار اقامه‌ی نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذابترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد.

به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجد سازی و مسجد پردازی باید در اعتبارات فعالیت‌های فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخشهای این سرفصل باشد.

هجرت هفتگی روحانیون مستقر در مراکز نظامی و غیره، به روستاهای همسایه‌ی این مراکز از توصیه‌های پیشین من است که بر آن تأکید می‌ورزم. همچنین فراهم ساختن فضای مادی و معنوی برای اقامه‌ی نماز در بوستانها و گردشگاهها و نمایشگاهها و امثال آن.

امامان محترم جماعت، اگر خود بر اثر کھولت و غیره نمی‌توانند وظیفه‌ی رابطه و انس و راهنمایی را برای نمازگزاران، بویژه جوانان فراهم کنند، در کنار خود فضایی جوان و پرنشاط را به کار گیرند و آنان را در کار با خود شریک سازند.

نمازهای جمعه باید پایگاه جذب و نصیحت و تعلیم باشد. امامان محترم جمعه با کمک برگزارکنندگان مراسم نماز، همه‌ی سعی خود را در این جهت مبذول دارند.

خدا را سپاس که محیط عمومی کشور، محیط ذکر و نماز و معنویت است، و خدا را سپاس که خیل عظیمی از مردم ما بویژه جوانان با نماز و نیاز، پیوندی روحی و عاطفی و عقلانی دارند. لیکن این همه باید گامهای نهائی شمرده نشود و بیش از گذشته تلاش عالمانه و مدبرانه و نازک اندیشانه در این رویکرد به کار رود.»

اکنون این سؤال بسیار جدی و مهم برای اینجانب مطرح است، که مسئولان اجرائی مخاطب این مطالبات تا چه حد به وظیفه‌ی خود عمل کرده‌اند. صدا و سیما، آموزش و پرورش، وزارت علوم و سایر مراکز دانشگاهی، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، مراکز تولید سینمایی، نیروهای مسلح، مدیریت حمل و نقل و مدیریت های

شهری و دیگران، چه اندازه وظیفه ای را که در این پیام از آنان خواسته شده است به انجام رسانده اند. از ریاست محترم جمهوری و دیگر مسئولان عالی رتبه به جدّ انتظار می‌رود که دست اندرکاران را با این سؤال اساسی مواجه سازند و پاسخ فعال آنرا مطالبه کنند.

توفیق همه ی حضرات را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

سیدعلی خامنه ای

۱۶ / ۶ / ۱۳۸۱

ارایه گزارش

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی نماینده محترم ولی فقیه و رئیس ستاد اقامه نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه ی هفدهم شهریور هستیم. یاد شهدای هفده شهریور را گرامی می‌داریم و از این جا صلواتی هدیه ارواح مقدس ایشان می‌کنیم.

چون من هم رئیس بی‌سوادها هستم و هم رئیس بی‌نمازها و هفده ی شهریور روز جهانی مبارزه با بی‌سوادی است از این ده دقیقه یک دقیقه اش مال سوادآموزی است. اول انقلاب حدود ۵۰٪ بی‌سواد داشتیم. الان حدوداً ۲۰٪ شده است. این رشد بیش تر کار در روستا بوده است. روستائی‌ها به شهر نزدیک شدند. بیش تر بی‌سوادی در خانم‌ها بوده است. بیش تر کلاس‌ها برای خانم‌ها بوده است. زن‌ها رشدشان بالا رفته است. ۱۵۰ عنوان کتاب را نهضت سوادآموزی با همکاری دیگران تألیف کرده است تا وقتی خواندن و نوشتن را یاد گرفتند، این ۱۵۰ تا کتاب را هم بخوانند توی این کتاب‌ها مسائل اعتقادی، بهداشتی، اجتماعی و اخلاقی است که از سازمان‌های ذیربط می‌گیریم، ساده نویسی می‌کنیم بعنوان آموزش مداوم. در این بیست سال، نهضت سوادآموزی به دورترین راه‌ها رفت، کمترین حقوق را گرفت. بهترین حجاب را داشت، کمترین تخلف و شکایت اداری را داشت. در هیچ فتنه‌ای نهضت سوادآموزی سروکله اش پیدا نبوده است.

نماز آموزی، کلاس به کلاس جزء برنامه ما است که امسال در تجمیع به آموزش و پرورش واگذار شده است. امیدوارم مشکلات سوادآموزی با کمک مدیران با تجربه ی نهضت و امکانات آموزش و پرورش به حداقل برسد. شباهت‌هایی بین نماز و اهل بیت وجود دارد. درباره ی اهل بیت داریم؛ بمولاتکم تقبل التوبه. عبادت با ولایت اهل بیت قبول می‌شود، نماز هم همین طور است ان قبلت قبلت ما سویها نماز و اهل بیت رمز قبولی اعمال است. قرآن می‌گوید: «واستعينوا بالصبر و الصلوة» هرگاه محتاج بودید، نماز بخوانید، روایت داریم؛ اذ انزلت بکم شدیدة فاستعينوا بنا هر زمان گرفتار شدید، به ما متوسل بجوید.

ولایة علی بن ابیطالب حصن حدیث داریم: الصلوة حصن روایت داریم، اوّل ما یحاسب نماز است، اوّل ما یحاسب حب اهل البیت گنبد اسلام روی چند تا چیز استوار است. یکی از آن‌ها نماز است. یکی ولایت. انی متقرب بکم. به اهل بیت در زیارت می‌گوئیم: «من توسط شما به خدا نزدیک می‌شوم». الصلوة قربان، نماز وسیله قرب است، عشق به اهل بیت وسیله قرب است.

علاقه به اهل بیت کفارهً لذنوبنا در زیارت جامعه داریم. ان الحسنات يذهبن السيئات نماز، چهره دیگر از اهل بیت است. کارهایی را که در این یازده سال شده است، تکرار نمی‌کنم. از ۱۷۰ مسجد توی جاده ها، نماز ظهر عاشورا و تاسوعا، ۷۰ هزار نماز جماعت آموزش و پرورش، هزارها سالن نمازخانه که در آموزش و پرورش ساخته شد، از ورود نماز در کتابهای تعلیمات دینی سوم و چهارم دبیرستان، که نبود، از ورود نماز به کتاب های دانشگاهی که نبود، این کارهای گذشته است. کارهایی است که از پارسال تا حالا شده است. ۱۳۰ کتاب داشتیم، ۱۶ کتاب جدید هم تولید شده است.

نوار صوتی و تصویری آموزش نماز تهیه شده است. ۳۰ هزار مؤذن گمنام شناسایی شد. از برجستگان ایشان در دو مرحله تشکر شد. ایشان را در مشهد میهمان کردیم. ده هزار نفر طلبه داریم که پیشنماز هستند، ۶۰ هزار نفر هم پیشنماز کت و شلواری داریم. چون روحانی به اندازه کافی نیست. از این ۱۲۰۰ طلبه ای که از ده هزار نفر بردیم مشهد، روش برخورد با نسل نو را برایشان آموزش دادیم. امسال آموزش و پرورش در آموزش ضمن خدمت حرکتی کرد و ۲۵۰ هزار معلم، نمازشناسی را آموزش دیدند. در قم دفتری باز شده که پاسخگوی سؤالات فقهی است و درباره ی اسرار و راز نماز کتابی چاپ شده است.

ششم و هفتم شهریور هم اندیشی فرهیختگان جوان در تهران برگزار شد. که ۹۰۰ مقاله از نسل نو داشتیم. ۳۲ تا انتخاب شد و چند تای آن در همین اجلاس در این دو روز ان شاء الله قرائت می‌شود. به هر حال این کارهایی است که انجام شده است، اما یک چیزی به شما بگویم، هیچ وقت به کارهای انجام شده، نگاه نکنید. هنگامی که راه می‌روید، اگر به پشت سر نگاه کنید که چقدر راه رفته ام، غرور شما را می‌گیرد، نگاه کنید که چقدر نرفته اید. به نرفته ها نگاه کنیم. که خیلی کار داریم. به ابراهیم نگاه کنیم که زن و بچه اش را بیابان مرگ کرد. گفت زن و بچه ام را تو بیابان بی‌گیاه گذاشتم (ربنا ليقموا الصلوة) به بلال نگاه کنیم که کتک خورد و اذان گفت. به ابوترابی ها نگاه کنیم که یک شب ۱۷ نفر از اسیران را به قصد کشت کتک زدند، دو نفر ضربه خورد به کنار چشمشان، چشم ایشان افتاد روی موزائیک ها. مهتاب بود پا شدند نماز صبح خواندند، بعد فهمیدند صبح نبوده مهتاب بوده است. دو مرتبه نماز خواندند. آن شبی که چشم عزیزان ما در دوره ی اسارت از کاسه درآمد، دو تا نماز صبح خواندند. الان در رفاه هستیم، کتک هایش را خوردند ما به پلوهایش رسیده ایم. به هر حال به مسئولیت سنگین خودمان نگاه کنیم که اگر دیپلمه و لیسانسه ما خدای نکرده تارک الصلاة باشد به آیه قرآن عمل نکرده ایم که می‌گوید: (وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ) برای قیامت چه ذخیره کرده اید. به هر حال کارهای نشده زیاد است ان شاء الله پیامی که مقام معظم رهبری دادند دنبال بشود. در خدمت جناب آقای خاتمی هستیم و ایشان هم در این پیام مسئولیت پیدا کردند که یک بررسی

بشود. می‌توان یک حرکتی انجام داد که بالاخره دیگر مدرسه بدون نمازخانه نباشد. ما ۵۰ هزار مدرسه بی‌نمازخانه داریم در سه سال در چهار سال مشکل می‌شود حل بشود. در قرآن سه چهار تا چیز همراه قرآن است. یکی نماز و قرآن به هم قفل شده است (یمسکون بالکتاب و اقاموا الصلوة) (یتلون کتاب الله و اقاموا الصلوة) قرآن می‌خوانید در آن ۸۸ بار می‌گوید نماز می‌روی نماز می‌خوانی ۱۲۰ مرتبه باید آیه ی قرآن را بخوانی (۱۰ تا حمد ۱۰ قل هو الله) نماز و قرآن به هم قفل شده است. این ۱۹ سال مسابقات بین المللی قرآن قاری ها را دعوت کرد هنوز یکبار مفسرین کشورها پایشان را ایران نگذاشته اند و قرآن همچنان مهجور است. در هر شهر یک جلسه ی تفسیر معلوم نیست داشته باشیم. ستاد تفسیری در قم درست شد با مدیریت جناب آقای بوشهری با جمعی از فضلا. ۱۰۰ جزوه برای امام جمعه ها فرستادیم، در دو سه سال، آن صد جزوه، کتاب درسی شد، نخبه التفاسیر را در حوزه علمیه و در کنار لمعه، مدرسین اجباری کرده اند که طلبه ها بخوانند. دنبال این آمدم دیدیم تفسیر المیزان با ۴۰ جلد و تفسیر نمونه با ۲۷ جلد را کسی نمی‌خواند. جزء جزء کردیم، سوره یوسف، سوره حجرات، میلیونی چاپ شد که آقای مسجد جامعی می‌گفت در تاریخ چاپ‌خانه نداریم که کتابی در عرض چند شب، یک میلیون چاپ بشود. یک میلیون و نیم حجرات، یک میلیون قصص، برای ماه رمضان آینده هم برنامه ریزی کرده ایم. ستاد تفسیری داریم در همین ستاد نماز و از مفسرین با کمک اوقاف دعوت کرده ایم صدها تفسیر ماه رمضان گفته می‌شود. هر تفسیری که نوشته می‌شود به ۲۲ زبان برای رادیوهای برون مرزی ترجمه می‌شود. ۷۰ نفر از کسانی که در تفسیر درخشیده اند به مکه و مدینه فرستاده شده اند، هر کدام از شما در شهرتان خواستید گامی برای تفسیر بردارید، ستاد تفسیر در اختیار شماست.

در کنار نماز زکات است. در قرآن سی و دو بار کلمه زکات آمده است. سی و دو تا کلمه برکت، بی‌جهت نیست، یعنی زکات مساوی است با برکت، چندین حدیث داریم که هر جا مالی در دریا و صحرا تلف شد بخاطر این است که زکات نمی‌دهند. سه تعبیر (ما تلف، ماضع، ماهرک) برای (مالُ فی برّ و لا بحر الا بترک الزکاة) آمده، کاش بودجه ای که برای حوادث غیرمترقبه اختصاص یافته یک بخشی از آن برای حمایت از زکات داده بشود. نماز بی‌زکات قبول نیست. استاندار فارس می‌گفت که زکاتمان از ۱۰ میلیارد سر می‌زند. با ده میلیارد پول برای خیلی از دخترها می‌شود جهیزیه، تهیه کرد یا برای اشتغال، برای خوابگاه دانشجویی، حوزه، مسجد، مدرسه، حمام و جاده سازی. خیلی کارها می‌شود کرد. بیست و دو سال است که از انقلاب می‌گذرد، سوت و کور. من دیدم کسی نیست، خودم تنهایی دور ایران را امسال رفتم و روزه ی زکات خواندم. تشکیلات زکات هم است. در این ۵۰ سال اخیر، برای اولین دفعه فیلم زکات ساخته شد، برای اولین دفعه کتاب زکات نوشته شد مقالات زکات و سفرهای زیادی رفتم. ما

باید برای زکات هم یک اقدامی بکنیم. اگر روز قیامت پرسیدند که آقا چند دفعه به مکه رفتی؟ بگوئیم که مثلاً چند دفعه، و اگر پیرسند که چند دفعه برای زکات رفتی؟... یکی از بناهای اسلام، زکات است. یکی از آن ها هم حج. تو چه دینی داشتی که برای حج رفتی ولی برای زکات حتی یک سفر نرفتی، «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوٰۃ و اتوا الزکوٰۃ» نماز بی زکات قبول نیست. زنی که یک گوشواره دارد، عروسی نمی‌رود. قطار روی یک ریل حرکت نمی‌کند. باید با هم باشد (فصل لربک)، پشت سرش می‌گوید (وانحر) یعنی تغذیه و شکم مردم، عطف به نماز است. در آخر تشکر کنم، از خدا که ما را هدایت کرد، خدا ما را به اینجا کشاند، (الحمد لله الذی هدینا لهذا) خدا را شکر که در فضایی نفس می‌کشیم، که بحث نماز است. به پیغمبر و اهل بیت او درود می‌فرستیم. به حضرت مهدی درود می‌فرستیم، حدیثی اخیراً دیدم که امام زمان فرمود: «من روزی صدبار به شما دعا می‌کنم و بعد فرمود اگر دعای من پشت سر شما نباشد دشمنان شما را می‌بلعند.» امسال بعضی از مراجع قم برای هم‌اندیشی فرهیختگان جوان پیام دادند، پس تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم از علما و مراجع و مقام معظم رهبری که هر سال پیام می‌دهند. بعضی ها می‌گویند این اجلاس ها چه فایده ای دارد اگر بنا باشد نماز بخوانیم که صبح توی خانه می‌خوانیم. (الصلوٰۃ عمود) عمود خواندنی نیست، عمود یعنی به پادار و این اجلاس برای این است که نماز به پا داشته شود. اگر بنا باشد هر کسی صبح نماز بخواند، بعد هم استراحت کند یا برود سرکار، این نماز خواندن است. (اقیموا، اقامه) عمود باید اقامه شود. از آثار اقامه ی نماز، اولویت دادن به این مسائل است، حوزه و دانشگاه سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات، صدا و سیما و ارشاد، مسئولان آموزش و پرورش، عقیدتی سیاسی، ائمه محترم جمعه و جماعات، خبرگان، نویسندگان، شعرا، تجّار، مسئولین سیاسی. خلاصه تشکر از همه ی خادمین ناپیدا، آن‌هایی که در جاده ها و مرزها امنیت ایجاد می‌کنند، اگر امنیت نباشد، نمازی نیست.

قرآن می‌گوید اول امنیت بعد نماز. (من بعد خوفهم امنأ) بعد از امنأ (یعبدوننی) یعنی تمام این اجلاس‌ها و حرکت‌ها در سایه ی بی‌خوابی های برادران حراست، نیروهای انتظامی، بسیج و سپاه است. از میزبان های عزیزمان امام جمعه و استاندار محترم و همکاران ایشان تشکر می‌کنیم. هر کس را فراموش کردم، تشکر از همه. خدایا تو را به حق نماز گزاران واقعی که دو رکعت نمازشان با سی تیر دشمن پیوند خورد، هر چه نسبت به نماز کوتاهی کردیم، غفلت و تقصیر گذشته ما را ببخش و با این اجلاس ها توفیق جبران مرحمت بفرما.

جناب ریاست جمهوری جمله ای گفتند که دل من شاد شد؛ پارسال رفتیم که ایشان را دعوت کنیم فرمود: «آقای قرائتی منتّ سر تو نمی‌گذارم که می‌آیم، من می‌آیم که در سایه ی نماز مشکلات نظام حل بشود.» خدایا، مشکلات نظام را حل بفرما. شهدایی که این بستر را برای ما بوجود آوردند، حضرت امام و یادگاران ایشان و هر کس در اسلام و

تشیع و انقلاب و در تعلیم و تربیت ما نقش داشته است آن‌ها را بهره‌مند بفرما! نسل ما را تا آخر تاریخ بهترین نمازگزار قرار بده.

من سه نفر از دوستان را آورده‌ام؛ مسؤول تفسیر، مسؤول زکات و مسؤول بنیاد حضرت مهدی. کسی در این زمینه ها کاری داشت به ایشان مراجعه کند، شاید ما بتوانیم کمکش بکنیم.

دنیا و عقبی

حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه ی هفدهم شهریور هستیم؛ روزی بزرگ و مؤثر در تاریخ ایران و سرنوشت انقلاب اسلامی. یاد آن روز، یاد شهیدان آن روز و یاد همه ی شهیدان بزرگوار انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی را گرامی می‌داریم و همواره متذکر یاد و نام شهیدان هستیم تا از یاد نبریم که برای این انقلاب، برای سربلندی، برای استقرار معنویت و نیز استقرار استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی چه هزینه ی گرانی را پرداخته‌ایم. ما باید پاسدار دستاورد این حادثه باشیم و طبعاً جایگاه شهیدان و اینارگران و مجاهدان جایگاه والایی است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم: «و اذا سئلک عبادى عنى فانى قریبٌ اجیبُ دعوهُ الداع اذا دعانى فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون».

بد مجالی جست، کودنیا بجست

نیک حالی جست، کوعقبی بجست

فکرها در کسب دنیا، بار داست

فکر ما در ترک دنیا، بارداست

فکر آن باشد که زندان حفره کرد

آن که حفره بست، آن فکری است ثبت

آب در کشتی، هلاک کشتی است

آب در بیرون کشتی، پشته است

بدون تردید ترک دنیایی که عارف بزرگ چون جلال‌الدین مولوی به آن فرا می‌خواند، ترک دنیا به معنی اصطلاحی آن و آنچه در تاریخ در بعضی فرقه‌ها رایج بوده است، نیست. چرا که مولوی جانش به نور قرآن و وحی الهی منور است و یک عارف الهی نمی‌تواند فراخوانده به ترک دنیا باشد: آن سان که صوفیان تفریطی یا مدعیان زهد افراطی بدان گرفتار بوده اند.

دنیا، همین طبیعت است که ما در آن برآمده ایم و در آن زیست می‌کنیم. طبیعت آفریده ی خداست و آفریده ی خدا بد نیست و مسلماً خدایی که این طبیعت زیبا و این جهان نیکو را آفریده است، بندگان خود را به ترک این آفریده ی زیبا فرا نمی‌خواند به آن معنا که بعضی تارکان دنیا به سوی آن میل کرده اند. در تعبیر اسلامی داریم که «لارهبانیة فی الاسلام» و یا «رهبانیة امتی الجهاد» دیرنشین، گوشه گیری از جمعیت، ترک دنیا، درگیر نشدن با مسائل زندگی و طبیعی مطلوب اسلام و قرآن نیست. البته رهبانیت والای اسلامی از جمله جهاد اسلامی است. اگر ترک دنیا به معنی ترک هوس‌ها، شهوت‌ها و اسیر تمنیات و شهوات جسمانی و تن نشدن باشد، آنکه جهاد می‌کند از عزیزترین سرمایه ی خود یعنی جان خود می‌گذرد. محبوب ترین محبوب‌ها نزد انسان، جان و زندگی انسان است. حبّ حیات، نیرومندترین حبّی است که در انسان وجود دارد و به همین دلیل خدای بزرگ نیز آنگاه که می‌خواهد در بندگان خود انگیزه ایجاد کند برای صلاح و فلاح، آنان را به زندگی پاکیزه و حیات طیبّه وعده می‌دهد. دوست داشتن زندگی امری است فطری و انسان زندگی را بیش از هر چیز دوست دارد و اگر ترک دنیا یعنی ترک آنچه که انسان بدان دلبسته است و آن را دوست دارد، جهاد یعنی گذشتن از جان و ترک جان. اما این جهاد به معنی ترک زندگی و رها کردن دنیا آن سان که تارکان مصطلح دنیا می‌گویند، نیست. اولاً مجاهد کسی است که در راه خدا برای رهایی زندگی انسان‌ها تحت ستم و تبعیض و تحقیر، جهاد و تلاش می‌کند. از جان می‌گذرد برای تأمین زندگی بهتر دیگران. ثانیاً گذشتن از جان یعنی گذشتن از یک نشئه ی حیات و نه همه ی هستی به انگیزه ی دستیابی به نشئه ی والا تر و بالاتر زندگی که نشئه ی ماندگار زندگی است.

ترک دنیایی که مولوی بدان می‌خواند و پیش و بیش از آن به بینش اسلامی و وحی الهی می‌خواند، رها کردن دنیا نیست، اسیر دنیا نشدن است. رشد و کمال انسانی در متن همین طبیعت در متن جامعه ی انسانی میسر است. آنکه همه ی درهای گناه را به روی خود ببندد که در معرض گناه قرار نگیرد و گناه نکند معلوم نیست که اگر در یک

موقعیت قرار بگیرد که این زمینه برای او فراهم باشد، بتواند آن را ترک کند. چنین روش و منشی معلوم نیست که به کمال انسانی بیانجامد. ترک دنیایی که اسلام بدان دعوت می‌کند یعنی آب طوفان خیز هوس‌ها و هواها را به درون کشتی جان راه ندادن بلکه آن را در بیرون کشتی و به عنوان یک نیروی محرک برای حرکت کشتی بسوی ساحل نجات قرار دادن است.

آب در کشتی هلاک کشتی است

آب در بیرون کشتی پستی است

یعنی، همه ی نیروهای طبیعی را در خدمت جان بلند پرواز و بی‌نهایت جوی خود قرار دادن است. در بینش دینی اسلامی و وحیانی به طور کلی و بسیاری از فلسفه های بزرگ جهان، جهان و هستی از طبیعت بزرگتر است. وجه فارق میان ماده گرایی و تعلق و بینش های وسیع متافیزیکی و با بعدالطبیعی در همین جاست که آیا «هستی» مساوی با ماده و جهان «طبیعت» است یا «هستی» بزرگتر از «طبیعت» است. طبیعت نشئه ای از هستی است، در بینش دینی و فلسفی و فلسفه های بزرگ ما بعد الطبیعی «هستی» از «طبیعت» بزرگتر است. نه تنها هستی از طبیعت بزرگتر است بلکه انسانی که برآمده از متن این طبیعت مادی است و پا در زمین طبیعت دارد از خود طبیعت بزرگتر است.

اَتَزَعُمُ اَنَّكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ

و فیک انطوی العالم الاکبر

جرم صغیر، جهان صغیر جهان اصغر همین جهان طبیعت است یعنی در کنار او جهان اکبری وجود دارد، طرفه این که این جهان اکبر در وجود آدمی نیز است.

نه تنها «هستی» بزرگتر از «طبیعت» است، که انسان نیز، از طبیعت برتر است.

اما یک تفاوت میان بسیاری از مکتب های فلسفی با بینش دینی وحیانی اصیل وجود دارد که باید توجه کرد. خدا در پاره ای از فلسفه های بزرگ و مهم جهان وجود دارد و آفرینش به دست توانای او آفریده شده اما در بینش مرد بزرگی مثل ارسطو، خدا نمی‌تواند جزئیات را درک کند، خدا کلی است. شأن خدا در حدی است که فقط کلیات را

می‌داند، جهان را آفریده است و اراده او این جهان را به حرکت در می‌آورد اما خدا در مکانی قرار دارد که قادر به درک جزئیات نیست، البته آنچه به نام ارسطو به داخل جهان اسلام آمد و بعد از قرن‌ها توجه، معلوم شد که متعلق به ارسطو نیست،

«اثولوژیای فلوتین» که «نوافلاطونی» است و فیلسوف مکتب «اسکندرانی» است در آنجا بود که فلسفه یونان با فلسفه شرق و به خصوص ادیان توحیدی ابراهیمی تلاقی و تماس پیدا کرد و فلوتین همین اثولوژیا که یکی از مجموعه نه گانه‌ها «تسعیات» است که ترجمه هم شده است به نام ارسطو به دنیای اسلام آمد و فیلسوفان اولیه ی ما اثولوژیا را که نزدیکتر به بینش الهی و وحیانی است به ارسطو نسبت دادند و بعد از مدتی معلوم شد که آن متعلق به فلوتین است که فیلسوف متألهی در بینش ارسطویی است. برای اولین دفعه مابعدالطبیعه توسط او مطرح شد، البته او کتابی نوشت به نام فیزیک (طبیعت) بعد الهیات که ما می‌گوئیم مباحث وجود و عدم و امکان و از این حرف‌ها بعد «الهیات بمعنی الاخص» و ندانست که چه اسمی بگذارد، گفت: «متافیزیک» یعنی کتابی که بعد از کتاب فیزیک می‌آید که «مابعد الطبیعه» یعنی کتاب بعد از طبیعت که البته الهام و اشاره ای هم به این دارد که آن سوی طبیعت هم مسائلی است که البته به غلط هم متافیزیک به ماوراء الطبیعه ترجمه شده است. به هر حال ارسطو فیلسوف الهی است و فیلسوف بزرگی است اما خدای ارسطو از جزئیات از جمله از عالم طبیعت آگاهی ندارد یعنی این فیلسوف و بسیاری از فلاسفه که خدا را قبول دارند طوری خدا را می‌بینند که رابطه ی انسان به عنوان یک فرد، یک فرد آگاه یک فرد نیازمند به متکی با منبع آفرینش قطع می‌شود، خدائی که علم به جزئیات ندارد صدای مرا نمی‌شنود بنا بر این فریاد کردن من چه فایده دارد. درست است که جهان با نظم و تدبیری می‌چرخد و انسان هم صاحب خرد است و اگر این خرد را بکار بیاندازد و نظم را بشناسد، می‌تواند در مجموعه ی این نظام منظم زندگی کند اما انسان که فقط خردمند نیست انسان صاحب عاطفه هم هست. بعداً اشاره خواهم کرد. انسان می‌خواهد با کسی سخن بگوید، درد دل کند، خدای فیلسوفان یا لااقل عده ی زیادی از فیلسوفان این زمینه را برای انسان فراهم نمی‌کنند. اما خدای ادیان وحیانی و پاره ای از فلسفه‌ها با اینکه مطلق است، شخصی است، علاوه بر علم به کلیات به جزئیات هم علم دارد تنها به جزئیات علم ندارد نظر ویژه ای در میان مجموعه عالم جزئی به انسان دارد و نه تنها نظر ویژه ای به انسان دارد (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ) (يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ) (وَنَحْنُ اقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ) از رگ گردن به او نزدیک تر است. این بینش الهی است. خدا نه تنها عالم به جزئیات است و عنایت ویژه به انسان دارد، بلکه از خود انسان به زوایای درون او آشناتر است و از رگ گردن به او نزدیکتر و اوست که بین دل انسان و انسان می‌تواند حایل بشود. این خداست، خوب جهان بزرگی است و به تعبیر «اگزیستانسیالیست»ها، انسان

موجودی است پرتاب شده در اقیانوس هستی، اقیانوسی که به شدت بی‌رحم است. انسان سرشار از عواملی است که با همه تلاشی که کرده است فقط جزء کوچکی از فعل و انفعالات عوامل موجود طبیعت هستی را درک کرده است. انسان پرتاب شده در دنیایی است که هیچ چیز آن دست او نیست و نیز جاهل او از آگاهی او بیشتر است و نیز موجودی است که خودآگاهی دارد هم به این که در کدام جامعه است، هم به این که نسبت به این جهان جاهل است این انسان پرتاب شده در وجود خود اگر پناهگاهی نداشته باشد به تعبیر خود آن‌ها، دچار دلهره می‌شود یا به تعبیر قرآنی دچار خوف و حزن انسانی می‌شود. انسانی که دچار ترس و اندوه باشد، زندگی بسیار ملالت باری دارد. مؤمن کسی است که خوف و حزن ندارد، پرتاب شده در هستی نیست، هستی که زمام امور او بدست آن نیست عوامل او را نمی‌شناسد فردای خویش را نمی‌تواند پیش بینی کند و این برای انسان دلهره می‌آورد، چون آگاه است اما پرتاب شده اگر هست رها شده ی به خود نیست. تفاوت مهم مکتب الهی با مکتب های غیرالهی در این است.

انسان، موجود گویا و خردمند است. انسان موجود مدنی و اجتماعی است. فیلسوفان اجتماعی هم سعی کرده اند که انسان را این گونه تعبیر کنند اما اگر ما بخواهیم در بینش قرآنی، انسان را تعبیر کنیم، چه خواهیم گفت؟ البته این جا برداشت بنده است شاید هم ذوقی باشد، نمی‌دانم. ولی به هر حال بنده این جور تشخیص می‌دهم که تنها موجودی که در عالم هستی مخاطب خداست، فقط انسان است. حالا خطاب ویژه ای که به پیامبران می‌شود جای خود، هر انسانی مورد خطاب خداست کلمات (یا ایها الانسان) (یا ایها الناس) (یا بنی آدم) ای مردم، ای بشر، به کرات در کتب مقدس از جمله قرآن مجید تکرار شده است. انسان الهی، انسانی است که مخاطب خداست و به درجه ای رسیده که شأن این مقام را پیدا کرده است که مورد خطاب کانون هستی، هستی مطلق زیبا، قادر حکیم که همه ی سر رشته امور بدست اوست، قرار گرفته است. نه تنها مورد خطاب بلکه خطاب توأم با عشق نه خطاب عتاب آلود، خطاب عاشقانه. از سوی دیگر این انسان مخاطب خدا، انسان پرتاب شده در اقیانوس هستی که اگر لحظه ای غفلت کند دچار حزن و اندوه خواهد شد و زندگی او تباہ. علاوه بر این که مورد خطاب قرار گرفته است، دعوت شده است که خدا را بخواند یعنی به این انسان اجازه داده شده است که مستقیماً (بغیر شفیع لی) بدون شفیع و واسطه با این کانون هستی ارتباط برقرار کند، درد دل کند، نیاز خود را بگوید و از او درخواست کند. یک رابطه ی دو طرفه، خطاب الهی به انسان و دعا و خطاب انسان نسبت به خدا. این چنین است که انسان در یک موقعیت فوق العاده ممتازی قرار می‌گیرد و حُزن و اندوه از زندگی او می‌رود.

در صورتی که انسان اهل سمع باشد، آنقدر روی سمع و استماع در قرآن و روایات تأکید شده است. انسان شنوا باشد و نیز اهل دعا باشد و این ها همه اش با ظاهر سازی فرق دارد. یک امور تکوینی واقعی است که باید تحقق پیدا بکند انسان اگر به این مکانث رسید انسانی است قوی و نیرومند. و توحید که ما می گوئیم یعنی بنده ی خدا بودن، در این صورت است که تحقق پیدا می کند. بنده ی خدا بودن، ذلت نیست؛ بنده ی زیبایی مطلق، علم مطلق، حکمت مطلق، قدرت مطلق، انسانی که سرسپرده این همه عظمت های مطلق باشد، دائماً در مسیر عظمت حرکت خواهد کرد. اگر انسان در بینش الهی مخاطب خداست، اگر خدا به همه ی امور واقف است و هر لحظه واقف است و از خود انسان به زوایای دل انسان نزدیک تر است، اگر این انسان را مورد خطاب قرار داده است و اگر این انسان دعوت شده است که با خدای خود رابطه برقرار کند در یک کلمه بگویم نماز آسان ترین، موثرترین، کم هزینه ترین و دستیاب ترین راه ارتباط با خداست. همه ی عظمت ها از این طریق قابل تأمین است. اگر بخواهیم جایگاه نماز را از دیدگاه فلسفی، عرفانی پیدا بکنیم با این دید و این بینش می توانیم بفهمیم که نماز در چه جایگاهی است. اما با همه ی عظمتی که دارد، خداوند نسبت به نمازگزاران، ملامت شدیدی هم کرده است. تعبیر (ویل للمصلین) را در قرآن داریم. (ویل للمطففین) هم داریم ولی ظاهراً آقای قرائتی بیشتر بلدند؛ مثلاً ویل للشرابخواران، ویل للسارقین نداریم اما (ویل للمصلین) داریم، با نماز نمی شود شوخی کرد و خیال نکنیم اگر این ظاهر را آراستیم، کلمات را درست گفتیم، رکوع و سجود را طول دادیم تظاهرات زیاد کردیم، صورت را آراستیم، اهل نماز هستیم، نماز دارای باطن است. روح نماز در جامعه ی ما وجود دارد. روح نماز در جایی است که تکبر نباشد دروغ نباشد، تهمت نباشد، تکافل باشد، خیرخواهی باشد و بالاتر از آن البته (ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر) اما (ولذكر الله اکبر) نماز برای ذکر است آثار خودش را دارد. جامعه ی نماز گزار، جامعه ی فقیر نیست جامعه ی نماز گزار، جامعه ی عقب مانده نیست. جامعه ی نماز گزار، به لحاظ علمی ریزه خوار خوان دیگران نیست.

در جامعه ی نماز گزار، تبعیض و تحقیر نسبت به انسان نیست. در جامعه ی نماز گزار همه ی انسان ها صاحب حق هستند و ملات همه ی این ها، ذکر خداست. همه بندگان خداوند و خدا خواسته که بندگان او عزیز باشند. آیا روح نماز در جامعه ی ما هست؟ به پیرامون خودمان به تریبون هایمان به مساجدمان و به دغدغه های نسبت به همدیگر نگاه کنیم، ببینیم که واقعاً روح نماز بر ما حاکم هست یا نیست. خدا کند که ما مشمول (ویل للمصلین) نباشیم. نماز گزار باشیم، نماز گزار واقعی خداوند. دعا کنیم خداوند همیشه ما را نماز گزار واقعی قرار دهد.

من تشکر می کنم از جناب آقای قرائتی و همه ی دوستانی که برای زنده نگهداشتن ذکر نماز که باید ذکر خداوند باشد، تلاش می کنند و البته ما باید همه زمینه های مادی را برای تحقق نماز فراهم بیاوریم و کار بزرگ تر این که

روح نماز و روحیه نماز را در جامعه تقویت کنیم. مطالبی که رهبر معظم انقلاب سال گذشته فرمودند و امسال هم تکرار کردند، مسائل مهمی است، به خصوص برای ما مجریان. من هم از همین جا این سؤال را مطرح می‌کنم و از همه ی دوستان چه همکاران ما در قوه ی مجریه، چه در جاهای دیگر می‌خواهم که دقت بکنند و با هم، ببینیم و ببینند که در این مسائل چه کردیم؟ البته عملاً هم ان شاءالله پرسش خواهد شد و گزارش داده خواهد شد. من فکر می‌کنم در این زمینه گام‌هایی برداشته شده است اما راه‌های نییموده بسیار زیاد است. به قول آقای قرائتی به عقب نگاه نکنیم، به جلو نگاه کنیم. هر چه هم کار بکنیم، کم کرده ایم. چرا که (کفاف کی دهد این باده ها به مستی ما) نمازگزار و اهل نماز باشید.

روش دعوت دانش آموزان به نماز

جناب آقای مرتضی حاجی

وزیر محترم آموزش و پرورش

«بسم الله الرحمن الرحيم»

خدمت استادان محترم، علمای ارجمند، ائمه ی محترم نماز جمعه و جماعت سراسر کشور، مقامات و مسئولان محترم اجرایی عرض سلام و عصر بخیر دارم. انشاءالله همواره مشمول لطف و عنايات ویژه ی حضرت حق باشید. بنده به عنوان مسئول اجرایی در سازمان تعلیم و تربیت کشور گزارشی را در این مجمع باشکوه به حضور شما تقدیم می دارم.

نکته ی مهم در آموزش نماز و پایبند کردن دانش آموزان به اقامه نماز، به کارگیری زبانی است که برای نوجوان و جوان ما جاذبه کافی داشته باشد. اگر با زبانی سخن بگوییم که گوش او آمادگی شنوایی آن را نداشته باشد و یا با روش هایی که از آن بوی تحمیل و یا تطمیع استشمام بشود، بخواهیم دانش آموزی را به نماز خواندن وا داریم در واقع از او خواسته ایم که در برابر ما و برای به دست آوردن امتیازی که به او می دهیم، نمایشی اجرا کند. این عمل، نمایش ظاهری نماز است نه باطن نماز. به کارگیری زبان هنری، خلق خوب و رفتار صمیمی با دانش آموز و تحریک نیاز او برای گفتگو با خالق مهربان می تواند روح و روان او را آماده ی عبادت و در راس آن ها آماده ی اقامه ی نماز کند و او را پایبند به نماز بار بیاورد. که اگر غیر از این باشد و آیات الهی را به گونه ای بخوانیم که برای او کسالت آور باشد نه تنها بر ایمان او نمی افزاید بلکه این کسالت موجب دوری او از مجالس دینی و مباحث مذهبی می شود. به قول سعدی علیه الرحمه:

ناخوش آوازی به بانگ بلند، قرآن همی خواند. صاحب دلی بر او بگذشت، گفت «تو را مشاھرہ چند است؟» گفت: «هیچ». گفت: «پس چرا زحمت خود همی دهی؟» گفت: «از بهر خدا می خوانم». گفت: «از بهر خدا مخوان».

گر تو قرآن بدین نمط خوانی

ببری رونق مسلمانی

چه بسا دعوت نامناسب به نماز خواندن و شیوه ی نادرست «امر به معروف و نهی از منکر کردن» موجب گریز نوجوان و فاصله گرفتن او از ارزش هایی بشود که برای تحقق آن تلاش می‌کنیم. قرآن کریم در بیش از یک صد آیه ی شریفه، نمازی را تبیین می‌کند که در متن جامعه است نه در کُنج عُزَلت، نمازی با نشاط با اخلاص و سازنده که چنین نمازی «تنهی عن الفحشاء و المنکر» است. نمازی که برای خدا و خالی از ریا است. و در آن ذره ای از حقوق دیگران در لباس و مکان نمازگزار نباشد. نمازی بدون اجبار و الزام و تهدید و ارعاب. نمازی که همه ی آداب و مقدمات نماز و احتیاط هایی که لازم است مراعات شود. در نماز، مراقبت هایی که از لباس و مکان نمازگزار واجب است، انجام شود همه ی انسان را هدایت می‌کند که نماز واقعی بخواند. اگر نماز واقعی بخواند به دنبال آن از همه ی منکرات و از همه ی گناهان و از همه ی منهیات الهی فاصله می‌گیرد.

در پیام مقام معظم رهبری اشاره های دقیق، ظریف و لطیفی بود و تکالیف مهمی بر دوش مسئولان و بخصوص مسئولان تعلیم و تربیت گذاشته شده بود. البته در سال گذشته نیز همین تأکیدها را شاهد بودیم.

در مدارس ما در فعالیت های فوق برنامه و فعالیت های متن برنامه، عنصر تربیت به عنوان محوری ترین هدف آموزش و پرورش لحاظ شده است که در رأس هدف های تربیتی، تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان قرار دارد. نمازگزاری فقط شرط نیست. اقامه ی نماز مهم است و این افتخار امروز بر معلمان است که جزء اقامه کنندگان نماز هستند، زیرا که مروج نمازند. نماز خوان تربیت می‌کنند. و اهتمام دارند بر این که، نماز باقی بماند. این، افتخار بزرگی است برای معلمان و مربیان و مدیران مدارس که همه ی سعی و تلاش آن‌ها بر این است که انسان متعهدی به جامعه تحویل دهند که در رأس تعهد آن‌ها پایبندی به احکام مقدس اسلامی و اقامه ی نماز است.

اما بخشی از اقداماتی که در سال گذشته برای ترویج نمازخوانی و تعمیق فرهنگ نماز خوانی و باورهای دینی انجام شده است (همانطور که در پیام مقام معظم رهبری بود که مسئولان اجرایی گزارش دهند که چه کرده اند) علیرغم بضاعت محدود آموزش و پرورش، اقدامات جدی و اثرگذاری را در سال گذشته شاهد بوده ایم که به بخشی از آنها اشاره می‌کنم:

با توجه به این که نماز خواندن بدون تعمیق کارهای دینی، شدنی نیست و نمازی که از ایمان نشأت نگرفته باشد، نماز نیست. یکی از اقدام های اساسی که آموزش و پرورش به آن توجه داشته، تعمیق فرهنگ دینی و اسلامی است و برای این منظور، ستادی را برای اعتلای دروس دینی در آموزش و پرورش کشور تأسیس کرده است. این ستاد در حوزه ی آموزش قرآن، تعلیمات دینی و درس عربی فعالیت گسترده ای را در سال گذشته نسبت به سال های قبل از آن داشته است. یکی از آن‌ها برگزاری دوره های آموزشی است. در سال گذشته بیش از شانزده هزار و

سیصد نفر معلم عربی، بیش از چهل و یک هزار و صد نفر معلم دینی و بیش از پنجاه و شش هزار و پانصد نفر معلم قرآن (جمعاً بیش از یکصد و چهارده هزار نفر) در دوره های مختلف آموزشی و بازآموزی شرکت کردند که این کار بسیار بزرگ و اثرگذاری است.

گردهمایی های منطقه ای و استانی برای تبادل تجربه های معلمان این دروس در سطح کشور به تعداد زیاد برگزار شد. شرکت کنندگان در این اردوها جمعاً شصت و یک هزار نفر بودند که دوازده هزار و دویست نفر معلم درس عربی، بیست و پنج هزار و پانصد نفر معلم دینی و بیست و سه هزار و دویست نفر معلم قرآن بودند. برای این که فرهنگ قرآنی و توجه به تفسیر قرآن که (جناب حاج آقای قرائتی هم به درستی در سخنان شان به آن اشاره کردند) در مدارس رواج و رونق بیشتری داشته باشد، در سال گذشته مسابقه ی تفسیر جزء اول قرآن کریم در بین معلمان برگزار شد. هفده هزار و دویست نفر در این مسابقات شرکت کردند. در مسابقه ی امام شناسی که بین فرهنگیان کشور برگزار شد. یکصد و هشتاد و شش هزار و نهصد نفر از معلمان و فرهنگیان شرکت کردند. پیداست این فعالیت های گسترده ی دینی و قرآنی فضای آموزش و پرورش کشور را کاملاً تحت تأثیر قرار می دهد.

برای اعتلای این دروس در سال گذشته بیش از سی و هفت هزار کتاب، نوار ویدئویی و نوار کاست و لوح فشرده در سراسر کشور با محتوا و موضوعات مربوط به تعالیم دینی و دروسی که اشاره شد توزیع شده است. اما به طور خاص بیش از یک میلیون جلد کتاب برای ترویج نماز بین دانش آموزان کشور در مدارس توزیع شده است.

در حوزه ی دانش آموزی هم فعالیت های گسترده ای صورت گرفته است که از آن جمله می توان به برگزاری مسابقات قرآن، اذان، احکام و معارف اسلامی اشاره کرد. در این مسابقات صد و نود و سه هزار و سیصد نفر در مسابقات عربی، هفتاد و یک هزار نفر در مسابقه ی احکام (از دانش آموزان دختر و پسر) یک میلیون و هشتصد و پنجاه و یک هزار نفر از پسران در مسابقه ی اذان شرکت کردند که مرحله ی نهایی این مسابقات در تابستان امسال در ماه گذشته برگزار شد و دانش آموزان ممتاز انتخاب شدند.

برای این که مشکلات و موانع مربوط به آموزش های دینی را با نگاه علمی و کارشناسانه بررسی کنیم همایش آسیب شناسی دینی در مرکز و در پانزده استان کشور برگزار شد. در این همایش ها بیش از چهار هزار و سیصد نفر از صاحب نظران، دبیران، معلمان و استادان شرکت داشتند و بر حسب شرایط مناطق مختلفی که همایش ها در آن برگزار می شد، موضوع را مورد بررسی قرار دادند که نتایج این همایش ها در برنامه ریزی های درسی آموزشی متن برنامه و فوق برنامه مورد توجه و اقدام قرار خواهد گرفت.

در سال گذشته یازده عنوان کتاب، صد و بیست و هفت عنوان پوستر و بروشور و صد و هفتاد و یک مورد جزوه ی آموزشی در سراسر کشور برای توجه به دروس دینی و قرآن و اعتلای این دروس تهیه و توزیع شد. هزینه هایی که آموزش و پرورش کشور برای این فعالیت گسترده انجام داده است بیش از پنج میلیارد ریال است که نسبت به سال قبل (یعنی سال ۷۹ - که ۷ / ۲ میلیارد ریال بوده) تقریباً دو برابر شده است. علاوه بر آن اعتباراتی را که برای ساختن نمازخانه و تجهیز و تعمیر آن ها اختصاص پیدا کرد، بیش از ده میلیارد ریال بوده است که البته بخشی از این مبلغ از طریق کمک های مردمی، خیرین و یا بعضی از سازمان ها دریافت و تأمین شده است. همچنین برای گسترش برنامه های تبلیغی با همکاری سازمان صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران برنامه ی تلویزیونی (۲۶ قسمت، ۱۵ دقیقه ای) تهیه شده که به سمع و نظرتان رسیده است.

در حال حاضر با این که حدود ۸۰ هزار مدرسه در سطح کشور داریم، اما فقط ۳۱ هزار مدرسه دارای نمازخانه هستند. البته همه ی نماز خانه ها شرایط خیلی مطلوب و مناسبی ندارند. یکی از کمبودهای جدی مدارس کشور، نداشتن نمازخانه است. با استفاده از اعتبارات و کمک های مردمی دو هزار و هشتصد و چهل و یک نمازخانه ی جدید در مدارس در حال احداث است که ان شاءالله بزودی کامل شده و در اختیار فرزندان عزیز ما قرار خواهد گرفت. حدود پنجاه هزار مدرسه، نماز جماعت اقامه می کنند که سیزده هزار و چهارصد نفر امام جماعت روحانی دارند و بقیه از همکاران فرهنگی ای هستند که به برگزاری نماز جماعت اقدام می کنند. اما همه می دانیم که نقش خانواده به همراه نقش معلم اثر گذارترین بخش در تربیت دینی فرزندان است، به همین خاطر از همکاران عزیز فرهنگی خودم، دعوت می کنم که جدی تر به تربیت دینی نسل جوان کشور بپردازند. از خانواده های محترم، پدران و مادران متعهد، می خواهم که در این راه معلمان را یاری کنند، چون با همکاری است که می توانیم فرزندان خوب، متدین و در عین حال برخوردار از فضیلت های اخلاقی به جامعه تحویل دهیم.

از عوامل دیگری که می تواند برای دانش آموز بازدارنده باشد، اجبار است در نماز خواندن. نامناسب بودن نمازخانه، نامناسب بودن جای نماز به لحاظ فراخی که ممکن است باعث آزار دانش آموز بشود و سخنرانی هایی که بعضاً برای دانش آموز ممکن است جاذبه ی کافی نداشته باشد، و باعث شود که او برای نماز خواندن رغبت نکند، به نماز خانه برود، با توجه به وقت کوتاهی که در ظهر دارد. مهم تر از همه عدم احساس نیاز است، یکی از کارهایی که اولیاء و معلمین می بایست نسبت به آن اهتمام جدی داشته باشند، این نیاز به خالق مهربان و احساس نیاز به گفتگوی با خدای مهربان را در دانش آموز تحریک کنند، اما استدعایی که از همکاران اجرایی خودم در سراسر کشور در سازمان های آموزش و پرورش دارم و مخصوصاً از برادران عزیز استاندار و فرماندار این است که همچنان که کمبود

مدرسه را با همه ی وجود لمس کردند و کمک می کنند به بازسازی مدارس یا احداث مدارس در مناطقی که مدرسه نداریم، کمبود نمازخانه های مدارس را هم جدی بگیرند. مدرسه بدون نمازخانه واقعاً ناقص است. نمی توانیم خوشحال باشیم که مدرسه ای داریم که چهار تا کلاس دارد اما جایی نداریم که در آن جا دانش آموز فرصت پیدا کند که آموخته ی دینی خودش را تجربه کند و با خدای خودش به گفتگو بنشیند.

از خیرین محترم مدرسه ساز که انسان های شریف، ارزشمند با خدا و آینده نگری هستند و در ساخت و ساز مدرسه اهتمام جدی دارند (یک سوم ساخت و ساز مدارس و کلاس های کشور، امروز به دست خیرین مدرسه ساز است که ان شاءالله خداوند بر مال و عمر آنها برکات بیشتری عنایت بفرماید) می خواهم که در این کار مهم و خطیر، کشور را یاری کنند. همان طور که مدرسه می سازند، آن مدرسه حتماً مجهز به نمازخانه باشد، نمازخانه های جذاب، زیبا و تمیز تا دانش آموز را برای حضور در این مراکز سرشوق بیاورد در این صورت این اهداف می تواند به نحو شایسته تر و بهتری تحقق پیدا کند. و هدف متعالی آن ها برای تربیت نسل آینده، متعهد و متدین با چنین روشی کامل تر خواهد شد. موارد دیگری از گزارش عملکرد باقی مانده است که چون وقت رو به پایان است از آن صرف نظر می کنم.

از همکاران خوبم در آموزش و پرورش تشکر می کنم. این عملکرد افتخارآفرین حاصل زحمات آن ها است. همچنان که رئیس محترم جمهوری فرمودند که نیازها بسیار زیاد است و «کفاف کی دهد این باده ها به مستی ما»، اما با همه ی کمبودها و فراوانی نیازها، این گزارش ها، گزارش های رضایت بخشی است، ان شاءالله با همکاری بیشتر و تلاش مضاعف برای سال آینده گزارش های غنی تری به محضر بزرگواران عرضه خواهد شد.

از برادر ارجمند جناب آقای قرائتی که بانی این اجلاس مهم و اثر گذار هستند و نیز از مسئولان محترم استان کرمان، امام جمعه ی محترم، استاندار محترم و دیگر عزیزان که میزبانی این اجلاس باشکوه را پذیرفتند و بنده را هم قابل دانستند که در این جمع گزارشی را به محضرتان عرض بکنم، صمیمانه سپاسگزارم. برای همه، آرزوی سلامت و موفقیت و سربلندی دارم.

برای سلامتی رهبر عزیزمان و ریاست محترم جمهوری و همه ی خادمین نماز و خود شما بزرگواران حاضر صلواتی ختم بفرمایید.

نعمت هدایت

آیت الله موسوی زنجانی

نماینده ولی فقیه و امام جمعه فقید زنجان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين باعث الانبياء والمرسلين والصلوة والسلام على سيد الاولين والاخرين سيدنا ونبينا و مولانا
ابوالقاسم المصطفى محمد(صلى الله عليه وآله وسلم) وعلى آله الطيبين الطاهرين.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله الذى هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله.

من بنای سخنرانی نداشتیم، چون سخنران نیستیم. فقط یک روایتی را که حدود پنج، شش دقیقه طول می کشد، برای آقایان می خوانم و عرایضم را خاتمه می دهم. این آیه را که تلاوت کردم و معمولاً می خوانند، الحمد لله الذى هدانا لهذا.... این آیه در میان آیاتی است که حالات اهل بهشت را خدا بیان می کند. در سوره ی «اعراف» است. اهل بهشت وقتی که وارد بهشت می شوند خودشان را غرق در نعمت های الهی می بینند و سپاسگزاری می کنند که خدایا اگر هدایت تو نبود ما کجا و این جا کجا. من این آیه را که می خوانم یا می شنوم یاد انقلاب خودمان می افتم که امام (رضوان الله تعالى علیه) مکرر می فرمود: «اگر آیات حق و توجهات حضرت ولی عصر نبود، چگونه یک ملت می توانست با دست خالی در مقابل همه ی دنیا بایستد و پیروز شود.» این فقط و فقط از برکات این آیات حضرت حق و برکات امام زمان(عجل الله تعالى فرجه الشريف) است.

روایتی که می خواهم بخوانم، روایتی است در ذیل آیه ی شریفه «وَاللّٰهُ اِذْ ذَهَبَ مَغَاضِبًا فُظُنَّ اَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمٰتِ اِنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ. درباره ی حضرت یونس که وقتی آمد و قومش را دعوت کرد و آن ها قبول نکردند، یونس قهر کرد. این آیه به همین موضوع اشاره می کند و (ذالنون) صاحب ماهی برای این که رفت تو شکم ماهی (اذ ذهب مغاضباً) غضب کرد و رفت، (فُظُنَّ اَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ) خیال کرد ما او را مؤاخذه نخواهیم کرد. (فنادی فی الظلمات) وقتی گرفتار شکم ماهی شد، خیلی زود متوجه شد (فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین).

در ذیل این آیه ی شریفه روایتی است. علی بن ابراهیم در تفسیرش نقل می کند از امام صادق(علیه السلام) (قال: کان رسول الله فى بیت ام السلمه فى لیلتها) رسول الله سیره اش این بود که شب هایش را تقسیم می کرد. عدالت را به تمام معنا رعایت می کرد. نوبت «ام سلمه» بود حضرت رسول(صلى الله عليه وآله وسلم) در منزل او بود. یک وقت ام

سلمه متوجه شد که رسول الله در رختخوابش نیست. بلند شد. رسول خدا را در اطراف خانه جستجو می کرد تا این که رسید به رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) که در یک گوشه از اطاق ایستاده، دست هایش را بلند کرده بود. گریه می کرد و این جملات را می خواند (اللهم لاتنزع منی صالح ما اعطیتنی ابداً) خدایا این چیزهای خوبی که به من عطا کردی از من مگیر. (اللهم و لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداً) خدایا مرا یک آن به خودم وا مگذار. (اللهم لاتشمت بی عدواً و لا حاسداً ابداً) مورد شماتت حسود و دشمن قرار مده. خدایا بدی هایی که مرا از آن ها نجات داده ای مرا به آن بدی ها برنگردان.

(فانصرف ام السلمه تبکی) ام سلمه در حالی که گریه می کرد، صدایش بلند شد. رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و گفت: «چرا گریه می کنی؟» فقالت: بایی انت و امی یا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)... ام سلمه گفت: «پدر و مادرم قربانت، چرا گریه نکنم؟ در حالی که تو با آن مقام و منزلتی که پیش خداوند تبارک و تعالی داری معصیت نداری، گناه نداری...» (فقال یا ام السلمه و ما یؤمنی) پیامبر فرمودند: «ام سلمه چه چیز مرا ایمن می کند از خشم خداوند تبارک و تعالی.»

(و انما وکل الله یونس بن متی الی نفسه طرفه عین.) یونس را یک آن به خودش واگذار کرد (فکان منها کان) آنی شد که شد. رفت تو شکم ماهی آن جا خدا می گوید: اگر نبود استغفار او (فلبت فی بطنه الی یوم یبعثون)، (فلولا انه کان من المسبحین فلبت فی بطنه الی یوم یبعثون) تا روز قیامت می ماند.

برادران و خواهران نعمتی که خداوند تبارک و تعالی به ما عنایت کرده است، نعمتی که از هر جهت آرزوی ما بود، (- اللهم نرغب الیک فی دولة کریمه تعز بها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله) همیشه آرزو می کردیم که خدایا، یک دولت کریمه به ما عنایت کن. نفاق از بین برود، مسلمان ها عزیز بشوند، این نعمت ها را خداوند به ما عنایت کرده است. قدر این نعمت را بدانیم. بالاترین نعمت حکومت اسلامی است، این گزارش که وزیر محترم آموزش و پرورش از نماز دادند، این برکت انقلاب اسلامی است. همه می دانید قبل از پیروزی انقلاب نمی شد در مدرسه ها نماز خواند، نمی شد در ارتش نماز خواند. الحمد لله الآن در سپاه، در ارتش در آموزش و پرورش در همه جا نماز اقامه می شود. یکی از برکات حکومت اسلامی است. البته از برکت فعالیت آن هایی است که فعالیت می کنند. برادر بزرگوارمان حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای قرائتی و دیگران که دست اندرکارند. بالاترین و مهم ترین عبادت، نماز است که به جا می آورند. امیدواریم روزی برسد که بی نماز در مملکت ما پیدا نشود. ولكن من حرقم این است که قدر این نعمت را بدانیم و همیشه از خدا بخواهیم ما را به خودمان وانگذارد. نفس بدترین دشمن است. در دعائی از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است: «خدایا ما را به نفسمان وا مگذار!» (فانها مختاره للبطل اماره)

بالسوء) نفس همیشه طرف باطل را اختیار می‌کند و همیشه انسان را به بدی وادار می‌کند. نماز از چیزهایی است که نفس را از بدی‌ها مانع می‌شود. در روایتی از رسول‌الله(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است: «یک نفر آمد محضر رسول‌الله(صلی الله علیه وآله وسلم) و نه تا سوال کرد که یکی از سوال‌هایش این است؛ (یا رسول‌الله کیف طریق الی ذکر الحق) یاد حق بودن راهش چیست؟ پیامبر فرمودند: (نسیان النفس) باید نفس را فراموش کرد تا یاد حق باشید». اگر انسان یاد حق باشد دیگر دنبال گناه و معصیت نمی‌رود. امیدوارم برادران عزیز قدر این نعمت را بدانند. خداوند با تعبیر «مَنْت» در مقابل هیچ نعمتی مَنْت نگذاشته است (واتیکم من کل ما سألتموه) هر چه خواستید، خدا به شما عنایت کرده است. (و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها) اگر شمارش کنید قابل شمارش نیست، ولكن در مقابل همه این نعمت‌ها درباره‌ی نعمت رسالت و رهبری، تعبیر «مَنْت» را آورده است. (لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته و يزيكهم).

(و نريد ان نمّن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين) اراده کردیم به مستضعفین و منت گذاردیم و آن‌ها را رهبر قرار دادیم. درباره‌ی «نبوت» با تعبیر منت خدا آورده است. این نعمت را خدا به ما عنایت کرده است، قدردان و سپاسگزار این نعمت باشیم. دشمن‌هایی که به مملکت ما از هر جهت، از اول پیروزی انقلاب حمله می‌کنند، فقط برای این است که کشور ما پرچمدار اسلام است. حکومت، حکومت اسلامی است. هر کجا اسلام قدم گذاشته، دست استعمار و مستکبرین قطع شده است. لذا این همه مخالفت علیه ما می‌کنند.

یک جمله هم عرض کنم عرائض را خاتمه بدهم امام در وصیتنامه‌ی سیاسی الهی خود خطاب به ملتش می‌فرماید: «عامل پیروزی، به اصطلاح اهل علم، علت محدثه و علت موقعه است. چیزی که باعث پیروزی شد عبارت است از اراده، اتکال و اعتماد به خداوند تبارک و تعالی، با وحدت و انسجام ملت و دولت. همه و همه با هم متحد بودند. با اراده‌ی الهی اقدام کردند و پیروز شدند. مادامی که این وحدت و انسجام و اتکال به خداوند تبارک و تعالی در میان شما هست به انقلاب آسیبی نخواهد رسید.»

الحمد لله ملت ما همیشه تابع قانون اساسی و تابع رهبر هستند، امیدوارم این وحدت همیشه محفوظ بماند و این نظام و این انقلاب را به صاحب اصلی آن، امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل بدهیم.

نماز جماعت نماد جمهوری اسلامی

جناب آقای مهندس عبدالعلی زاده

وزیر محترم مسکن و شهرسازی

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند را شاکرم که توفیق داد یکبار دیگر در اجلاس سراسری نماز حضور پیدا کنم و این توفیق را این دفعه بیش تر کرد که بتوانم مطالبی را هم خدمت حضار محترم عرضه بدارم. عنوان صحبت من عبارت است از نماز جماعت استعاره ای برای حکومت اسلامی که ان شاء الله خداوند توفیق بدهد تا بتوانم این را به طور کامل عرضه کنم. معمولاً برای معرفی یک موضوع یا مسئله که خود آن موضوع قابل شکافتن نباشد یا برای شکافتن و معرفی جزء به جزء آن، زمان و فرصت زیادی مورد نیاز باشد، بشر یا از تشبیه استفاده می کند یا از استعاره. مثلاً برای بررسی حکومت شاهنشاهی کافی است بگوییم که حکومت شاهنشاهی «ایران» مثل حکومت شاهنشاهی «تایلند» یا مثل حکومت شاهنشاهی فلان جا، کمی با هم فرق دارند. بالاخره یک فردی هست، شاهی هست و حکومتی می کند. یعنی موضوعی را که فرد با آن آشناست آن را معرفی می کنند تا موضوعی را که می خواهند تعریف بکنند، بهتر درک بکند. اما اگر برای معرفی موضوع، شبیه نداشته باشیم و مجبور بشویم از موضوع دیگری که مورد شناخت گوینده و شنونده است، استفاده کنیم و این امر را به آن نسبت دهیم، استعاره است. هر چقدر بتوانیم استعاره را دقیق تر، بهتر و برای گوینده و شنونده آشناتر انتخاب بکنیم، قطعاً انتقال مطلب بهتر خواهد بود. علاوه بر این، استعاره ضمن کمک به درک موضوع و مطلب می کند، کمک می کند تا در حین حرکت و کار با آن موضوع جزئیات را جهت دار درک بکنیم و از این جهت غفلت نکنیم. مثلاً اگر ما بگوییم فلان شخص روحیه اش مانند عظمت یک کوه است. آن شخص که شبیه کوه نیست اما ما با بیان این مطلب به گوینده می گوئیم که آن شخص، روحیه ی مقاوم و پایدار و یا اراده ای مصمم بر این امر دارد. حالا اگر در حین آشنایی با این و مذاکره با آن فرد وارد شدیم، همواره دنبال آن کوه در درون شخصیت آن فرد می گردیم نه دنبال یک صحرا یا یک باغ یا دریا. خود همین جست و جوی کوه ما را کمک می کند که به زوایای روحی فردی که مورد مذاکره یا معرفی هست، دقت کنیم.

جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری اسلامی به عبارت کلی، حکومتی است که حداقل برای دوران معاصر نمی توانیم شبیهی به آن معرفی بکنیم. هر چند که در خیلی از صحبت ها سروران ارجمند این حکومت را با حکومت کوتاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقایسه می کنند اما باید بپذیریم که در دوران حکومت حضرت امیر حکومت

سازمانی و سازمان ها به این وسعت نبوده و ما همواره می بینیم که حضرت امیر افراد را خطاب قرار می دهد و حکومت را با افراد اداره می کند نه با سازمان ها. امروزه کمیته ی امداد حضرت امام همان نقش خود حضرت امیر را دارد که در دوران حکومتش شب ها می رود سراغ فقرا و برای آن ها روزی می برد. خوب طبیعی است که در یک کشور ۷۰ میلیون نفری و با این وسعت رهبر کشور این کار را خودش نمی تواند انجام بدهد.

سازمانی لازم است که برود در اقصی نقاط مرزی، در روستاهای دور افتاده، مستمندان را پیدا کند و برای آن ها کمکی ببرد این می شود تبدیل آن حکومت فردی به این حکومت سازمانی. حداقل در بعد سازمانی حکومتی شبیه نداریم که بگوئیم مثل آن. بنا بر این برای این که بتوانیم هم این حکومت را خودمان بهتر بشناسیم و هم بهتر معرفی بکنیم، هم ضمن مشکلاتی که برای هر حکومت پیش می آید و اصلاً حکومت فارغ از مشکلات معنی و مفهوم ندارد وقتی در معرض این مشکلات قرار می گیریم، جهت را گم نکنیم و حرف هایی نزنیم که با جهت کلی حکومت مغایرت داشته باشد، نیازمند استعاره هستیم. من سال ها روی این استعاره برای حکومت اسلامی فکر کردم که چه استعاره ای را می توانم برای حکومت اسلامی پیدا کنم. که این استعاره خیلی ساده، خلاصه اما کامل و گویا بتواند مفهوم جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی را به شنونده ای که با مفاهیم اولیه ی اسلام آشنا است معرفی کند. هنوز برای غیر مسلمان ها استعاره ی مناسب را من پیدا نکرده ام. که با گفتن یک جمله بتوانیم بگوئیم که این حکومت بر چه اساسی است، چه می خواهد و نمونه اش چیست؟ استعاره ای که برای حکومت اسلامی به نظرم رسید که حداقل همه ی مسلمان ها با آن آشنا هستند، نماز جماعت در مسجد است. چرا در مسجد، برای این که اولین حرف این است که مسجد محلی است مثل یک کشور، متعلق به همه است، اما مالک ندارد مالکش خداست. در بین افراد همه می توانند بروند مسجد. همه ی مسلمان ها داعیه و امتیاز حضور در مسجد را دارند اما هیچ کدام نمی توانند بگویند مسجد مال من است. مسجد مال خداست کشور هم مال خداست همه ی ایرانیان صاحب ایران هستند اما ایران به کسی تعلق ملکی ندارد. هر کشوری هم که در آن حکومت اسلامی باشد به فرد فرد افراد و اجزایش تعلق دارد اما در کلام به کسی تعلق ندارد و مال خداست. در نماز جماعت محور و ستون اصلی نماز جماعت امام و ارتباط امام با مأموم است. هم امام باید شرایطی داشته باشد هم مأموم. محور و اساس حکومت جمهوری اسلامی و فرق اصلی آن با همه ی حکومت ها امام و رابطه امام با مردم است مردمی که عین نماز جماعت برای حضور در نماز جماعت و مأموم شدن نیت می کنند، قصد و اراده می کنند. در حکومت اسلامی هم هر کس بخواهد شهروند این حکومت باشد باید اراده کند، قصد کند، نیت کند و این حکومت را بپذیرد. قانون این حکومت را باید بپذیرد. شرایط امام چه در نماز جماعت و چه در حکومت بسیار به هم شبیهند. امام باید بالغ، عاقل و عادل باشد. در نماز و در حکومت امام

باید عادل باشد. و سایه ی رحمت و عدلش بر سر همه ی افراد ملت، حتی بر غیر مسلمان هم حاکم و ناظر باشد. بنا بر این وقتی می‌گوئیم حکومت اسلامی یعنی نماز جماعت یعنی رهبر اسلامی، که ویژگی هایش مثل امام جماعت است و مورد قبول مأمومین. نماز مقدمات می‌خواهد، وضو و نیت می‌خواهد. مثل حضور در حکومت که شرایط تعهد و وفاداری و قصد و اراده برای حضور در آن حکومت را می‌طلبد. در رابطه ی امام و مأموم، مأموم باید به امام اقتدا کند، در حکومت اسلامی هم شهروند مخصوصاً آنهایی که می‌خواهند در حکومت کارگزار باشند و سهم در حکومت داشته باشند، حتماً باید به رهبر و امام جامعه اقتدا کنند. اقتدای مأموم به امام در نماز جماعت مستقیم است، واسطه بردار نیست. در حکومت اسلامی هم رابطه ی شهروند با رهبرش واسطه بردار نیست.

یکی از مسائلی است که امروز تقلید از غرب یا شرقی که متلاشی شده است، ما را دچار انحراف می‌کند و آن بحث احزاب است. نقش احزاب در حکومت های دیگر کسب قدرت و حاکمیت است. کنارزدن رهبر حکومت و جایگزین کردن رهبر دیگری به جای آن است، هیچ پیوندی هم با رهبر فعلی ندارند. اصلاً او را قبول ندارند. در حکومت های غربی در خود آمریکا، آلمان، فرانسه، هر کدام را که شما در نظر بگیرید حتی در حکومت های شاهنشاهی، پادشاهی، مثل تایلند و نظایر اینها کسانی که می‌روند حزب تشکیل می‌دهند، هیچ تعهدی نسبت به شخص اول کشور، به رئیس جمهور وقت و به شاهشان ندارند و سعی می‌کنند به قول خودشان از طریق رقابت مردمی و آنچه که در واقعیت هست از طریق توسل به هر وسیله ای، رهبر حزبشان را جایگزین رهبر کشور کنند. حالا یا رئیس جمهور یا نخست وزیر کنند تا به قدرت برسند. در حکومت اسلامی حزب این نیست. حزب در حکومت اسلامی چنین معنایی ندارد. چون در نماز جماعت هیچ مأمومی سعی نمی‌کند جای امام را بگیرد. در حکومت اسلامی هم نیت حضور در حاکمیت و در حکومت داشتن عین نماز است. هر فرد باید با امام رابطه ی مستقیم داشته باشد ممکن است یک فرد در صف صدم نماز جماعت باشد اما به آن امام اول اقتدا می‌کند. نفرات میانی که بین مأموم واقع شده‌اند هیچ تأثیری در ارتباط مأموم با امام ندارند. برای همین هم هست که اگر در بین نماز جماعت در صف هایی که ده هزار نفر ایستاده اند به نماز، نماز یکی از مأمومین هم باطل باشد برای مأمومین دیگر مشکل ایجاد نمی‌کند. درست مثل یک رشته سیم است که مولکول های مس به هم چسبیده اند یک سیم طولانی دایره شده است. برق را به اول سیم که وصل می‌کنیم تا آخرش منتقل می‌شود. هیچ مولکولی نمی‌تواند برق را در قبضه ی خودش بگیرد و به دیگری منتقل نکند. رابطه ی مأموم با امام این است. رابطه ی رهبر و ولی با شهروند در حکومت اسلامی به همین شکل است. برای همین هم هست که رهبر آن چنان برخورد می‌کند که همه ی جامعه بتوانند پیام او را بشنوند، بگیرند و با او همراهی کنند نه این که فقط با نخبگان و افراد خاص بخواهد کشور را اداره

کند. همه ی ملت را می‌خواهد اداره کنند و با خود در مسیر اداره ی کشور حرکت بدهد. برای این در حکومت اسلامی احزاب با احزاب در حکومت های غربی فرق می‌کند. در حکومت اسلامی نباید به دنبال جایگزینی رهبر باشند، بلکه باید به دنبال انتقال بهتر رابطه ی بین رهبر و شهروند باشند و سعی کنند رابطه ی رهبر و شهروند، با شفافیت و معنا و مفهوم پربارتری برقرار بشود نه این که بخواهند بروند و قدرت را به دست بگیرند.

در نماز جماعت بعد از مقدمات، نماز با تکبیر شروع می‌شود و آغاز و ختم هر حرکتی در نماز جماعت با تکبیر است. در حکومت اسلامی هم بعد از ورود در حکومت بعد از شهروند شدن در حکومت، همه ی کارها باید برای خدا باشد. همه ی قصدها باید برای قربت به خدا باشد. اگر کاری در اول با یاد و به نام و در راه خدا شروع نشود و در پایان برای خدا ختم نگردد در حکومت اسلامی، کار مقبول و پسندیده ای نیست و جدا از محور حکومت اسلامی است. ببینید این استعاره چقدر به ما کمک می‌کند. اگر این استعاره را بپذیریم آن وقت همه ی کارهای بزرگ و کوچک بایستی با یاد خدا، برای خدا و در خاتمه در جهت خواست خدا خاتمه پیدا بکند. حتی ممکن است کاری را به یاد خدا شروع کنیم اما در خاتمه برای نقصان تمام کنیم و بیاوریم بگوییم من این کار را کردم تا از این راه چیزی عاید بشود.

در نماز جماعت حمد و سوره را باید امام بخواند و مأموم در نماز مغرب، عشا و صبح که حمد و سوره با صدای بلند خوانده می‌شود، اگر صدای امام را بشنود خود حق خواندن حمد و سوره را ندارد و باید گوش کند. این خیلی معنی می‌دهد چرا؟ همه ی مأومینی که به نماز رفتند، بلند ولی چرا باید گوش بدهند و نخوانند؟! در حکومت خیلی از مردم مخصوصاً تحصیلکرده ها اعم از روحانی و غیر روحانی مطالب را بلندند، برای خود تحلیل دارند برای آینده ی کشور تحلیل دارند اما باید وقتی رهبر سخن می‌گوید و تحلیل می‌دهد سراپا گوش باشند و حرف، حرف رهبر باشد نه حرف دیگر. بله حمد و سوره را امام می‌خواند، مأموم هم گوش می‌دهد و با این گوش دادن در نماز جماعت مشارکت می‌کند. در حکومت اسلامی هم تحلیل بلندند، مردم باید آگاه باشند با آگاهی گوش به رهنمودهای رهبر بدهند و خود را در جهت رهنمودهایی که با توجه به آگاهی‌های خودشان در آن راستا قرار گرفته اند جاری و ساری سازند.

عقل و منطق حکومت حکم می‌کند که ما همیشه منتظر نباشیم که رهبر برای ما صحبت کند خیلی از موارد هست مخصوصاً در پیش روی مسئولان، رویدادهای روزمره باعث می‌شود که هر روز ده ها تصمیم بگیرد، نمی‌شود که بگوید هر تصمیم را ببینیم رهبر چه می‌گوید! وقتی در کلان اندیشه قرار گرفت، تصمیم ها را می‌گیرد. رهبر هر از چندگاه که سخن می‌گوید و تحلیل و رهنمود می‌دهد، شهروند خود را تطبیق می‌دهد. اگر دید که در تحلیل رهبر این

شهروند دچار اشتباه شده است خود را اصلاح می‌کند و با رهبر هم سو می‌شود و اگر دید که تحلیل رهبر و بیان رهبر با اقدامات او در یک راستاست و در واقع تأیید اقدامات اوست خدا را شکر می‌کند که از راستای حکومت و راه درست منحرف نشده است. بنا بر این ارائه ی تحلیل، بحث و نظر در جامعه ی اسلامی بسیار خوب است اما وقتی که رهبر وارد میدان شد و تحلیل داد در واقع شاه بیت قضیه گفته شده است و دیگر نباید دنبال بحث و نقد حاشیه ای رفت. و باید بقیه ی نقدها و بحث ها را با نقد و تحلیل رهبری هماهنگ کرد. عین همین کار در حرکات نماز جماعت است. همه ی کسانی که در نماز جماعت شرکت می‌کنند نماز بلدند می‌دانند که الان امام به سجده یا به رکوع خواهد رفت یا از رکوع بلند شده به سجده خواهد رفت. اما حق ندارند عمداً از امام پیشی بگیرند یا از امام پس بیفتند و آن قدر تأخیر ایجاد کنند که به حرکت امام نرسند اگر عمداً این کار را بکنند نمازشان باطل است. خیلی از دوستان ما در کشور با مطالعه و با بررسی صاحب نظر هستند اما حق ندارند در امور کشورداری یا آنقدر پیش بیفتند، از رهبر که رهبر در رکوع است این سجده ی اول را هم تمام کرده است یا آنقدر پس بماند که به حرکت رهبر نرسند. رهبر سجده ی دوم را هم تمام بکند، امام تمام بکند این هنوز در رکوع است. یا تازه می‌خواهد برود به رکوع. اگر عمداً چنین کند نمازشان باطل است و از جریان حذف هستند.

نکته ی آخر این که نماز باید رو به قبله باشد و همه ی حرکت های اجتماعی باید در راه رسیدن به کمال الهی شکل بگیرند و سمت و سو بگیرند. اگر غیر از این باشد ولو این که جمعیت جماعت هم بسیار زیاد باشد، اما جهت را عمداً قبله انتخاب نکنند، نمازشان باطل است. اگر جامعه‌ای هم نام جمهوری اسلامی بر خودش بگذارد، داعیه ی حکومت اسلامی را هم بکند که الان خوب در دنیا چند تا کشور این چنین هستند اما اگر هدف و جهت گیری آنها در راه رسیدن جامعه به کمال الهی نباشد، مسیر را اشتباه می‌روند و نتیجه‌ای که در شأن یک حکومت اسلامی باشد، نخواهند گرفت.

نکته ای که به عنوان پایان این بحث می‌خواهم خدمتتان عرض بکنم، این است که اقامه ی نماز مأموریت اول حاکمان اسلامی است. همین آیه ی شریفه زینت بخش مجلس است که به مؤمنین اگر مکنت و حکومت دادیم باید اقامه ی نماز بکنند. بعد به زکات، امر به معروف و نهی از منکر پردازند، بقیه ی امور با خداست. همین اقامه ی نماز که مأموریت اول و اصلی حکومت اسلامی است. اگر با دید استعاره به آن نگاه بکنیم، پاسدار حکومت اسلامی هم قرار می‌گیرد یعنی حکومت اسلامی وقتی برپا می‌شود که نماز را برپا می‌دارد و وقتی نماز برپا می‌شود و استعاره نظام اسلامی قرار می‌گیرد، خود نماز حکومت اسلامی را تقویت و حفظ می‌کند. و اگر ما بتوانیم به این نکته از دید

حکومتی برسیم و این را در بین جوانان و جامعه‌مان جاری بکنیم من تصور می‌کنم که به مرحله ای رسیده ایم که به لطف خدا حکومت جمهوری اسلامی را بیمه کنیم.

تذکری دادند که راجع به شهرک های بی‌مسجد هم توضیحی بدهم. سال ۷۶ که در آغاز دولت جناب آقای خاتمی بنده مأمور خدمت در وزارت مسکن و شهرسازی شدم. مشاهده کردیم که مناطق بسیار زیادی در سطح کشور توسط وزارت مسکن و شهرسازی به مردم واگذار شده، در بسیاری از این مناطق محل هایی را هم برای مسجد، مدرسه، درمانگاه و نظایر این ها در نظر گرفته اند. خوب مدرسه و کلانتری و درمانگاه و نظایر این ها را دادند و دستگاه های مربوطه آمدند و ساختند. اما مسجدها یا ماندند یا اگر اقدام به احداث شد، نیمه تمام ماند اگر هم تمام نشده، به لحاظ این که مردمی که آن جا رفتند اول برای خودشان خانه ساختند و بدهکار شدند، چون استطاعت مالی خوبی نداشتند. مسجد هم کیفیت خوبی پیدا نکرده است. ما یک بررسی و برنامه ریزی کردیم در صدمین سال تولد حضرت امام (ره) اعلام کردیم که صد مسجد در این مناطق، مناطقی که وزارت مسکن عامل توسعه در آن‌ها بوده است، احداث می‌کنیم. که همان سال این عملیات شروع شد. امروز که خدمت شما هستم ده مسجد از این صد مسجد به بهره برداری رسیده است. امروز هم ان شاءالله در نماز مغرب و عشاء یازدهمین مسجد را افتتاح می‌فرمایید و مورد استفاده قرار می‌گیرد و تا پایان امسال طبق گزارش هایی که به من داده اند بیش از چهل باب از این مساجد به بهره برداری خواهد رسید. بقیه ی این مساجد هم ان شاءالله تا پایان سال ۱۳۸۲ به طور کامل تکمیل و مؤمنین در آن‌ها اقامه ی نماز خواهند کرد. علاوه بر این در سه سال گذشته ما سعی کردیم در شهرهای بزرگ که بدون حضور ما هم توسعه خیلی زیادی پیدا کردند اما فضای مسجد در آن جا ایجاد نشده یا خیلی کم است اقدام به احداث یک سری مساجد بکنیم که این ها هم علاوه بر آن صد مسجد در دست اقدام است. علاوه بر این ما برنامه ریزی کردیم که در شهرهایی که مسجد برای مراسم رسمی کم دارند و یا ندارند، اقدام به احداث یک سری مساجد بکنیم که در آن ها مراسم رسمی بزرگ آن شهر مثل: تشییع جنازه ی شهدا، تجلیل از بزرگانی که در راه دین و اسلام به شهادت رسیدند، بزرگداشت خاطره ی امام و نظایر این ها...

به هر حال بدهکاری وزارت مسکن و شهرسازی به مسجد بسیار زیاد است و ما تلاش می‌کنیم که این بدهکاری را با کمک خود مردم تا حدی جبران بکنیم. علاوه بر این ها به همّت آقای قرائتی اخوی جناب آقای قرائتی مشهور ما، که متولی امور مساجد هستند، شروع شده است که ما هم در خدمتشان هستیم. راجع به معماری مساجد که خوب امر بسیار مهمی است ما الان متأسفانه در استان های مرزی مان شاهد این هستیم که فرهنگ معماری مساجد کشورهای همسایه که خیلی هم قوی نیست، غالب می‌شود و مساجدی که می‌سازند سعی می‌کنند شکل کشورهای

همسایه بسازند که این از نظر معماری واقعاً برای ما جای شرمندگی دارد. سال های سال و قرن ها معماری کشورهای همسایه، تحت تأثیر معماری ایرانی بوده متأسفانه الان مخصوصاً از اماکن مذهبی این کار شروع شده است. ما سعی می‌کنیم که با تقویت معماری مساجد، برگزاری سمینارها، انجام تحقیقات علمی و دانشگاهی بتوانیم معماری روز و مناسبی در امتداد معماری سنتی و گذشته ی مسجد سازیمان داشته باشیم تا به این نقیصه هم بتوانیم جواب بدهیم. از همه ی شما عزیزان خواهان و برادران محترم التماس دعا داریم که دعا بفرمائید خداوند ما را از نمازگزاران و برپا دارندگان نماز قرار بدهد و توفیق بدهد در راه حل مشکل مسکن که از مشکل های عمومی خانواده ها به ویژه زوج های جوان کشور هست، موفق بشویم و مساکنی بسازیم که در آن ها عبادت خدا و تربیت فرزندان صالح برای آینده ی جمهوری اسلامی به همّت مردم و به لطف خدا میسر باشد.

راهی به سوی دعوت به نماز

حجت الاسلام والمسلمین سیدجواد بهشتی

مسئول محترم ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش

بسم الله الرحمن الرحيم

انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شائک هوالبتر.

سخن خودم را با هدیه ی صلواتی به روان امام باقر(ع) شروع می‌کنم. از کارهای مفیدی که در دهه ی هفتاد، درباره ی اقامه ی نماز انجام گرفته، پژوهش‌هایی است که باید سرمایه ی تصمیم‌گیری ما در دهه ی هشتاد باشد. تصمیم دارم با بهره‌گیری از برخی از این پژوهش‌ها مطالبی را عنوان کنم، شاید به کار بیاید و شاید دریچه‌ای به روی ما بگشاید. در سال‌های ۷۸ و ۷۹ یکی از دوستان فرهنگی ما به نام «آقای طالبان» تحقیقی را ابتدا در منطقه ی شش تهران بعد در شهر تهران و سپس به صورت سراسری انجام دادند؛ تحت عنوان «سنجش دینداری در بین جوانان مقطع متوسطه» البته با روشی که اروپائیان دینداری را سنجش می‌کنند، ایشان هم از همان روش استفاده کردند تا براساس یک تحقیق نشان بدهند وضع دینداری جوان‌ها و به ویژه دانش‌آموزان چگونه است. جالب است که نتایج این تحقیق در سطح منطقه و شهر تهران و به صورت کشوری همخوانی دارد. همزمان و به موازات این تحقیق درباره ی بزهکاری جوانان هم همین محقق در این سه سطح تحقیقی را انجام داده و بعد نتایج دو تحقیق را با هم ترکیب کرده‌اند که آن هم قابل استفاده است.

با توجه به این تحقیقات به این نتیجه رسیدم که جوان‌های ما در مرحله ی گرایش، مشکلی ندارند. درباره ی خداشناسی، جهان آخرت، پیامبران، فرشتگان و... ۹۷درصد تا ۹۹درصد از دختران و پسران ما ابراز داشته‌اند که اعتقاد و ایمان دارند. در این تحقیق دینداری به چهار بعد تقسیم شده است: بعد اعتقادی، بعد احساسی، بعد مناسکی و بعد پیامدی، بعد اعتقادی روشن است؛ ایمان به خدا، قیامت، پیامبران، کتاب‌های آسمانی. بعد احساس هم ارتباطی است که هر انسانی در خلوت با خدا دارد. با خدا حرف می‌زند، چیزی می‌خواهد، به او پناه می‌برد. بعد مناسکی هم آن مراسمی است که در هر دینی مقرر شده است، مثلاً؛ در اسلام نماز و روزه که در این تحقیق آمده است. بعد پیامدی هم تاثیری است که دینداری باید در رفتار مؤمنان بگذارد. طبق این تحقیق کم‌ترین مشکل را جوان‌های ما در بخش اعتقادی دارند. حالا لااقل این تحقیق این گونه نشان می‌دهد که جوان‌های ما اعم از دختر و پسر درباره ی اعتقاداتشان تردیدی ندارند یا لااقل این گونه ابراز می‌کنند.

در بعد احساسی با ۲۰ درصد کاهش روبرو می‌شویم. یعنی حدود ۸۰ درصد جوان‌ها طبق تحقیق آقای طالبان یک رابطه‌ی عاطفی با خدا دارند. به بُعد مناسکی که می‌رسیم باز هم ۲۰ درصد کاهش داریم. یعنی روی هم رفته مرتب طبق این تحقیق حدود ۶۰ درصد جوانان نماز را بجا می‌آورند. در بعد پیامدی باز با کاهش ۲۰ درصد مواجه می‌شویم. خوب این نتایج خیلی معنادار است. معنایش این است که ما سرمایه‌های گرانبهایی داریم و با نسلی که لجاجت ندارد، روبرو هستیم. نسلی که ابراز می‌کند خدا را می‌شناسد. خدا را دوست دارد و به قیامت اعتقاد دارد. لاقلاً ابراز می‌کند. اما زمانی که یک لایه جلوتر می‌رویم با مشکل روبرو می‌شویم. در رابطه‌ی عاطفی با نماز و روزه، ما با افت مواجه هستیم. یعنی در زمینه‌ی التزام عملی با مشکل مواجه هستیم. تحقیق دیگری که اشاره خواهم کرد، تحقیقی است که در وزارت ارشاد در اواخر سال ۸۰ انجام شده است. درباره‌ی بینش و گرایش ایرانیان در بخش معیشت، اقتصاد، سیاست و دینداری. از یک جمعیت ۱۶ هزار نفری در سراسر کشور از سنین مختلف و از جنسیت‌های مختلف، سؤالاتی را پرسیده‌اند تا گرایش‌های مردم را دریابند. من در این جا به بخش دینداریش اشاره می‌کنم.

در بخش دینداری اولین سؤالی که شده است، این بوده که آیا دین و ایمان یکی از بهترین راه‌های غلبه بر مشکلات است؟ به تفکیک استانی پاسخ به دست آمده است. ۸۷ درصد موافق بودند، که در زندگی شان به دین محتاج هستند و دین در گره‌گشایی مشکلات کارآیی دارد.

ای کاش فرصت بود تا فراوانی موافقت و مخالفت در استان‌ها را بررسی می‌کردیم. این که شهرهای مرزی چه وضعیتی دارند؟ استان‌های پرجمعیت چه وضعیتی دارند؟

در پاسخ به این سؤال، که آیا اعمال خوب و بد انسان در روز جزا محاسبه می‌شود یا خیر؟ ۹۵ درصد موافق بودند. یعنی به دنبال تحقیقی که جناب آقای طالبان در سال‌های (۷۸ و ۷۹) پیرامون سنجش دینداری انجام داده بودند، ما را به همان نتیجه می‌رساند که در بخش اعتقادات، باورها و گرایش‌ها لاقلاً در لایه‌ی سطحی ما مشکلی نداریم. در پاسخ به این سؤال که شما هر چند وقت یک بار از خدا می‌خواهید به شما کمک کند؟ تقریباً می‌توانم بگویم که تمام استان‌ها گزینه‌ی هیچ‌وقت را کمتر از ۱ درصد زده‌اند. ۸۲ درصد از جمعیت پرسش‌شونده، گفته‌اند که همیشه یا اکثر اوقات خدا را یاد می‌کنند. تعداد بسیار اندکی هم جواب داده‌اند که به ندرت. می‌خواهم عرض کنم، این‌ها سرمایه‌های ما هستند، برای دعوت به نماز.

در پاسخ به این سؤال، که شما هر چند وقت یک بار احساس می‌کنید به خدا نزدیک شده‌اید؟ بیش از ۶۰ درصد پاسخ داده‌اند که اکثر اوقات و همیشه این احساس را دارند که به خدا نزدیک شده‌اند. تقریباً ۷ درصد هم گفته‌اند

که هیچ وقت، یا بندرت چنین احساسی را دارند. حالا آرام، آرام از این ابراز ایمان می‌خواهیم به التزام عملی برسیم و ببینیم که آیا درباره‌ی انجام مراسم و مناسک دینی هم یک چنین شوقی وجود دارد؟

در پاسخ به این سؤال که دینداری به قلب پاک است نه به انجام نماز و روزه. شاید تعجب کنید که جمع‌کنندگی با این نظریه موافق هستند. یعنی حدود ۳۶ درصد موافق این نظریه هستند. ۱۰ درصد هم تردید دارند. بقیه هم کاملاً مخالف این حرف هستند.

در پاسخ به این سؤال که آیا اعمال واجب دینی، مانند: نماز و روزه را انجام می‌دهید؟ حدود ۸۰ درصد ابراز داشته‌اند که همیشه یا بیشتر اوقات اعمال دینی خود را انجام می‌دهند. البته ممکن است شما بگویید مشاهدات غیر از این را می‌گوید. این تحقیق گزارشی است که خود مردم اعلام کرده‌اند.

از نماز و روزه که فاصله بگیریم و به نماز جماعت بپردازیم، باز می‌بینیم که با افت معناداری مواجه هستیم. پرسیده شده است که هر چند وقت یک‌بار در نماز جماعت شرکت می‌کنند؟ ۶ درصد پاسخ داده‌اند که همیشه. ۱۴ درصد پاسخ داده‌اند که اکثر اوقات. و بقیه یا هیچ وقت در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند یا پاسخ بندرت یا گاهی اوقات را داده‌اند. پس انجام نماز با کاهش روبروست و نماز جماعت با کاهش جدی‌تر مواجه است.

و سؤال بعد این که هر چند وقت یک‌بار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟ ۶ / ۳ درصد پاسخ داده‌اند که همیشه. ۶ / ۷ پاسخ داده‌اند که اکثر اوقات. ۲۲ درصد پاسخ داده‌اند که گاهی اوقات. بقیه هم هیچ وقت یا به ندرت. از ترکیب این دو تحقیق می‌خواهم نتیجه بگیرم که مردم ما و به ویژه جوان‌های ما در لایه‌های اولیه‌ی دینی مشکل ندارند. جوان‌های ما ایمان دارند؛ ایمان به خدا، ایمان به پیامبر، ایمان به فرشتگان و ایمان به جهان آخرت. اما در لایه‌ی دوم یعنی لایه‌ی احساس و عاطفی ما با افت مواجه هستیم. در لایه‌ی سوم، که همان لایه‌ی التزام عملی داشتن است، مانند: حجاب، انجام دادن نماز و روزه با افت مواجه هستیم. به ویژه در مراسم جمعی مثل؛ نماز جماعت و نماز جمعه با افت بیشتر. من حدود ۶۰ تا از تحقیقات این دهه را مطالعه کرده‌ام. تحقیقاتی در زمینه‌ی ترک نماز.

در جامعه عده‌ای هستند که نماز نمی‌خوانند. عده‌ی دیگری نماز می‌خواندند ولی ترک کرده‌اند. حدود ۲۰ عامل را شمرده‌اند که چرا نماز نمی‌خوانند یا چرا نماز را ترک کرده‌اند. تا آنجایی که من بررسی کردم بیشترین فراوانی در این پاسخ است که نقش نماز را در زندگی‌شان نمی‌دانستند. حالا من فکر می‌کنم ما خوب اطلاع‌رسانی نکرده‌ایم. جوانان ما آثار نماز را در زندگی‌شان نمی‌شناسند. می‌گویند که اگر نماز از زندگی آن‌ها حذف شود فاجعه‌ای پیش نمی‌آید. متأسفانه ما در بخش آموزش آثار نماز اگر هم به آثار نماز پرداختیم، بیشتر به آثار آخرتی و آثار برزخی

پرداختیم و آثار دنیایی را بیشتر در آثار معنوی پیچیده جستجو کردیم. من چهل تا اثر دستیافتنی دنیایی برای نماز پیدا کرده ام.

مسابقات اذان و احکام در شهر مشهد برگزار شده بود که حدود هفت روز طول کشید. همان عزیزی که برنامه را ضبط می کرد به من گفت: «حاج آقا می شود دو دقیقه زیر این درخت حرف خصوصی با شما بزنم». گفتم: «عیب ندارد» گفت: «می دانید که من یک هفته است این جا از نماز و اذان و احکام فیلمبرداری می کنم، اما خودم اهل نماز نیستم». گفتم: «برای چه؟» گفت: «آخر من فایده اش را نمی دانم. نقشش را در زندگی ام نمی دانم.» گفتم: «خوب، حاضری الآن بشنوی؟!» گفت: «بله. ولی از آن آثار نسیه نه! امروز در دنیا چه چیزی گیرم می آید اگر نماز بخوانم؟» و من شروع کردم به توضیح همان چهل تا اثر دستیافتنی دنیایی که به دست آورده بودم.

درباره ی آثار نماز بهتر است با شیب ملایمی از آثار دنیایی ملموس به سراغ آثار معنوی دنیایی و بعد آثار برزخی و در اوج آن به سراغ آثار قیامتی و اخروی برویم. لازم است یاد آور شوم که من از این حدیث «امام رضا(علیه السلام)» الهام گرفته ام. ایشان درباره ی حکمت وضو فرمودند: «وضو برای پاکیزگی است.» این اثر برای همه ی افراد قابل فهم است، وضو برای شادابی است: یک پله پیچیده تر است، وضو برای نورانیت دل است: یک پله عمیق تر می شود.

بایستی برای پرسش های جوانان که مدام در ذهن دارند، پاسخ مناسب و مطابق زمان آن ها پیدا کرد. پرسش هایی از این قبیل که چرا نماز بخوانند؟ چرا نماز را به یک زبان دیگر باید بخوانند؟ چرا نماز را در این وقت ها باید بخوانند و هزاران چرای دیگر.... که خوشبختانه دین ما به همه ی این پرسش ها پاسخ های سیراب کننده و قانع کننده ای داده است. منتها باید آن پاسخ ها را به زبان امروز معنا کنیم تا تأثیر خودش را بگذارد. شب اول ماه محرم در جلسه ای قبل از این که صحبت را شروع کنم جوانی آمد از من پرسید که موضوع صحبت تو چیست؟ من گفتم که فلسفه ی عزاداری. گفت که آیا شما حاضر هستی حرف هایی که امشب در این مکان می خواهی بزنی در تلویزیون آلمان بگویی؟ مکثی کردم و گفتم که نه. این حرف ها را آن ها نه می فهمند و نه می پسندند. ولی به تو قول می دهم، همین موضوع را با محتوایی تهیه کنم که هر کجای دنیا مرا صدا زدند و در هر کشوری پرسیدند که شما ایرانی ها در سال، مراسم های خاصی دارید، معنای آن ها چیست؟ به زبانی که دنیا بفهمد و دنیا پسندد، جوابگو باشم.

خداوند لطف کرده است و من کتاب زیاد می خوانم. اگر کسی از من بپرسد که بهترین کتاب هایی که در عمرت خوانده ای چه نام دارند؟ حتما اول این کتاب را که اعتقاد دارم باید به وزنش طلا بدهند، معرفی می کنم. کتاب

«پرواز تا بی نهایت» سرگذشت انسانی فرزانه و وارسته به نام، «تیمسار، شهید بابایی، فرمانده ی عملیات نیروی هوایی» که در سال ۱۳۵۴ در یک پایگاه آموزشی در آمریکا دوره دیده است. در آن کتاب آمده: روز آزمون، تیمسار می‌رود توی اطاق فرمانده، همانطور که فرمانده از او سؤال می‌کند، صدای تلفن به صدا در می‌آید. هنگامی که فرمانده ی آمریکایی تلفن را جواب می‌دهد. این جوان ایرانی نگاه به ساعت می‌کند، متوجه می‌شود که وقت نماز است. چون از قبل وضو گرفته بود، توی همان اتاق می‌ایستد به نماز. بعد وقتی فرمانده می‌پرسد که این چه کاری بود، تو کردی؟! با زبانی از نمازش دفاع می‌کند که نه تنها آن فرمانده او را توبیخ نمی‌کند، بلکه رتبه ی ممتاز آن دوره را به او می‌دهد.

به نظر می‌رسد امروز که دیوارها برداشته شده و حالا که ارتباطات نزدیک تر شده است، ما باید برای اصل دینداری و بویژه برای نماز یک زبان بین المللی پیدا کنیم. زبانی که برای اهل عالم قابل فهم و قابل پسند باشد. لاقلاً جوانی که برای کار به ژاپن رفته است و نماز می‌خواند؛ با این بیان نمازش را معرفی کند تا، آن ژاپنی او را مسخره نکند. و لبخند بزند، یعنی می‌فهمم چه می‌گویی! پس ما برای این که جوانانمان از آن مرحله ی پایین التزام عملی به مرحله ی بالایی در مورد ایمان و اعتقادشان که ابراز کردند برسند باید کارهایی در درون جوانان انجام بدهیم - کارهایی در عقل و اندیشه ی او. کارهایی در دل و احساسات او.

خدا حضرت امام را رحمت کند. آن حضرت در کتاب «پرواز در ملکوت» فرموده اند: «مؤثرترین زبان برای دعوت به نماز زبان فطرت است.» نماز ده ریشه ی فطری دارد که باید برای دعوت به نماز پرورش آن احساس ها را به کار بندیم. با این شعر بحث ناتمام خود را به پایان می‌برم.

ای رهنمای گمشدگان، اهداناالصراط

چشم و چراغ رهروان، اهداناالصراط

ره دور و وقت دیر و شب تار و صد خطر

مرکب ضعیف و جاده نهان، اهداناالصراط

در دوزخ هوی و هوس، مانده ایم زار

گم کرده ایم راه جنان، اهداناالصراط

غولی ز هر طرف ره وامانده ای زند

آه از صفیر راهزنان، اهدنالصراط

نماز، نردبان آسمان

آیت الله حائری شیرازی

نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و اهل بيته الطيبين الطاهرين.

مسائلی که مربوط به انسان هست بدون شناسایی خوبی از انسان نمی‌شود در آن موفق شد. آن‌هایی که در عالم موفق می‌شوند، نان انسان‌شناسی خود را می‌خورند. آن‌هایی هم که شکست می‌خورند، چوب انسان‌شناسی خود را می‌خورند. اگر حسین بن علی (ع) در عاشورا موفق می‌شود کار چنان بزرگی را انجام بدهد که شعاعش برای همیشه راه‌ها را در عالم روشن می‌کند، ریشه در انسان‌شناسی او دارد. اگر کاری را که برای پیروزی می‌کنند به شکست منتهی می‌شود، علامتی می‌شود برای راه. پس چوب انسان‌شناسی خود را می‌خورند.

امام راحل هم می‌فرمود: «بیچارگی دشمنان اسلام در این است که اسلام را شناختند. انسان را شناختند.» خدا به انسان جهل داده است و این جهل یک امر ضد عقلی است. علاوه بر این که این جهل را در مقابل عقل گماشته است. هر صفتی که از کمالات به عقل داده، معادلش را از خصال ذمیمه به جهل داده است. روایت داریم که وقتی خدا هفتاد جان به عقل داد، جهل شکایت کرد که خدایا مرا برای مقابله با عقل قرار دادی و به او هفتاد جان دادی! خداوند فرمود: «هفتاد جان هم برای تو» پس جهل را دست کم نگیرید. قدرتمند است، توانا است. شاید پیرسید که چرا جهل را در مقابل عقل قرار دادند؟ این نردبانی است می‌توان از آن بالا رفت. می‌توان از آن پایین آمد. بالا رفتن و پایین آمدن به اختیار انسان است. اگر این نردبان را بردارند نه سقوطی هست و نه صعودی. جهاد با جهل، ترقی آور است. اگر جهل نباشد، عقل هم نیست. هواپیمایی که می‌خواهد از زمین بلند بشود، هوایی که در مقابل او مقاومت می‌کند، موجب صعود آن می‌شود. اگر هوا و مقاومت را بردارید هواپیما از زمین تکان نمی‌خورد. جهل انسان نعمتی است، اگر انسان با جهل جهاد کند. اسرائیل نعمتی است، اگر با آن جهاد کنیم. همان طوری که امام راحل فرمود: «جنگ نعمتی است، تهاجم فرهنگی هم نعمتی است، اگر به آدابش رفتار کنیم.»

کسی که نهی از منکر می‌کند، نعمتی است، فرصتی است. انسان‌هایی فکر می‌کنند نه خودشان را نجات داده‌اند و نه دیگری را. تارک نهی از منکر، خودش ضرر می‌کند، چون فرصت صعود بود و مقاومت او. چون منکر مقاومتش زیادتر است. شیب آن تندتر است. سرعت صعودش بیشتر است. هر چه جوّ غلیظ تر باشد، سرعت صعود بیشتر

می‌شود. کسی به خودش وعده ندهد که روزهای آینده آسان تر خواهد شد. این چنین وعده ای عملی نخواهد شد. مقاومت در مقابل ما شدیدتر از گذشته خواهد شد. باطل به صورتی پیچیده تر از گذشته در مقابل ما ظاهر خواهد شد. شاه یک باطل برهنه بود. گروه هایی که بعد با ایشان مقابل شدیم، باطل هایی با یک دست لباس حق بودند. بعداً باطل هایی با دو دست لباس حق، بعد از آن ها با سه دست لباس، بعد از آن ها با چهار دست لباس حق می‌آیند و مقابله با آن ها مشکل تر است. منتهی آن مقابله اوج صعود بیشتری می‌دهد. من برای این که این چهار دست لباس را بشناسید اشاره می‌کنم به قسمت آخر زیارت عاشورا.

از برهنه آغاز می‌کنیم. چون دوره ی طلوع، عکس دوره ی غروب است. در دوره ی طلوع، اوّل نور خورشید می‌آید. بعد جرمش. در دوره ی غروب، اوّل جرمش غائب می‌شود بعد نورش. سقوط شفق بعد از غروب است. طلوع فجر قبل از طلوع است. مراحل باید انجام بشود.

شاه را پشت سر گذاشتیم. حالا چهار مرحله را باید پشت سر بگذارید. اما این که پیش آمد اوضاع چه خواهد شد، با این تهدیدهایی که به ما می‌شود نامعلوم است. مقام معظم رهبری امسال را سال عزّت و افتخار حسینی می‌داند. این را هم عرض می‌کنم. وضعیت مؤمن در مقابل دیگران جز با حل معمای انسان شناخته نمی‌شود. عقل و فطرت انسان اگر درست به آن عمل شود درست به کار گرفته شود، یعنی همیشه قضایا شرطیه است. اگر ما مشکل طاغوت خودمان را در خودمان حل کنیم، طاغوت بیرونی خطر ما نیست، خطر ما طاغوت درونی ماست، جهل ماست. اگر ما حریف جهل شویم حریف طاغوت شویم. حریف طاغوت بیرون شدن ساده است، مشکلی نخواهیم داشت. امام راحل حریف طاغوت بیرون شدند. چون قبلاً بر طاغوت درونی مسلط شده بودند.

نماز به کمک ولایت زمینه ی پیروزی انسان بر طاغوت خودش است و هرگز نمی‌توانیم کارآیی نماز انسانی را که عشق و محبت در آن نماز وجود ندارد، قبول کنیم. نماز زبان فطرت است نه زبان طبیعت. زبان عقل است نه زبان جهل. نماز جاری می‌خواهد تا در مجرای خودش قرار بگیرد. رکوع مجراست. تواضع جاری است. صعود، سجود، مجرا است. خشوع جاری است. الفاظ نماز مجری است، حضور قلب و ارتباط جاری است. اگر انسان ها بدون رابطه با یک انسان برتر ارتباط پیدا نمی‌کنند، مجرایشان همیشه بدون جاری خواهد بود. به همین دلیل در نماز ذکر می‌کنیم (اهدنا الصراط المستقیم) به کلی گفتن مستقیم، اکتفا نمی‌کند معرفی می‌کند صراط مستقیم را به (صراط الذین انعمت علیهم) و اکتفا نمی‌کند به ذکر انعمت علیهم، به ذکر مغضوب علیهم به ذکر ضالّین. این ها شرط قبولی نماز است. ما برای معرفی مغضوب علیهم چه اقدامی کردیم؟ برای معرفی ضالّین چه اقدامی کردیم؟ این کارهائیکه برای معرفی باید بشود. برای (الذین انعمت علیهم) چه کاری کردیم؟ حضرت زهرا (س) چرا از آن دو نفر اعتراف

گرفت که، غضب فاطمه غضب خداست. خواست بگوید که شما مغضوب علیهم هستید و خواست علامت بدهد بر این راه، که این صراط، صراط مغضوب علیهم است. از این صراط خارج شوید. این که مرگ خودش را می‌خواست. برای این که زودتر برود. قبرش زودتر مخفی بشود و کمتر انسان‌ها تو این چاله آن دونفر بیفتند. مصیبت بزرگ او این است و گرنه بقیه‌ی مصیبت‌ها که براو می‌خوانیم مصیبت‌هایی است که خودش خواست. به هر جهت، اگر قرار هست که این (الذین انعمت علیهم) معرفی بشود باید (ما ارسلنا من رسول بلسان قومه) را فراموش نکنیم. لازم نیست لسان قوم حتماً عربی یا فارسی یا انگلیسی باشد. امروز جامعه، ادبیات خاص خودش را دارد. جوانان ادبیات خودشان را دارند. حوزوی‌ها اگر به ادبیات جوانان آشنا نباشند نمی‌توانند در مقابل آن‌ها موفق باشند. مدافعین نماز، اگر ادبیات روز عالم را نداشته باشند؛ توفیقی برای بدست آوردن انسان‌ها ندارند. آن‌هایی که این ادبیات را دارند، خیلی کار می‌کنند. اگر بخواهند، اغفال کنند بدلیل این که زبان این کار را بلد هستند در این کار، کارآمد می‌شوند. خوب اشاره‌ای هم بکنم که از انواع زبان‌ها، ابزارش هم هست. ما چه بخواهیم چه نخواهیم امروز فیلم وارد زندگی شده است. شما اگر فکر کنید که کارتون‌های تلویزیونی کارآیی ندارند. ساده اندیشی است و اگر قبول دارید که این‌ها کارآیی دارد این‌ها ابزار مشترک هستند می‌توان با همین کارتون‌های تلویزیونی، نماز را ترویج کرد. می‌توان با همین رمان‌ها، قصه‌ها، داستان‌ها و با همین فیلم‌ها خیلی کارها کرد. آمار و ارقام، عدم توفیق ما را در مسئله‌ی نماز نشان داده است که ارقام وحشت‌آوری است. اما زمانی وحشت آور است که ما ابزار لازم را بکار گرفتیم و توفیق لازم را پیدا نکردیم، آن وقت وحشت آور است. اما اگر ما سلاح‌هایی داریم و بیرون نکشیدیم، ابزارهایی داریم، کلیدهایی داریم و بکار نینداخته‌ایم، خطری نیست، خطر نشناختن کلیدهاست. خطر نشناختن امکانات است. خطر نشناختن اقتدار خودمان است. (کم من فتنهٍ قليلةٍ غلبت فتنهً كثيرةً باذن الله) این چیز محسوس است. یک چیز تعبدی صرف نیست یک چیز معقول است. این فتنه‌ی قلیله چه دارد؟ که فتنه‌ی کثیره غالب می‌شود؟ یک چاه عمیق را در نظر بگیرید. ۳۰۰ متری. یک پمپ ۱۰ اینچی روی آن گذاشته‌ایم. لوله ۱۰ اینچی. پمپ قوی، آب را خارج می‌کند. چقدر آب توی این چاه است؟ خیلی باشد ۲۰۰ متر مکعب. اگر چاه با یک دریاچه با مساحت صدها کیلومتر مسابقه بدهد، چاه برنده است. این چاه، همان فتنه‌ی قلیله است. آن دریاچه بسیار وسیع فتنه کثیره است. این چاه غالب می‌شود بر آن دریاچه. اگر پمپ را روی دریاچه و روی چاه بگذارند و آب بکشند بعد از مدتی دریاچه خشک می‌شود، اما چاه همان طور که آب می‌داد، آب می‌دهد. انسان را بشناسیم، انسان چاه است. چون چاه است باید از آن کشید. امام با اطمینان از مردم خون می‌گرفت، چون می‌دانست بعدی بیشتر از اولی است. پول می‌گرفت. وقت می‌گرفت، مردم را بکار می‌گرفت. جنگ بود که ابزار بکار کشیدن مردم بود. جنگ تمام شد ما

باید جایش ابزار درست کنیم. ما باید یک چیز شبیه جنگ داشته باشیم. حالا تهاجم فرهنگی را مثل جنگ تلقی کنیم. برایش خرج کنیم. برایش امکانات بیاوریم. صحبت کنیم، حرف بزنیم. اگر کسی پول کلانی برای ساختن یک فیلم اسلامی خوب، برای نماز بدهد آیا اهمیت آن کمتر از ساختن یک مسجد است؟! چرا ما این را به صراحت نمی‌گوئیم؟ چرا هزینه کردن در این کار را ما یک امر واجب، لازم تلقی نمی‌کنیم؟ چرا یک اطلاعیه برای این امر مهم نمی‌دهیم. به هر جهت، زکات را هم که در اسلام قرار دادند برای همین است که انسان با کشیدن آب از خودش، آبدهی خود را بیشتر کند. من با ذکر این مثال صحبت می‌دهم. فطرت ما می‌خواهد خودش را به خدا برساند این خواسته‌ی همه‌ی انسان هاست. انسانی نیست که نخواهد خودش را به بینهایت برساند، این قدرت‌طلبی هم ریشه در همین مطلب دارد. چون انسان قدرت مطلق را طلب می‌کند. مانع آن تعلق است. تعلق، برای انسان مانع رشد است. دو گردو را با هم بکارید؛ یکی در گلدان یکی در زمین. بیست سال دیگر نگاه کنید. آن که در زمین است درخت بزرگی شده است و آن که در گلدان است همان است که بوده. این تعلق است. شرک یعنی این که انسان متعلق به چیزی غیر از خدا باشد. هر چیزی غیر خدا برای انسان گلدان است. خدا تنها بستری است که باید انسان در آن کاشته بشود. همه چیز برای انسان کوچک است. این تعریفی از شرک و نفاق است. نفاق این است که گلدان را زیر خاک ببری و خاک رویش بریزی، در زیر گلدان دارد، در رو آزاد است. این گلدان، خطر انسان است. این گلدان را یا باید خود انسان بشکند یا آن را می‌شکنند. (و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع) گلدان شکنی، بت شکنی است. ما این جشن را داریم. جشن گلدان شکنی. بیاوید در این جشن شرکت کنید. گلدان را هدف قرار می‌دهیم، به تیرهایی که خطا نمی‌کند. از این جهت به آن‌ها می‌گوید: (الذین اذا اصابتهم مصیبة) تیر بی‌خطا. (قالوا انا لله) یعنی انسان درک (انا لله) غیر از گفتن (انا لله) است، این مثل گفتن (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) است. قولوا نیست شدن است. مرتبه‌ی اولی قولوا است. مشکل بشر امروز هم این است که باورش نمی‌شود که مال خداست. باید باورش بشود که برمی‌گردد پیش او. به هر جهت می‌گوید وقتی ما شکستیم، صبر کنید. یعنی گلدانتان را تعمیر نکنید، از راه حرام، فقر را جبران نکنید یا از راه خلاف جبران‌ش نکنید. در پایان همه‌ی شما را به خدا می‌سپارم.

مسجد و جایگاه آن

جناب آقای احمد مسجد جامعی

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس خداوند بزرگ را که بار دیگر در دوازدهمین اجلاس طیبیه نماز توفیق سخن گفتن، دست داد. با ادای احترام و عرض سلام به حضور همه ی میهمانان گرامی اجلاس که جمع پرباری از دست اندرکاران امور فرهنگی و فعالیت های ترویجی کشور را در بر می گیرد، و با ادای احترام و قدردانی از میزبانان گرامی اجلاس یعنی همه ی شهروندان رشید و شریف کرمان به ویژه امام جمعه و نماینده ی محترم مقام معظم رهبری، استاندار محترم و جناب حجت الاسلام قرائتی موقعیت را مغتنم دانسته نکاتی را در باره ی مسجد و جایگاه اجتماعی مساجد در کشور به مثابه پایگاه های رونق بخش نماز به سمع شما می رسانم. امیدوارم با توجه به پیام دقیق و رهگشای مقام معظم رهبری و دیدگاهی که ریاست محترم جمهوری در پیگیری این نکات ابراز فرمودند، با آنچه هم اکنون بیان می شود مفید واقع شود.

مسجد

در زندگی دینی، زمان و مکان دو مؤلفه ی اصلی محسوب می شوند. زیرا بخش اعظم از فعالیت های مؤمنانه در زمان و مکان های مقدس انجام می شود. در چرخه ی زمانی روز، هفته، ماه، سال و طول عمر فرد، به تناسب زمان هایی که به نحوی با امور مقدس مرتبط اند، فرد باید اعمال و مناسکی را انجام دهد. همچنین نسبت به مکان هایی که مقدس شناخته می شوند، مجموعه ای از شعایر و مناسک مشخص شده است. نماز، دعا و ذکر در اسلام از جمله مهم ترین عباداتی هستند که مؤمن به تناسب زمان و مکان مقدس به آن ها می پردازد. متنی مانند «مفاتیح الجنان» یا «مصباح المتحجد» یا «المراقبات» نیز مجموعه مناسکی را مشخص می سازد که نسبت به زمان ها و مکان های مقدس قابل انجام است.

این زمان ها و مکان های مقدس اند که به مثابه کانونی برای حیات دینی عمل می کنند و با اعمال و مناسک، ایمان را تداوم می بخشد.

در اسلام، «مسجد الحرام» و «کعبه» مقدس ترین مکان به حساب می آید و حول آن عمل عبادی حج انجام می شود، مساجد اماکنی هستند که با گسترش در قلمرو مکانی، کانون اعمال و مناسکی محسوب می شوند که حیات اجتماعی

و ایمانی مسلمین در قالب های گروهی، ملی و بین المللی از طریق آن تداوم می یابد. به همین جهت اهتمام به آبادانی و رونق آن توصیه شده است. محور این رونق برپایی نماز و شرکت در نماز جماعت است. نماز، نماد پرستش و نماز جماعت، نماد اجتماع مسلمین محسوب می شود. در ادامه ی آن باید از مجموعه مراسم عبادی چون وعظ و سخنرانی، برگزاری جلسات قرآن، مراسم جشن و عزاداری، مراسم دعا و ذکر و اموری نظیر آن ها یاد کرد که همگی پیوند مسلمین با جهان غیب را تقویت می کنند. از این رو می توان گفت نقش اصلی مسجد، امری عبادی - اجتماعی است.

نماز جماعت و سایر اعمالی که در مسجد انجام می شود، بدلیل ماهیت جمعی آن، مسجد را محوری برای تقویت اجتماع مؤمنین قرار می دهد.

اگر از این منظر به مسجد بنگریم، مسجد از یک سو افراد را با خدا و ماورا پیوند می دهد و از این طریق ارتباط با غیب را تقویت می کند و از سوی دیگر موجب تقویت انسجام اجتماعی می شود.

به عنوان مثال یکی از نتایج این خصوصیت انسجام بخشی در مساجد مجموعه ای از تأسیسات جانبی شکل گرفته و کارکرد تأمین اجتماعی پیدا کرده است که از طریق آن مؤمنین حمایت می شده اند. تشکیل انواع صندوق های قرض الحسنه، فعالیت در جهت رسیدگی به ضعفا و مستمندان و اموری نظیر آن نمونه هایی از این کارکرد مسجد بوده و است.

وجود این خصایص برای مسجد، سبب شده تا مسجد به عنوان کانون اجتماع و محلی که اجتماعات دینی حول آن شکل می گیرد، محسوب شود. (چنان که مکه به عنوان مقدس ترین مکان، کانون انسجام کل مسلمین در هر مکان و زمان به حساب می آید)، در هر محله، روستا و شهر نیز مسجد مکانی برای تداوم حیات اجتماعی می باشد.

به خاطر همین محوریت مسجد در حیات اجتماعی بوده که در گذشته شهرهای اسلامی حول مسجد شکل می گرفته است. مسجد محلی بوده است در کانون و مرکز شهر که تأسیسات مختلف شهری حول آن و متصل به آن شکل می گرفته است و مسجد به عنوان جهت دهنده به شهر و پیوند دهنده ی آن به عالم بالا عمل می کرده است. بازار و ارگ حکومتی در کنار مسجد و در پیوند با آن بوده است. زیرا در حیات دینی، دین است که مشروعیت بخش عرصه های دیگر زندگی است. (مسجد جامع کرمان)

مساجد به عنوان کانون حیات اجتماعی مسلمین، نه تنها از طریق اعمال عبادی جمعی و فعالیت های حمایتی مرتبط با مسجد موجب انسجام و وحدت می شده اند، بلکه با تکفل امر آموزش در جهت تداوم حیات اجتماعی نیز عمل کرده اند. به همین جهت هم آموزش به عنوان کارکرد دیگر مساجد بوده که بعدها به یک نهاد جانبی و هم بسته با

مسجد، یعنی مدارس تبدیل شده است. تاریخ اسلام نشان می‌دهد، مدارس در پیوند با مسجد و اماکن عبادی به عنوان ادامه ی فعالیت آموزشی مسجد سربرآورده اند.

بر این اساس می‌توان گفت؛ مسجد نه تنها در زمان حال محملی برای پیوند و انسجام اجتماعی بوده است، بلکه در طول زمان نیز، از طریق آموزش، نسل ها را به هم پیوند می‌داده و حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشیده است. از این نگاه، در تاریخ سرزمینی چون ایران که در آن جابجایی سلسله ها و حکومت ها و انقطاع‌های سیاسی در پی انقراض یک سلسله تا جایگزینی سلسله ی دیگر پدید می‌آمده، عامل تداوم فرهنگ و تمدن و حیات اجتماعی، مسجد بوده است، نقشی که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

امروزه آنچه به عنوان فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود، به درجات بالایی مرهون وجود مساجد به عنوان کانون اجتماع مسلمین است تا حکومت ها و نهادهایی که با جابجایی دچار فروپاشی یا انقطاع می‌شده اند. به عبارت دیگر، اگر صفحه ی تاریخ را بنگریم و بخواهیم عنصر تداوم بخشی برای آن بیابیم، عنصری که به خاطر ماهیت خاص خودش هیچ گاه دچار انقطاع نشده است، این عنصر را باید در مجموعه سنت هایی جست که پیوسته با مسجد بوده است.

متأسفانه این امری است که نگاه غیردینی به تاریخ در دوره های جدید، آن را نادیده گرفته و حق مطلب را در باب آن ادا نکرده است.

در پیوند با سنت آموزش و تبلیغ، روحانیت را به عنوان یک قشر اجتماعی داریم که به عنوان حافظ سنت دینی عمل کرده است. روحانیت به دلیل نوع رسالتی که دارد، علی‌رغم تنوع و تفاوت مشرب، همیشه حداقل وحدت درونی را داشته است. به همین جهت قشری بوده که اتصال سنت دینی را تداوم بخشیده و از این طریق وحدت و تداوم اجتماعی را تحقق داده است. متأسفانه این نقش هم از دید مورخان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر این، روحانیت از یک سو به خاطر آن که درون سنت واحدی آموزش دیده و پرورش می‌یابد، و با وحدت حداقلی که داشته و دارد، و از سوی دیگر به خاطر نقشی که به عنوان امام جماعت، واعظ، خطیب و نظایر آن در مسجد داشته است، عاملی در جهت وحدت اجتماع دینی بوده است. به عبارت دیگر، روحانیت مانند رشته تسبیحی که از درون نهاد مساجد عمل می‌کرده، اجتماعات دینی مختلف را به هم پیوند زده است.

به همین جهت، شهر و روستا و محلات، علی‌رغم تفاوت هایی که با هم داشته اند و در عین گسستگی های مکانی و تفاوت های فرهنگی و اجتماعی که بین آن ها وجود داشته، از طریق روحانیت به یک جامعه ی بزرگتر تبدیل می‌شده اند که در اصول و باورهای واحدی با هم اشتراک داشته اند.

مساجد به خاطر همین نقش کانونی که داشته اند، همان قدر که سنتی واحد را تداوم داده اند، توانسته اند، تنوع و تکثیر اجتماعی را هم که لازمه ی زندگی اجتماعی است، پوشش دهند. مساجد در اسلام، بنا به ماهیت خاص خودشان و پیوندی که با امت دارند، مراکزی بوده اند که به تناسب وضعیت اجتماعی که حول آن شکل گرفته، تکثیر و تنوع را هم در دل خود پرورده است.

تجربه ی نزدیک ما در سالیان اخیر نشان می‌دهد، که گروه های اجتماعی مختلف، صنفی، قومی و فرهنگی به تناسب وضعیت خاص خودشان مساجد ویژه داشته اند، مسجد بناها، بزازها، خیاط ها، مساجدی است که در عین این که کارکرد عبادی خود را داشته، در جهت تقویت هویت صنفی نیز عمل می‌کرده است. مراکزی چون «کانون توحید»، «حسینیة ی ارشاد» و مسجد «قبا» و مسجد «کرامت» در مشهد از جمله برخی مساجد بازار و مسجد «جامع» و مسجد «آذربایجانی ها» در تهران و مساجدی که توسط روحانیون بنام «شهدای محراب» در مرکز استان ها اداره می‌شد. نمونه هایی است که با رشد اندیشه های احیاگرانه و انقلابی، دینی پیوند دارند و مساجد «آشتیانی ها»، «ترک ها»، «شبستری ها» و... نقش وحدت بخشی قومی را ایفاء کرده اند.

حتی در مساجد بزرگ شهرها، به تناسب امامان جماعت و روحانیونی که در آن فعالیت می‌کردند، گاه در یک مسجد گرایش های مختلفی را پوشش می‌داد، بدون این که با تعارض و کشمکش همراه باشد.

از این رو می‌توان گفت، برخلاف نهادهای جدید که تکثرگرایی را نمایندگی می‌کنند، و این نمایندگی با تعارض و کشمکش و عدم تحمل همراه است، مساجد کانون هایی بوده اند که تکثر را با حفظ وحدت در اصول و مبانی و به همراه سعه ی صدر در درون سنت واحد دینی به جامعه ارزانی داشته اند. این الگویی است که امروز بیش از گذشته ما نیازمند آن هستیم. در جامعه ای که تکثرگرایی یکی از مشخصه های آن است، مساجد می‌توانند کانونی باشند که درون آن ها با حفظ سنت اصلی به این تکثرگرایی پاسخ دهند. پاسخی که تکثرگرایی را به جای آن که منجر به تعارض و شقاق اجتماعی شود، در جهت اعتلا جامعه سوق خواهد داد.

متأسفانه، امروزه جریان یکسان کننده ای موجب تضعیف کارکرد محوری مساجد شده است. به همین جهت هم کانون تکثرگرایی به بیرون از مساجد منتقل شده است، کانون هایی که قادر نیستند، در کنار تکثرگرایی، وحدت حداقل جامعه را تأمین کنند.

امروزه، جامعه ی ما به عنوان جامعه ای دینی که حکومت دینی را شکل داده و به عنوان جامعه ای که با جریان مدرن برخورد داشته و از حالت سنتی خارج شده است، اگر بخواهد جامعه دینی باقی بماند، بیش از گذشته نیازمند به نقش مسجد است. زیرا صنعتی شدن و تقسیم کار متزاید در دوره ی کنونی، با ناهمسان شدن افراد در عقاید و

باورها همراه است که به عنوان یک معضل اساسی در زندگی مدرن مطرح است. متفکران بسیاری در باب حل آن اندیشیده و راه حل هایی چون ایجاد تشکل صنفی و یا تشکیل جامعه ی مدنی را به عنوان راه حلی برای خروج از این بن بست که به ذره ای شدن افراد منجر می شود، پیشنهاد می کند.

به نظر می رسد در جامعه ی ما، به دلیل قوت سنت دینی به جای آن که به تکثرهایی از این نوع متمسک شویم، می توانیم به الگوهایی از اجتماعات دینی متنوع حول کانون مساجد متوسل شویم، که در عین حفظ سنت واحد دینی به تکثرهای ناشی از زندگی جدید هم پاسخ می دهد. چنان که در انقلاب اسلامی هم همین کانون ها بودند که به عنوان محور مقابله ی جامعه ی مدنی با حکومت خودکامه، عمل کردند.

در واقع جامعه ی دینی، با وجود مساجد و اجتماعاتی که حول آن شکل می گیرد، جامعه ای مدنی و سازمان یافته است که تقویت آن می تواند ما را از آسیب یکسان سازی ها و تفرق هایی که محصول تمدن جدید است، مصون بدارد. در واقع طرح جامعه ی مدنی توسط رئیس جمهور می تواند تأکیدی بر این حیات مدنی در جامعه ی اسلامی باشد.

به نظر من می توان مجدداً حیات مدنی را در بطن جامعه با کانون هایی که محور آن ها را مساجد تشکیل می دهند، تقویت نمود.

اگر از نگاه سیاست گذاری اجتماعی نیز به مسجد بنگریم، می توان گفت که مساجد کانون هایی برای انسجام و تداوم حیات اجتماعی اند. بنا بر این اگر عملکرد آن ها را مرور می کنیم، یا برای مساجد برنامه ریزی می کنیم، یا باید دید، در حال حاضر از این زاویه، دارای چه قوت ها و ضعف هایی هستیم.

در نگاه اول باید متوجه این نکته باشیم که کارکردهای اجتماعی مسجد، همگی در پرتو نقش عبادی آن معنی دار است. بنا بر این همیشه به عنوان یک اصل در خصوص فعالیت های مربوط به مساجد باید این نکته را مد نظر داشته باشیم که نباید فعالیت های جانبی به این فعالیت اساسی لطمه ای وارد کند.

نکته ی دوم، این است که بعد از جایگاه عبادی مهم ترین و حیاتی ترین کارکرد مسجد حفظ وفاق اجتماعی در سایه ی انسجام و وحدت و تداوم حیات اجتماع دینی است. از این رو هرگونه فعالیتی که به این کارکرد آسیب بزند، در بلند مدت به حکومت اسلامی و هویت و حیات دینی لطمه خواهد زد. بر این اساس می توان گفت، اگر فعالیت سیاسی در مساجد به سمت جناح بندی های خاص یا تقویت جناح های سیاسی معینی جهت یابد، می تواند عامل آسیب زایی برای کارکرد اجتماعی مسجد باشد.

سیاست زندگی هایی که در بعضی مساجد وجود داشته و دارد و جناح بندی هایی که اعمال می شود، سبب می شود تا مسجد کارکرد خود را به عنوان کانون اجتماع مؤمنین در یک محله یا منطقه یا شهر از دست بدهد و کم کم به عنوان شاخصی برای عضویت در یک جناح خاص درآید. در حالی که همیشه تاریخ نشان داده که روحانیت و مسجد چتری بوده اند که بر سر امت و همه ی اعضای جامعه ی دینی با گرایش های مختلف گسترده شده اند.

ضرورت حضور بین المللی و بهره بردن از ظرفیت های علمی و ارتباطی مسجد، در سطح جهان نیز، امروزه مغفول مانده است. در حالیکه این امر می تواند مسجد را مرکز تحولات و مبادلات فکری و عقیدتی جامعه ی مسلمین سازد.

نکته ی دیگر، پوشش مکانی مساجد است. اگر بپذیریم که مساجد کانون اجتماع مؤمنین است، باید به تناسب جمعیت و گسترش مکانی آن ها، مساجد گسترش یابند. به نحوی که بتوانند به درجات هر چه بیشتر جمعیت های ساکن در مناطق شهری و روستایی را پوشش دهند. آمار مربوط به تعداد مساجد و پراکندگی آن ها، اگر چه نشان از کثرت مساجد و حسینیه ها در مجموعه مکان های فرهنگی دارد، اما به اقتضای کارکرد متفاوت آن از سایر مراکز فرهنگی انتظار می رود که مساجد به نسبت بالاتری از سایر اماکن فرهنگی توسعه یابند.

با توجه به اهمیت مساجد و نقش محوری آن در سالیان گذشته همواره این مسئله مورد توجه بود و از اوایل دهه ی هفتاد در ایام وزارت جناب آقای خاتمی سنجش میزان مشارکت در مساجد در چارچوب یک طرح ملی آغاز شد که با مروری به نتایج آن امروزه می توان به سنجش وضع موجود و تطبیق آن با انتظاراتی که از مساجد می رود برای دوام نقش مساجد برنامه ریزی کرد.

در طرح آمارگیری فرهنگی که به شناسایی اماکن فرهنگی از جمله اماکن دینی در سال ۷۹ پرداخته است، کل تعداد مراکز فرهنگی ۱۴۷۰۰۰ واحد است که ۳۸ درصد از آن ها را مسجد (یعنی حدود ۵۷ هزار مسجد) تشکیل می دهد. اگر تعداد حسینیه ها و تکایای ثابت و زیارت گاه را هم به این رقم بیفزائیم، نسبت اماکن دینی به مراکز فرهنگی، ۵۵ افزایش می یابد. در حالی که به لحاظ سرانه، اگر زیربنای مساجد را با کلیه ی ابنیه ی مربوطه، به جمعیت کشور محاسبه کنیم، سهم هر نفر از زیربنا ۲۹ / ۰ متر مربع (یعنی مساحتی به اندازه ی ۲۹ سانتی متر در یک متر) می شود. این سرانه، که نسبت به کل جمعیت کشور محاسبه شده، پراکندگی مساجد را نشان نمی دهد. در شهرها و در بخش های سنتی با تراکم بیشتر مساجد مواجه هستیم، در حالی که در بخش های جدید که اغلب بعد از انقلاب توسعه یافته و یا ساخته شده، با کمبود و یا تعداد محدود مساجد مواجه هستیم که باید آن را یک ضعف اساسی در معماری و شهرسازی امروزی به حساب آورد. برای نمونه می توان به بخش های مرکزی اطراف بازار و خیابان های مرتبط با

آن در تهران اشاره نمود در مقابل بخش هایی از شهر که بعد از انقلاب در قسمت غرب و شمال غربی این شهر ساخته شده است که گاه در یک منطقه با جمعیت حدود ۱۰۰ هزار نفر و یا بیشتر فقط یک مسجد وجود دارد.

همین مساجد هم بعد از شکل گیری منطقه و ساخت و ساز وسیع تأسیس شده است. محل آن هم ممکن است نسبت به منطقه، مرکزیت نداشته باشد. در حالی که اگر در هر نوع طراحی شهری، و مقدم بر بسیاری از تأسیسات عمومی اقدام به ساختن مسجد شود، مسجد کانونی خواهد بود که شکل گیری مستمر و آرام محله، اجتماع دینی محله ای را هم شکل خواهد داد و از بسیاری از آسیب های اجتماعی که ریشه ی آن در عدم همبستگی است، مانع می شود. زیرا در «حیات محله ای» به میزانی که افراد مواجهه و تعامل بیشتری با یکدیگر داشته باشند و به میزانی که افراد قدیم با افراد جدید پیوند بیابند، امکان انحرافات و آسیب ها کاهش می یابد.

در نگاه دیگر، فاصله ی خانواده ها تا مسجد شاخصی است که امکان مسجد رفتن و در نتیجه مشارکت در حیات دینی را افزایش می دهد. در تحقیق فعالیت و مصرف فرهنگی فاصله ی خانواده ها تا مسجد مورد پرسش قرار گرفته است. در شهری مانند تهران میانگین فاصله ی خانواده ها تا مسجد ۴۲۷ متر (حدود نیم کیلومتر) است که در بعضی مناطق به ۲ کیلومتر هم می رسد.

بر این اساس می توان گفت که فعالیت مسجدسازی و کثرت مکانی آن ها ضرورتی است که در برنامه ریزی ها کمتر به آن توجه شده است. علاوه بر این به مکان یابی مسجد و تناسب آن با اعمال و مناسک و چرخه ی زمانی انجام آن که شبانه روزی است، توجه لازم نشده است. همچنین به کارکرد اجتماعی مسجد در پدید آوردن «حیات محله ای» و ایجاد همبستگی و کنترل اجتماعی در شهرسازی توجه نشده است.

مسجد مانند دیگر اماکن فرهنگی نیست که عمدتاً به عرضه ی ابزار و کالاهای فرهنگی می پردازند. مسجد کتابخانه نیست که حد تعامل آن با افراد، حد امانت کتاب یا اموری نظیر آن باشد، بلکه کانونی است برای تعامل، حول امر دینی که با جوشش عاطفی همراه است و لازمه ی تداوم فعالیت آن حضور افراد در آن است. در حالی که در مساجد موجود، فعالیت و مدت زمانی که می توانند در آن حضور داشته باشند، در حد انتظار نیست.

طرح آمارگیری فرهنگی نشان می دهد، از مساجد کل کشور در اوقات عادی سال (غیر از ماه رمضان)، ۵۶ درصد مساجد، قبل از نماز صبح مفتوح اند، ۴ / ۵۴ درصد بعد از نماز صبح، ۱ / ۷۱ درصد قبل از نماز ظهر و حدود ۶۲ درصد بعد از نماز ظهر و مغرب باز هستند. در صورتی که بالاترین نسبت مفتوح بودن را در نظر بگیریم، حدود ۷۰ درصد برای نماز ظهر است که نشان می دهد حدود دو سوم مساجد در بالاترین زمان فعالیت شان مفتوح اند و امکان مراجعه به آن ها وجود دارد.

در خصوص برگزاری نمازهای یومیه به جماعت در ایام عادی (غیر از ماه رمضان و محرم و صفر)، در ۴ / ۲۴ درصد مساجد نماز صبح، در ۱ / ۳۳ درصد نماز ظهر و عصر و در ۴ / ۴۰ درصد آن ها نماز مغرب و عشا به جماعت برگزار می شود. در حالی که کانونی ترین فعالیت مسجد، نماز جماعت است. قابل ذکر است که در مساجد استان «سیستان و بلوچستان» علی رغم مساحت کوچک تر مساجد نسبت به سایر مناطق نسبت برگزاری نماز جماعت در صبح و عصر حدود ۸۵ درصد است.

در انجام سایر فعالیت ها چون سخنرانی مذهبی، مراسم دعا و نیایش و مراسم سوگواری نیز نسبت فعالیت بین ۴۶ تا ۵۸ درصد است. که نشان می دهد حدود نیمی از مساجد در این زمینه ها غیر فعالند. بنا بر این می توان گفت، از مساجد موجود نیز به صورتی بهینه استفاده نمی شود و مساجد نیز در کارکردی که بر عهده دارند، مؤثر عمل نمی کنند.

در همین جا باید به این نکته اشاره نمود که بر اساس آمار مذکور، ۹ / ۵۸ درصد مساجد کشور، امام جماعت ندارند. این امر به معنای آن است که محور فعالیت و کسی که هدایت کننده ی فعالیت های مسجد می باشد، در مسجد حضور ندارد و مسجد به جای آن که کارکرد اجتماعی انسجام بخش داشته باشد، اگر فعال هم هست در حد مکانی برای عبادت عمل می کند تا شکل دادن به اجتماع مؤمنین.

ارقام افرادی که به نماز جماعت مسجد می روند در تحقیق فعالیت و مصرف فرهنگی در ۲۸ شهر کشور مشخص شده است. این تحقیق نشان می دهد، ۲۷ درصد جمعیت بالای ۱۴ سال شهرهای بزرگ مرکز استان در نماز جماعت مسجد و حسینیه شرکت می کنند. این رقم نیز مطلق شرکت است که استمرار شرکت را نشان نمی دهد. اما آنچه از همین ارقام هم می توان استنباط نمود این است که کمتر از یک سوم از جمعیت شهری که بیشترین امکان و تسهیلات هم در اختیار آن ها است در اجتماع دینی حول مساجد مشارکت دارند که این خود یک خلاء بسیار بزرگ برای یک اجتماع دینی است. البته افراد از طرق دیگری با اجتماع دینی پیوند دارند، از جمله مجالس عزاداری و جشن و سرور، اما آن ها نمی توانند جای نماز جماعت مسجد را بگیرند.

این ارقام نشان می دهند که از امکانات موجود هم به صورت بهینه در جهت کارکردهای اصلی مسجد استفاده نمی شود و این در حالی است که ظرفیت معنوی و عبادی جامعه ظرفیت ثابتی است.

آماري که اینک ارائه می دهم نشانگر قوت عبادی و ظرفیت گرایش مردم به نماز است در تحقیقی که در سال ۱۳۷۳ در استان مرکزی انجام شده، نسبت افرادی که اظهار کرده اند نماز می خوانند، ۵ / ۸۶ درصد بوده است. در تحقیق دیگری که در سال ۱۳۷۴ در تهران انجام شده (سراج زاده) نسبت مذکور ۱ / ۸۹ درصد بوده است. در تحقیق

مستقلی در سال ۷۷ در تهران، نسبت مذکور ۸۰ درصد و در سال ۷۸، ۲ / ۸۶ درصد است. در تحقیق دیگری مشابه تحقیق سال ۷۷ که در سال ۱۳۷۹ انجام شده، نسبت نمازخوانی برای دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان های مناطق شهری کشور ۲ / ۹۳ درصد ذکر شده است. تفاوت این رقم به دلیل نسبت بالاتر تقیّد به نماز در مناطق غیر از تهران می‌باشد. زیرا در تحقیق دیگری که در سال ۱۳۸۰ در مورد دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان های شهر تهران انجام شده، نسبت ۲ / ۸۷ درصد بدست آمده است که نزدیک به ارقام دیگر مربوط به شهر تهران می‌باشد. با توجه به این که این تحقیقات مستقل از هم و توسط افراد مختلف انجام شده، ثبات نسبی رقم حدود ۸۵ درصد نمازخوانی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه ی شهر تهران، علی‌رغم تغییرات و تحولاتی که در طول حدود یک دهه انجام شده، قابل توجه است و نشان می‌دهد، پای بندی به امری چون نماز چه به صورت مداوم و چه غیر مداوم از این تغییرات تأثیر نمی‌پذیرد.

در مورد بالاترین نسبت نمازخوانی در بین دانشجویان، تحقیقی در سال ۱۳۷۳ «دانشگاه های دولتی مراکز استان های کشور» انجام شده بود که حاکی از نماز خوانی ۹ / ۹۴ درصد دانشجویان است.

تحقیق دیگری در سال ۱۳۷۹ از سوی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها انجام پذیرفته است که جمعیت آماری آن، دانشجویان دانشگاه تهران و کرمان بوده اند. در این تحقیق نیز نسبت نمازخوانی ۸ / ۹۵ درصد ذکر شده است. مقایسه ی ارقام این دو تحقیق با هم نشان می‌دهد، در طول دهه ی ۷۰ تغییری در نسبت مذکور پدید نیامده است.

ثبات و در مواردی افزایش آمار نمازخوانی نشانگر موفقیت تلاش هایی در سطح کشور و به خصوص نقش محوری جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای قرائتی است که آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای ایشان دارم.

این نکات همه نشان می‌دهد که در کنار اهتمام به ساختن مساجد - مکان یابی مناسب و متناسب با جمعیت محلات و مناطق، لازم است در خصوص نماز جماعت و سایر فعالیت هایی که در مسجد انجام می‌شود، اهتمام بیشتری به خرج داد. همچنین از فعالیت هایی که کارکردهای اساسی و اولیه ی عبادی و اجتماعی مسجد را به مخاطره می‌اندازد، پرهیز نمود و فعالیت های جانبی را در جهت تقویت این دو کارکرد اصلی هدایت کرد.

تاریخ نشان می‌دهد که دین همواره منشاء خلاقیت ها و تحولات هنری در سطح جامعه ی دینی بوده است و هنرمندان مومن معیارهای زیباشناسی خود را از نهادهای دینی دریافت کرده اند و این امر مسئولیت نهاد روحانیت را در عرصه ی تحولات فرهنگی و هنری دو چندان می‌سازد و امیدواریم با همکاری دو نهاد مسجد با مسئولان فرهنگی شاهد رونق هر چه بیشتر خلاقیت های هنری در جامعه باشیم.

بایدها و نبایدهای دعوت به نماز

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدیان

معاون محترم تحقیق و تألیف ستاد اقامه نماز

بسم الله الرحمن الرحيم.

الحمد لله الصلوة والسلام على رسول الله و آله آل الله.

خداوند متعال را بسیار شاکر و سپاسگزارم که توفیق مرحمت فرمود در آستانه ماه رجب؛ ماه عبادت و رحمت، دور هم جمع باشیم و درباره ی فریضه سترگ نماز سخن بگوییم.

در آغاز کلام خالصانه ترین سلام ها و درودهای خودمان را تقدیم می‌کنیم به روح پر فتوح شهیدان، مخصوصاً شهدای ۱۷ شهریور، شهیدان خطه کرمان، و شهید فرزانه حجة الاسلام و المسلمین دکتر باهنر. درود می‌فرستیم به روح پر فتوح و بلند و ملکوتی امام راحل که در روزگار غربت اسلام بر بلندای جان انسان ها ندای الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه را سر داد و این امت را سوار بر سفینه سیره و سنت ساخت و این کشور را کشور سلام و صلوات. درود می‌فرستیم به محضر مبارک مقام معظم رهبری، همان که میراث دار خون شهیدان و ادامه دهنده ی راه امام راحل است. اما همه با هم یک صدا به محضر مقدس حضرت حجت(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سلام می‌دهیم که: السلام على المهدي الذي وعده الله عزّ وجلّ به الامم ان يجمع به الكلم و يلم به الشعث يملأ الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً.

به نظرم، مطلب دیگری بود که در این جلسه تقدیم حضور دوستان و عزیزان بکنم اما به جهت ترکیب جمعیتی جلسه از طرح این معنا منصرف شدم. تنها به اجمال و در حد رعایت زمان و فرصت فراهم شده به بایدها و نبایدهای اقامه نماز اشاره می‌کنم. یقیناً دوستان و سروران ارجمندی که تفصیل این موضوع را بخواهند در جای خود تقدیم خواهند کرد.

نگاه به نماز می‌تواند از زوایای مختلف صورت بگیرد، ما می‌توانیم به نماز از زاویه ی یک عبادت و تکلیف دینی نگاه کنیم که همچنین هم هست. نماز برای یک مسلمان تکلیف الهی است. هر مسلمانی باید هر روز پنج نوبت، خود را در سجاده ببیند که با خدای متعال سخن می‌گوید، اما از زاویه دیگری نیز می‌شود به نماز نگاه کرد؛ نماز معنای زندگی انسانی، انسان است و یا به تعبیری، نماز ممتاز کننده ی حیات طیبیه ی انسانی از حیات حیوانی است. هر چند که در تعبیر قرآنی، عالم با شعور است، عالم قرآین ذی شعور است، بی‌شعور نیست. همه ی عالم در تسبیح او

هستند. همه ی موجودات ثناگو و تسبیح‌گوی او هستند. اما تسبیح و تقدیس انسان بالاتر از حتی تقدیس ملائکه‌الله است و همین باعث شده است که انسان از جایگاه ممتازی برخوردار بشود و این متمایز کننده ی جایگاه انسان، نماز است. اساساً حیات بدون نماز، حیات انسانی نیست، حیات حیوانی است.

در داستان انبیاء و در آموزه های وحی آسمانی می‌بینیم که بیشترین تأکید روی فریضه ی نماز شده است. عیسی مسیح(علیه السلام) وقتی که لب به سخن می‌گشاید تا از مادر مطهره اش رفع اتهام کند، خود را به عنوان بنده ی خدا معرفی می‌کند. و می‌گوید که خدا او را نبی قرار داده است و به او کتاب اعطا شده است. بعد می‌فرماید: اوصانی بالصلوة والزکوة ما دمت حیا؛ تا زمانی که زنده ام خدای متعال مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. یعنی حیات من با نماز همراه است.

در آموزه های اسلامی همین معنا را داریم که در توصیه های تربیتی فرموده اند که وقتی نوزاد متولد می‌شود، برگوش راست او اذان بخوانید و بر گوش چپ او اقامه بگویید. اولین کلمه و واژه از اذان و اقامه کلمه ی مقدس الله است. در آموزه های دینی به ما یاد داده اند که وقتی انسان می‌خواهد این دنیا را وداع کند. وقتی آخرین نفس های خود را در حیات دنیوی و نشئه ی دنیوی می‌کشد و به اصطلاح، در بستر احتضار خفته است بر او این کلمه ی طیبه را تلقین کنید که لااله الاالله. یعنی آخرین کلمه هم که از دهان او خارج می‌شود، الله باشد. یعنی آغاز و پایان حیات یک انسان با واژه ی الله معنا پیدا می‌کند و این واژه بالاترین واژه ی نماز است.

قرآن کریم حیات طیبه ی انسانی را در پرتو عمل صالح، استجابت دعوت خدا و دعوت رسول معرفی می‌کند. که اذا دعاکم لما یحییکم، اجابت کنید دعوت الهی را وقتی شما را می‌خواند. دعوت انبیاء چیست؟ چند مطلب در میان آموزه های دینی و دعوت انبیاء به صورت برجسته به چشم می‌خورد، انبیاء دعوت می‌کنند به قسط، بندگی حق، دوری از شرک، الی العزیز الغفار صراط مستقیم، دارالسلام و به مغفرت. که همه ی این ها را ما در نماز به صورت برجسته می‌بینیم. برای همین هست که انبیاء الهی از آدم تا خاتم(ص) روی نماز تأکید دارند. ابراهیم آرزو می‌کند هم خود و هم ذریه اش، نمازگزار باشند. موسی کلیم مأمور است، اقم الصلوة لذكری. عیسی مسیح(علیه السلام) می‌گوید که اوصانی بالصلوة والزکوة ما دمت حیا. پیغمبر ما مأمور هست هم خود بر اقامه نماز و هم دعوت امت خود به صلاة. وامراهلک بالصلوة. و همین سیره و سنت مرضیه را در زندگی همه ی انبیاء می‌بینیم. در سوره مریم(علیها السلام) همین توصیه ها و یادکردهای نیکویی را که خداوند متعال از انبیاء خود می‌کند، آمده است. مانند حضرت اسماعیل صادق الوعد که او را می‌ستاید به این که؛ کان یأمر اهله بالصلوة. پس یکی از دعوت های انبیاء، دعوت به نماز است.

آنچه من حضور شما دوستان عزیز در این دقایق باقی مانده می‌خواهم عرض کنم این است که «باید»‌های دعوت به نماز چیست؟

و «نباید»‌های آن کدام است؟ قرآن کریم در کنار سفارش به نماز چندین مطلب را یادآور می‌شود. که همه ی این‌ها با نوعی تمکن همراه است و به تعبیری پیش نیاز اقامه آنچه همراه با خود نماز است، نیازمند تمکن است. قرآن کریم می‌فرماید: «آن‌هایی که از اهل ایمان، مکنت به ایشان دادیم، اقامه نماز می‌کنند. زکات می‌پردازند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند». چنانکه مستحضرید در این آیه ی شریفه، علاوه بر اقامه ی صلوٰه، اتوا الزکوة، امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ذکر می‌شود. که هر سه پدیده، بعد از نماز علاوه بر این که به عنوان یک عبادت نیازمند قصد قربت است، شأن اجتماعی نیز دارد. همچنانکه خود نماز هم نقش اجتماعی دارد. رفتار جمعی و کارکرد جمعی عبادت نیازمند تمکن و قدرت است. کسی بدون تمکن و قدرت نمی‌تواند کارکردهای اجتماعی عبادتی مانند؛ نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر را عملی کند. هم چنانکه اگر چنین چیزی مجاز نباشد، کسی حق ندارد نسبت به دیگری اعمال سلطه کند. مگر اینکه این اعمال سلطه کردن، مشروعیت داشته باشد. که به تعبیر قرآنی این مشروعیت در قالب تمکن یا حاکمیت میسر می‌شود.

در قرآن کریم نماز با ایمان به غیب پیوسته است. این برای معلمان، مربیان همکاران عزیز من قابل توجه باید باشد، حتماً علمای بزرگوار هم به این عنایت دارند. یعنی زیر ساخت دعوت به نماز، نوعی پدیدآوری ایمان به غیب است. اگر انسان ایمان به غیب نداشته باشد از او رفتار و مناسکی مانند؛ نماز سرنمی‌زند. لذا قرآن می‌فرماید: یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوٰه. ایمان به انبیاء الهی و کتب آسمانی لازم است. یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک. لئن اقمتم الصلوٰه و اتیتم الزکوة و امنتم برسلی». در کنار ایمان به رسل، اقامه نماز و زکوة است. یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و المقیمین الصلوٰه. یعنی پیش نیاز نماز، پذیرش دعوت انبیاء و آموزه های وحیانی است. اگر ما در باب معارف دینی بدون تأکید بر ایمان به غیب، آموزه های وحیانی و تعالیم انبیاء دعوت به نماز بکنیم، چنین دعوتی پایدار نخواهد بود. اطاعت از رهبری الهی و آسمانی در کنار نماز مطرح شده است. و یقیمون الصلوٰه و یؤتون الزکوة و یطیعون الله و رسوله. حتی در مورد بانوان هم همین تأکید را دارد. علاوه بر این که کل جامعه ی دینی و جامعه ی اسلامی را دعوت می‌کند به اطاعت از انبیاء و در پرتو همین اطاعت از پیغمبر، نماز و ایتاء زکوة، می‌فرماید: زنان مؤمن هم اقمن الصلوٰه و اتین الزکوة و اطعن الله و رسوله. به تعبیر دیگر اگر بخواهیم دقیق تر نگاه کنیم، بین اقامه نماز، ایتاء زکوة، ایمان به خدا و رسول و اطاعت از خدا و رسول رابطه ی متقابل است. ایمان به خدا و رسول، انسان را نمازگزار می‌کند. و نمازگزاری در دوام ایمان انسان به خدا و رسول مؤثر است. اطاعت از کتاب

آسمانی و تمسک به آن والذین یمسکون بالکتاب و اقاموا الصلوة، اگر به کتاب و نماز توجه شود. می‌فرماید: انا لا نضیع اجر المصلحین، یعنی اصلاحگری هم در پرتو تمسک به قرآن و اقامه نماز است. در داستان حضرت شعیب (علیه السلام) هم همین معنا را داریم که به حضرت شعیب (علیه السلام) خطاب می‌کنند آن جهال قوم که آیا نماز تو را وادار کرده است ما را به اصلاح و صلاح دعوت کنی؟! حتی در مورد علماء که خداوند متعال تقدیر و تجلیل از آن‌ها می‌کند که «انما یخشی الله من عباده العلماء، بعد در ادامه بیان می‌فرماید: ان الذین یتلون کتاب الله و اقاموا الصلوة، انفاق، زکات و معاشرت نیک اجتماعی هم جزء لوازم نماز هستند. یعنی بایسته‌های نمازند. منظورم چیست؟ می‌خواهم بگویم که اگر ما دعوت به نماز بکنیم، و به رویکردها و کارکردهای اجتماعی نماز توجه نکنیم، به لوازم نماز که بسترسازی مناسب برای آن و اقامه آن فراهم می‌کنند، توجه نکنیم، دعوت ما دعوت تمامی نخواهد بود.

قولوا للناس حسناً و اقيموا الصلوة، آن کسی که دعوت به اقامه نماز می‌کند باید با مردم به نیکی سخن بگوید. زبان درشت، کلام زمخت و دعوت از سر اجبار برای نماز سازگار نیست. قولوا للناس حسناً و اقيموا الصلوة. باید دعوت به نماز را از بستر خانه و خانواده شروع کرد. قرآن کریم می‌فرماید: واجعلوا بیوتکم قبله، خانه‌های خود را قبله قرار دهید. البته معنای مقابل هم ساختن، هم براین آیه گفته‌اند. اما چون ارتباط بعدی دارد با این جمله که واقیموا الصلوة و بشر المؤمنین. شاید این قبله، همان معبد و عبادتگاه مراد باشد. خانه باید محل تربیت نسل نمازگزار باشد. اگر خانه پاکسازی و بهسازی از عقاید انحرافی و خرافی نشود، نمی‌تواند فرزندان نمازخوان تربیت کند. هم‌چنانکه قرآن کریم خطاب به پیغمبر خود می‌فرماید: و امر اهلک بالصلوة. یا از اسماعیل تجلیل می‌کند؛ کان یأمر اهله بالصلوة، پس اگر می‌خواهیم خانه‌های ما محل عبادت باشد، باید خودمان را مخاطب این آیه ی شریفه قرار دهیم؛ و طهر بیتی لطائفین. اگر خانه ی خدا خانه ی عموم مردم است و ابراهیم به عنوان پدر این امت موظف به پاکسازی آن خانه بوده، در خانه‌های کوچک تر هم پدرانشان موظفند آن جا را برای عبادت و اقامه نماز پاکسازی کنند. دیروز بسیار منتظر ماندم که از وزیر محترم مسکن و شهرسازی درباره ی ساخت شهرک‌های جدیدی حول مسجد جامع سخن به میان آورند. در حالی که ایشان فرمودند که در گذشته شهرها از مسجدها توسعه پیدا کردند. هم‌چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: عمران و آبادی بر کره خاکی از مسجد شروع شد. ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکه. امید بود این چنین می‌شد، نه این که شهرک‌هایی بسازیم، بعد به یادمان بیفتد که مسجدش مانده است.

نماز با طهارت و نماز پیوسته، شرط اقامه ی صلوة است. اما یک جمله هم از نبایدها بگویم، که این‌ها اگر محقق بشود، اقامه ی صلوة است. اما اگر تحقق نیابد ایمان موسمی و سنتی در میان ملت به وجود می‌آید. اما اگر این

شرایط برایش محقق نشود، اضعاء صلوٰۃ اتفاق خواهد افتاد. در قرآن دو تعبیر داریم بر اقامه ی صلوٰۃ، و اضعاء صلوٰۃ، اقامه ی صلوٰۃ با این شرایط است اما اگر این شرایط نباشد اضعاء صلوٰۃ است. ضایع‌کنندگان صلوٰۃ را هم قرآن ظاهراً این چنین بیان می‌کند که این ها هم اهل تمکن هستند، هم چنانکه اقامه کنندگان، اهل تمکن هستند. یعنی قدرت دارند اما با قدرت ضایع می‌کنند. در آیات بعدی سوره مریم (علیها السلام) آمده است؛ بعد از آن که پیغمبرها آمدند و دعوت کردند و هدایت کردند به راه های خیر، به نیکی ها، فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلوٰۃ. جانشین هایی آمدند که نماز را ضایع کردند. کار اقامه کننده ها را از بین بردند. آثار کارشان را ضایع کردند. اضعاء صلوٰۃ چگونه صورت گرفت؟ واتبعوا الشهوات. به دلیل پیروی کردن از شهوات، نماز ضایع شد. قرآن شهوات را در چند مورد بکار برده است. یکی از مواردی که قرآن شهوات را بکار می‌برد، فساد جنسی یا اسراف جنسی است. در مورد قوم لوط همین معنا را بکار می‌برد و در مورد دیگرانی که افزون‌طلبی و زیاده روی در مورد مسائل جنسی می‌کنند همین معنا را ذکر می‌کند که زین للناس حب الشهوات من النساء. هر نوع حرکتی که در بسترهای فرهنگی و در بسترهای هنری بیدارکننده ی این حس از طریق غیرمشروع و غیرمعقول خود باشد، تلاشی برای اضعاء صلوٰۃ است. هرگونه یارانه دادن برای این نوع حرکت ها یارانه دادن برای اضعاء صلوٰۃ است، نه اقامه صلوٰۃ. کسی نمی‌تواند ادعا کند که من می‌توانم دو کار را در ردیف هم انجام دهم؛ هم اقامه صلوٰۃ می‌کنم، کتاب منتشر می‌کنم، آمار ارائه می‌دهم، اما از طرف دیگر فرهنگی و بستری را به وجود می‌آورم که در او تکثیر و تکیه و تأکید بر شهوات می‌شود.

قرآن علاوه بر زیاده روی جنسی، افزون‌طلبی ثروت را هم نوعی شهوت بیان می‌کند. والقناطر المقنطره من الذهب و الفضه. این هم جزء نبایدهای اقامه نماز است. جامعه ای که از یک طرف، به نماز و از طرفی گروه دیگر برافزون‌طلبی و تکاثرطلبی بخوانند، در جهت اضعاء صلوٰۃ قدم برداشته است.

متأسفم از این که نتوانستم آنچه را که باید عرضه می‌کردم، حضورتان عرضه کنم. اما خوشحالم که در حضورتان بودم. خدا را شاکرم که توانستم چند جمله ای را با شما سخن بگویم. از شما ممنون و سپاسگزارم از این که حوصله کردید و شرمنده از این که اسباب تصدیع فراهم آمد.

آسیب شناسی

آقای مهدی کروب‌ی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الذین يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون.

بسیار خوشحالم و مسرورم. افتخار می‌کنم که این توفیق نصیب بنده شده و امروز در محضر شما برادران و خواهران، بزرگان و عزیزان هستم.

به دعوت حجة الاسلام و المسلمین آقای قرائتی دوست عزیز و بزرگوارمان بنا شد، برای اختتامیه بنده خدمت برسم، صحبت کردن در اختتامیه کاری است بسیار مشکل. حالا عرض می‌کنم از چه نظر مشکل. بدیهی است که من نمی‌دانم چه مطالبی گفته شده است و حتماً مسائل و مطالب و آیاتی و حتی ممکن است بحث سیاسی، اجتماعی شده باشد که من هم آن مباحث را بدون آگاهی یادآوری کنم. و برای عزیزان ملال آور باشد. چون کسی که آغاز جلسه و نشست و اجلاس سخن می‌گوید و صحبت می‌کند به هر جهت، هنوز بحث‌ها شروع نشده است. اما آن کس که آخر صحبت می‌کند چه بسا همه ی عرایضی که بنده عرض می‌کنم مستوفی، مبسوط، اکمل، کامل، دیگران آن مباحث را قبلاً فرموده باشند. از این جهت ابتدا پوزش می‌طلبم.

نکته ی دوم؛ به محضر مبارک مردم شریف کرمان عرض ادب و سلام می‌کنیم. به یاری خدا و به فضل پروردگار اگر حیات و عمری داشتیم و با سلامتی اهالی محترم استان، سفر استانی به کرمان خواهیم داشت. هم مسئولان اجرایی، هم نمایندگان بسیار خوب و عزیز و همکاران بسیار ارزشمند من در مجلس شورای اسلامی دعوت کردند. سالهاست کرمان نیامده ام و خیلی مشتاق هستم. این سفر تنها در مورد برنامه ی امروز است و در ارتباط با نماز است. سفر استانی ما به فضل و عنایت پروردگار و با عنایت دوستان و توفیق بنده به جای خودش محفوظ و به قوت خودش باقی است.

تقدیر و تشکر دارم از همه ی دست اندرکاران و عزیزانی که زحمت کشیدند و زحمت می‌کشند. حجة الاسلام و المسلمین آقای قرائتی و همکارانشان، مسئولین اجرایی و غیر اجرایی استان، به خصوص استاندار محترم و همه ی نیروهای نظامی و انتظامی، امنیتی، اجرایی، نهادهای انقلابی روحانیون والامقام و علماء و اندیشمندان، به ویژه حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای جعفری دامت برکاته نماینده ی ولی فقیه و امام جمعه ی محترم کرمان

و استاندار محترم برادرمان آقای کریمی و سایر عزیزان. به خصوص باز از همکاران محترمان، مجموع نمایندگان عزیز کرمانی، و نمایندگان خود کرمان تشکر می‌کنم. تا این جا تقدیر و تشکر بود. و تماشای مقدمه بود.

قبل از اینکه وارد بحث نماز بشوم، چون ۱۷ شهریور است، لازم می‌دانم یادی هم از شهدای بزرگوار ۱۷ شهریور سال ۵۷، آغاز حکومت نظامی بکنم. سرکوب کردن توسط رژیم شاه، برای خاموش کردن انقلاب اسلامی حدود ۱۳ شهر حکومت نظامی شد. تهران حکومت نظامی شد. روز ۱۷ شهریور، میدان ژاله ی سابق، (شهدای فعلی)، عده ی زیادی از هموطنان به شهادت رسیدند. درباره ی واقعه ی ۱۷ شهریور، برای نسل جوانان نکته ای را عرض می‌کنم. که این نکته بسیار لازم و ضروری است. حکومت نظامی در شهرهای مختلف و از جمله تهران و کشتار دسته جمعی مردم در میدان ژاله ی سابق برای خاموش کردن، متوقف کردن و خاتمه دادن به قیام ملت ایران بود. اتفاقاً گروه های سیاسی هم تحلیلشان همین بود که فعلاً قضیه خاتمه یافت. ماجرای خرداد ۴۲ تکرار شد. بعضی گروه های التقاطی یا الحادی تعبیر تندتری داشتند. که من آن تعبیر را بکار نمی‌برم. فضای جامعه هم فضای این چنینی بود؛ بگیر و ببندها پشت سر هم شروع شد. اما امام بن بست شکن، امامی که فضا را باز می‌کرد، امامی که خط به جامعه می‌داد و مردم متحیر بودند که خط مشی رهبری چیست؟ به سرعت در طول سه روز دو تا اعلامیه از امام رسید و خط مشی را تعیین کرد. «شما به شهادت رسیدید. ای کاش خمینی هم کنار شما بود، و به شهادت می‌رسید!» شاید کم تر از چهل و هشت ساعت بعد، اعلامیه ی دوم امام رسید، که مردم را دعوت کرد به تداوم و استمرار در قیام. در آن نامه نوشت: «مردم بدانید، نبرد ما و مبارزه ی ما و تعداد شهدای ما به تعداد شهدای صفین نرسید که یکی از آنها عمار و یاسر بودند. لذا راه خودتان را ادامه بدهید.» بنا بر این، این سخنان و این فضا شکنی موجب شد که در آن شهرها حکومت نظامی ادامه یابد تا پیروزی انقلاب اسلامی. ما شهدای بزرگوار و امام را گرامی می‌داریم. به روان مقدس آنها و امام عزیزمان درود می‌فرستیم و برای بازماندگانشان صبر و اجر می‌خواهیم.

اما درباره ی موضوع نماز هم چند جمله ای عرض کنم. نماز یکی از فرائض و عبادت هایی است که آیات و روایات فراوانی در این زمینه در اسلام داریم. مثلاً آیه ای که تلاوت کردم، «اقامه صلوٰۃ». بیش از ۹۰ آیه در قرآن کریم تعبیر اقامه درباره ی نماز است. قرآنی که بنایش بر اختصار است. احادیث و روایات فراوانی هم داریم؛ رسول خدا می‌فرماید: «نماز ستون دین است» و در جای دیگر می‌فرمایند: «نور چشم من نماز است.» امام صادق می‌فرماید: «نماز را سبک بشمارید.» در جنگ صفین امیرالمومنین شمشیر می‌زند و به افق نگاه می‌کند که هنگام نماز است، آن گاه، نماز را به پا می‌دارد. رسول خدا به سمت یثرب می‌آید، همان جا مسجد بنا می‌کند، مسجد شجره و نماز اقامه می‌کند. من اگر بخواهم این آیات و روایات را بشمارم. مناسب نیست، چون می‌دانم بیش از این ها را

شما می‌دانید. نماز و عبادت و بندگی کردن و سجده نمودن و فروع دین از آن فرائضی است که قطعاً بیش از همه رویش تکیه شده است.

نماز از آن احکامی است که تنها در اسلام نیست، بلکه در همه ی ادیان وجود دارد. و قرآن هم درباره ی آن ها تعبیر به نماز می‌کند. حالا به همان شکلی که در هر دینی انجام می‌شده است. قطع نظر از معنای لغوی آن که دعا و تمجید است. به هر جهت ما می‌بینیم از ابراهیم خلیل تا محمد مصطفی، توسط همه ی انبیاء به مسئله ی نماز در قرآن اشاره می‌کند. ابراهیم می‌گوید: «خدایا، از شام سرزمین خوش آب و هوا به این زمین سوخته و بی‌علف (غیر ذی‌زرع) من این ها را آورده ام اما برای اقامه نماز.» موسی همان جایی که می‌رود و نورافشانی و وحی به او می‌شود مسئله نماز بر اساس آیات مطرح می‌شود. دیگر من نمی‌خواهم وارد این بحث ها بشوم. مسیح، معجزه آسا به دنیا می‌آید. خطاب به مریم می‌آید که ای مریم بگو که از خودش سؤال کنند. می‌گوید: (انی عبدالله آتانی الکتاب) نبوتش را می‌گوید و باز می‌گوید که آمدم برای اقامه نماز و توصیه می‌کند وصیت می‌کند به نماز. بنا بر این انبیاء خدا به تعبیر گوناگون مسئله نماز را مطرح می‌کنند.

می‌گویند که بیش از چهل و پنج جا، بنا بر تحقیقی که در قرآن شده است، در نماز تعبیر به اقامه دارد و به قرائت و خواندن ندارد که کاملاً توجه به اقامه بوده است. یعنی یک جامعه ی توحیدی یک فضای نمازی، فضای ارتباط با خدا، بنده با پروردگارش است. فضایی که آثار نماز، آثار سبحان الله، برکت تهلیل و برکت تکبیر از در و دیوارش و از فضایش، نمایان باشد. لذا خدا بندگان صالحش را وقتی که مدح و ستایش می‌کند، می‌گوید که این ها می‌آیند و اگر امکانات و تمکن پیدا کنند و قدرت را قبضه کنند و در دست بگیرند. اقامه نماز و اداء زکات می‌کنند. بندگان صالح ما دنبال این برنامه هستند. بنا بر این نکته که مسئله ی اقامه نماز است، در تعبیر قرآن مطرح است.

قرآن، معیار حق و باطل را نماز می‌داند. وقتی بندگان خوب را وصف می‌کند، می‌گوید که این ها اقامه نماز می‌کنند. این ها ائمه‌ای هستند که می‌آیند هدایت می‌کنند، دعوت به فعل خیر می‌کنند. پیشوایانی که نماز برپا می‌دارند. در سوره ی مریم باز می‌گوید که انسان های ناصالح و نادرست آن هایی هستند که می‌آیند و مردم را به سمت شهوات می‌برند. تبعیت از شهوات می‌کنند. یعنی میل ها و نفس سرکش و نماز را ضایع می‌کنند. و نماز معیار و میزان حق و باطل است. آن هایی که اقامه نماز می‌کنند، نیکان و ائمه ی هدایت هستند. آن هایی که نماز را ضایع می‌کنند، انسان های ناصالح. از نکات دیگری که قرآن مجید می‌فرماید، مسئله ی اقامه نماز و زکات در کنار هم می‌باشد. که این هم نکته ی مهمی است. جاهای متعددی آمده است: نماز بنده با خالق، مخلوق و خالق، کار الهی و عبادتی، ذکر و

یادآوری پروردگار و در کنار آن مسئله ی زکات مطرح می شود. که مسئله ی اقتصادی است و به جامعه برمی گردد. این هم رابطه ی بین خالق و مخلوق.

جمله ی دیگری هم بگویم. قرآن آغاز و ابتدایش بسم الله الرحمن الرحیم است.

اولین سوره (الحمد لله رب العالمین)، شکر پروردگار و پایانش ختم می شود به مسئله ناس. (قل اعوذ بربّ الناس، ملک الناس، اله الناس، من شر الوسواس الخناس، الذی یوسوس فی صدور الناس، من الجنة و الناس) آغازش با ذکر پروردگار، پایانش حق مردم. که باید خیلی به آن توجه کنیم. من نمی خواهم در این مجلس خیلی بحث سیاسی و مردم سالاری و آراء مردم بکنم. اما حقیقتی است، واقعیتی است. اگر نگوئیم تفسیر به رأی کردیم، اگر نگوئیم قرآن را چنین و چنان کردیم که محصول سخن و دیدگاه امام می گوید که جمهوری اسلامی در نظام حکومتیش نه یک حرف کم نه یک حرف زیاده از اسلامیت دارد که همان ارتباط معنوی با پروردگار، احکام الهی، مردم و خلق خدا و آراء انسان ها می باشد. به هر جهت نماز حقیقتاً ذکر است. عبادت است. یاد و ذکر پروردگار است و این همه از خصوصیات فریضه ی الهی است.

این جا دو نکته ی دیگر می خواهم عرض کنم. یکی این که نماز، حتماً مراحل دارد و از نظر تقرب به پروردگار، از نظر قبولی و از نظر اوج تفاوت دارد. کما این که در روایات آمده؛ نمازی که با تربت امام حسین خوانده می شود، می شکافد و به آسمان ها می رود. روایاتی است که ما به آن ها افتخار می کنیم و بر می گردد به روایات امام صادق (علیه السلام) و وجود مقدس سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین (علیه السلام). نمازی که در خانه ی خدا خوانده می شود، نمازی که در مساجدی خاص خوانده می شود، امکانه خاص یا نمازی که به صورت جماعت خوانده بشود همه به جای خود محفوظند. اما در اصل این که نماز یک تکلیف و وظیفه است. حتی اگر انسانی آلودگی، زشتی و گناهانی هم دارد باید این وظیفه و تکلیف را انجام بدهد. و حتماً ذکر و یاد خدا بی اثر نیست و اثر خودش را در انسان می گذارد. حداقل انحرافش کمتر شده و تشدید نمی شود، حداقل آن ریسمانی که با پروردگارش دارد به کلی قطع نمی شود. لذا ما می بینیم که روی مسئله ی نماز در هر وضعیت و حالتی تأکید دارند که انجام شود. چون یادآوری پروردگار است. لذا می بینیم که امام عارفان قسم می خورد و می گوید که دو رکعت نماز آن چنانی که می خواستم، نخوانده ام. خود من هم شهادت می دهم که دو رکعت نماز آن چنانی نخوانده ام. آن نمازی که امام می گوید، معلوم است چه نمازی است.

نماز، تکلیف است و استقامت و پایداری می آورد. دعوت به صبر و مقاومت و پایداری در ارتباط با نماز، حاصل می شود. همه ی ما باید تلاش کنیم تا جزو آن هایی نباشیم که «اضاعه صلوۀ» کنیم. چون قرآن آنجا که می گوید؛

افرادی بودند که نماز را بپا می‌داشتند صالح بودند، ولی عده ای آمدند و ضایعش کردند. (جانشینانشان) معلوم نیست شاید منظورش این باشد که نماز نمی‌خواندند. شاید منظورش این باشد که آمدند و خرابش کردند. این نکته را باید در حکومت دینی به آن توجه داشته باشیم. این که نماز عبادتی است که انسانی هم که از روی سهل انگاری و غفلت نمی‌خواند، به نماز عشق می‌ورزد. حالا کاهل نماز است. تارک نماز است. متأسفانه، تعلیم و تربیتش صحیح نبوده است. دوست بد داشته، محیطش ناجور بوده و ما باید همه ی محیط ها را اصلاح کنیم تا همه نماز خوان باشند. نماز را نباید به صورتی در بیاوریم که تشریفاتی کنیم. اداریش کنیم، قالب بخشنامه آن را در بیاوریم و فکر کنیم با بخشنامه درست می‌شود.

من خدا را شاهد می‌گیرم این قضیه ای را که به شما می‌گویم، عین واقع است. هستند افرادی که نماز نمی‌خواندند، همه ی ما فراوان سراغ داریم که این افراد عشق و علاقه به نماز دارند. از افرادی که نماز می‌خوانند، خوششان می‌آید. معنویت نماز هم در آن ها بی‌اثر نیست. در زندان، شرالله پاکت‌زاد از چهره های کمونیست بود، مقاوم و استوار. کمونیستی بود مؤدب. آدم منصفی بود. دارم می‌گویم، کمونیستی بود مؤدب، چون بعضی ها را داشتیم، هتاک بودند. بعضی ها را داشتیم عنود و کینه‌توز بودند. فرض مثل بیژن جزری، عناد می‌ورزید، تبلیغ سوء می‌کرد. حرف های بد می‌زد. به اصطلاح خودش را هم فیلسوف می‌دانست. بچه های چپ، به معنای مارکسیست، به او می‌گفتند که مائو. اما پاکت‌زاد کمونیست بود که حالت علاقه‌مندی و محبت به مسلمان ها داشت. صریح می‌گفت که گاهی تو زندان حالتش بهتر است. می‌گفت شما که نماز می‌خوانید، گاهی من نگاه می‌کنم. از نماز خواندن و عبادت شما، تحت تأثیر قرار می‌گیرم و لذت می‌برم. یک کمونیست این طور بود. اخیراً رفتم (بلاروس) جلسه ای برای ایرانی ها گذاشته بودند. سر و کله ی شخصی پیدا شد. نگاهش کردم، آمد جلو و گفت: «من را می‌شناسی؟» با درنگ گفتم: «شما عسگری هستید.» از آن هنرمندهای چپ بود. می‌گفت: «در فلان سلول که با فلانی بودیم، وقتی نماز می‌خواند از حالاتش من به شدت تحت تأثیر قرار می‌گرفتم. می‌خواهم بگویم نماز چنین عبادتی است. چنین فریضه ای است. بیایید این فریضه را به آن حالت معنوی و عالی نگهداریم.

در این جهت برادرمان آقای قرائتی و دوستانشان زحمات فراوانی کشیده اند. اما گاهی در خلال حکومت دینی کارهایی شده چه بسا به نماز آسیب هم زده است. حالا نمی‌دانم دو تا داستان برایتان بگویم یا نگویم. آقای مدنی که امام جمعه ی بوشهر بود بعد هم امام جمعه ی کرج شد، چهره ایست که حتماً می‌شناسید. می‌گفت که در بوشهر که بودند چون الزامی کرده بودند و بخشنامه ای، که باید افراد را به نماز بیاورید. آن که نماز می‌خواند که می‌آمد. بی‌نماز هم می‌آمد. عده ای از این بچه های نیروی دریایی را آورده بودند برای نماز. سجده ی آخر معمولاً قدری

طولانی می‌شد. می‌گفت که سربازها به همدیگر می‌گفتند که این سجده ی آخری خوب است چون خوب می‌توانیم با همدیگر حرف بزنیم. تو را به خدا این کار را نکنید، نماز مثل راهپیمایی و تظاهرات نیست. نماز مثل رأی دادن نیست. در رأی دادن مردم با طیب خاطر می‌آیند.

آقای شمخانی می‌گفت که بعضی از بچه مسلمان ها این جورند دیگر. در نیروی دریایی که بودند خوب آن ها دائم الوضوء هستند. خیلی اوقات یک جاهایی می‌رسیدند و می‌ایستادند به نماز. کم کم متوجه شدند این کسانی که پشت سر ایشان می‌ایستند، هیچ کدامشان وضو ندارند. اما می‌آیند و پشت سر به نماز می‌ایستند. لذا ما که وضو داشتیم دوباره وضو می‌گرفتیم تا این ها بفهمند که باید وضو بگیرند.

نماز عبادتی است که در عمق وجود انسان ها جا دارد. حتی یک کمونیست، انسانی که اصلاً رابطه با این قضا یا ندارد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. پس توجه داشته باشید که طبیعی و عادی با آن برخورد کنیم.

اما نکته ای که جناب قرائتی فرمودند کاملاً به حق است. باید فضا را برای نماز آماده کنیم. کشور ما کشور اسلامی است. ۲۴ سال هم هست که انقلاب کرده ایم و چیزی نمانده وارد بیست و پنجمین سال بشویم. (شمسی که حساب کنیم یک ربع قرن و اگر قمری حساب کنیم که همین الان وارد بیست و پنج سال شده ایم.) اگر بیرسند که یک ربع قرن برای زندگی و معیشت، اقتصاد و فرهنگ مردم چه کرده اید؟ دیگر نمی‌توانیم بگوییم که حکومت در اختیار ما نبود. یک روز و روزگاری می‌گفتیم که حکومت در اختیار ما نیست. می‌توانستیم تو نماز جمعه ها، منبرها و خطبه ها این شعارها را بدهیم. اما امروز حکومت ۲۴ سال است که با ما و در دست ما است. پس طبیعی است که اگر نتوانیم مشکلات مردم را حل کنیم، نتوانیم نابسامانی‌ها را حل کنیم، نتوانیم جواب‌گوی مطالبات و خواسته های مردم باشیم، نتوانیم یک توسعه ی پایدار داشته باشیم که هم اقتصاد و هم فرهنگ هم سیاست در آن باشد باید فکر کنیم که چه طور می‌خواهیم به مردم جواب بدهیم.

حرف آقای قرائتی درست است که بعد از ۲۵ سال حکومت کردن هنوز بیایند به ما خبر بدهند که مسجدهای بین راه چقدر نظیف است؟ چقدر خوب است! چقدر زیباست! تو کشور ما نمی‌شود، انتقاد هم کرد.

هر کجا یک کلمه می‌خواهی بگویی به یک جا بر می‌خورد. آن چنان زمین جبهه و مین است که هرکجا پایت را می‌گذاری، یک چیز منفجر می‌شود. آدم نمی‌داند چه کار باید بکند؟ مکه را ببینید، چکار می‌کنند. من سال ۶۶ که نماینده ی امام بودم رفتم، دیگر نرفتم تا سال گذشته. خوب ببینید مساجدشان در همین دویی چه خبر است. مالزی هم چه مساجدی دارد. همین ترکیه مساجدش چگونه است مساجد، تمیز و پر از فرش و قرآن.

نکته ی بسیار خوب و ارزشمندی است که ایشان در این جهت فرمودند. همه ی ما هم باید کمک کنیم. همان طور که رهبر فرمودند باید از همه سؤال بشود که چکار کردند؟ این کار هم جزء کارهای مردمی است. مردم هم آماده اند و کمک می کنند. مردم برای این امر انگیزه دارند منتها، دولت جمهوری اسلامی هم باید در این زمینه ها کمک و یاری کند. باید نهادهای مختلف امکانات در اختیار قرار بدهند.

وقتی آقای قرائتی من را دعوت می کرد، من گفتم که نمی توانم. گفت که نه شما باید بیایید. حالا شیرینی آن هم این جا بود که سابق که مرا دعوت به منبر می کردند زبان حالشان این بود که وقتی آمدی آن جا پاکنی هم به تو می دهیم، پولی به تو می دهیم. تازه آن جا این دوست عزیز می گفت که بیا سخنرانی کن و یک چیزی هم بده. حالا این دیگر خوشمزه است، به جای این که پول منبر ما را بدهد...

به هر جهت وظیفه ی همه ی ما است در حدی که می توانیم به این قضیه کمک کنیم. منظورم مسئولین اجرایی، استاندار محترم، دولت، گروه بودجه و خلاصه آقای مرعشی که در کمیسیون تلفیق هستند. خلاصه همه یادشان نرود که کشور ما پهناور است و رفت و آمد به کشور ما زیاد است. در این جاده ها، ان شاء الله باید همه جا الحمد لله یک مقدار هم شده است که تقدیر و تشکر می کنیم. یاری کنیم که مسجدهای کوچک، منظم، مرتب و نظیف درست شود تا همه رغبت کنند بروند آن جا نماز بخوانند.

من دیگر اسم نمی برم، بعضی افراد که خیلی هم معلوم نیست اهل نماز باشند، (مسلمان هستند) یکی از این پزشک های متخصص می گوید که رفته است جایی این قدر مسجد زیبا بود که درخواست کردند تا ماشین بایستند ایشان چند رکعت نماز بخوانند. پس این ها همه اثر دارد.

در پایان بخش عرایض، سؤال و جوابی است که از امام توسط آقای مهندس موسوی پرسیده شده است. در ارتباط با این که نماز باید باشد اما روی این قضیه باید توجه داشته باشیم که نماز را در همان حالت طبیعی، تبلیغی بدون تشریفات، به صورتی در نیاوریم که بخشنامه ای باشد. مهندس موسوی در سال ۶۲ سه تا سؤال از امام می پرسد. و امام جواب می دهند.

اگر نماز جماعت (راجع به کارخانه هایی که افراد را به زور وادار می کردند به نماز) باعث افت تولید یک کارخانه شود یا اختلالی در تولید به وجود آورد آیا مسئول کارخانه می تواند از کارکنان بخواهد تا نماز را بعد از اتمام کار بخوانند؟ امام فرمود:

باید نماز را بعد از اتمام کار بخوانند و اگر کارخانه دولتی هست مسئول هم نمی تواند اجازه دهد. آن موقع بود که به بهانه نماز یکی، دو ساعت بعضی ها در اطاق ها را می بستند نماز هم نمی خواندند فقط تو اطاق ها می نشستند).

اگر از بخشنامه دولت مبنی بر اقامه نماز جماعت در شعبه ای از بانک یا ادارات سوء استفاده شود و کار مردم تعطیل گردد آیا می توان نماز را پایان وقت اداری انجام داد؟

- لازم است پس از وقت اداری نماز را بخوانند.

- آیا دولت مجاز است در صورت مشاهده ضرر به بیت المال و یا وهن حیثیت جمهوری اسلامی به علت سوءاستفاده ی عدّه ای به صورت موردی، نماز جماعت را در اول وقت ملغی نماید.

- دولت می تواند ملغی نماید. در صورت مذکور، لازم است الغاء نماید. (گاهی با فشار با زور برای نماز می بردند و ایشان احساس می کردند که این به حیثیت جمهوری اسلامی لطمه می زند.) حالا من این جا من یک حاشیه ی سیاسی بزنم، کلاهمان را هم قاضی کنیم، فکر کنیم آن کارهایی که چند سال می کردیم و تو میدان ونک که امواج جمعیت بود، وسط میدان نماز می خواندیم؛ این وهن نماز بود، اضاعه نماز بود یا برای نماز مفید بود.

مقایسه دو رویکرد در نظام تعلیم و تربیت

حجت الاسلام والمسلمین صابر اکبری جدی

معاون محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم به نوبه ی خودم از عزیزانی که تلاش کردند و مقدمات برپایی این همایش را فراهم نمودند تشکر می‌کنم. عنوان صحبت من پرداختن به افق های توسعه ی معنویت در دانشگاه هاست و قطعاً نماز رکن اصلی معنویت دین به ویژه در فرهنگ اسلامی است. من اشاره می‌کنم به ریشه ی تاریخی احیاناً برخی برداشت های نسبتاً منفی نسبت به دانشگاه ها در عرصه ی دین، و بعد می‌پردازم به موضوع بحث خودم. بخاطر اینکه خیلی وقت دوستان را نگیرم صحبت های خودم را یادداشت کردم و سعی می‌کنم از رو بخوانم که سریع تر بحث را تمام کنم. هنگامی که در پی تحولات فکری در غرب و آغاز تجدید نظر در همه ی عرصه ها اعم از مذهبی، فرهنگی، فکری و اجتماعی عصر جدید علم با انقلاب بزرگ در شیوه ها و پیش فرض ها آغاز شد و موج عظیم دانش جدید با تخریب همه ی سد های تاریخی سنت های غربی و در هم شکستن پایه های مذهب زمخت قرون وسطایی به سراسر جهان سر ریز شد، نظام سنتی آموزشی کشور ما که در قالب مکاتب و مدارس علمی، در مراحل ابتدایی و حوزه های علمی در مقطع آموزش عالی سابقه ای درخشان و کهن داشت، در یک واکنش تاریخی در برابر سیلاب پرخروش علوم جدید که آب علم را با خس و خاشاک دین ستیزی و سنت شکنی بی محابا آمیخته بود درهای خود را بست و محصول این استقبال سرد سرنوشت تولد نظام جدید آموزش کشور ما را رقم زد. نظام جدید آموزش چند ویژگی مهم خود را از نظام بومی با چند ویژگی مهم، خود را از نظام بومی آموزش، متمایز کرد. اولین ویژگی آموزش محوری در مقابل تربیت محوری، دوم دانشجو مداری به جای استاد محوری. سوم تجدد گرایی در مقابل سنت گرایی. چهارم برونگرایی در مقابل درونگرایی. پنجم رویکرد کمی به جای رویکرد کیفی. ششم رویکرد کاربردی به جای رویکرد ارزشی به دانش. هفتم دین شناسی نقادانه به جای دین مداری معتقدانه. هشتم عقلانیت ابزاری به جای عقلانیت ارزشی. این ویژگی ها و ده ها ویژگی دیگر تبعات خاص خود را به مرور در جامعه ی ما گذاشت. در گذشته آموختن علم در خدمت ساختن انسان معنی پیدا می‌کرد و تهذیب مقدم بر تعلیم و پرورش مقدم بر آموزش شمرده می‌شد. به تعبیر بزرگان، ملا شدن آسان ولی آدم شدن مشکل می‌نمود.

اول علم معرفت خدای جبار و پایان دانش بندگی خدا بود. اما در نظام تازه وارد، دانش اول و آخر همه ی تلاش‌ها محسوب می‌شد و هر چیزی که خارج از آن بود در راستای رسالت علمی محسوب نمی‌شد. اگر چه بسیار تلاش شد تا با گذاردن نام فرهنگ و یا افزودن این واژه به نام وزارتخانه های مربوطه چنین وانمود شود که نظام جدید به بُعد ممتاز نظام کهن نیز نظر دارد ولی هیچ‌گاه نتوانست رسالت انسان سازی را به گونه ای که در گذشته بود به انجام برساند. نظام جدید براساس محوریت مخاطب طراحی شد از این رو دانش آموز در مقطع ابتدایی و متوسطه و دانشجو در مقطع آموزش عالی مبنای همه ی برنامه ها و خدمات آموزشی شد. به جای این که همچون نظام کهن حوزه های علمیه شاگرد پای درس استاد بنشینند، استاد سرکلاس دانشجو حاضر می‌شد. به جای این که اساتید ارکان آموزشی باشند و صاحب کرسی، دانشجویان هویت مستقل یافتند و اساتید در خدمت آموزش آن‌ها. در نظام کهن اساتید شناسنامه ی علمی دانش آموختگان محسوب می‌شدند و مایه ی افتخار و نشانه ی پایه ی دانش آنان ولی در شکل جدید نمره ی اکتسابی از عنوان درسی ملاک ارزش گذاری بود و تفاوتی نمی‌کرد که استاد چه کسی باشد! به جای این که شاگردان دور شمع وجود اساتید حلقه بزنند اساتید بر سرکلاسها می‌چرخیدند، اساتیدی که سرمشق زندگی و علو روح و کمال معنوی بودند جای خود را به آموزندگان دانش و فن و هنر دادند. تجددگرایی به عنوان بارزترین نمود نظام نوین در چالش با سنت گرایی نظام قدیم بیشتر دچار سنت ستیزی گاهی نامعقول و احياناً خود باختگی در برابر مظاهر شکلی تجدد شد. هر چیزی که نو بود ارزشمند و پذیرفتنی شد و میراث های علمی و فرهنگی ناپسند شمرده شد. برونگرایی نظام جدید ناشی از طراحی نظام برای پاسخگویی به نیازهای ملموس جامعه به دانش و فناوری بود. دانشجو به محض ورود به این نظام افکارش معطوف به حوادث و..... و روز به روز کمیت دانشجو افزایش یابد و کیفیت آموزش و تعمق و تحقیق کمتر مورد توجه قرار گیرد. شاخص کمی در آزمون‌ها ارزیابی کیفی را که محصول ارتباط مستمر شاگرد و استاد بود کنار زد.

رویکرد کاربردی به دانش، علم را به وسیله ای برای پاسخگویی به نیازهای بشری و عاملی برای کسب درآمد بیشتر تبدیل کرد و ارزش و حرمت ذاتی علم را پائین و پائین تر آورد. قداست مجالس مذاکره که نباید بدون طهارت ظاهر و باطن در آن پای گذاشت، تبدیل به یک افسانه شد. دین شناسی نقادانه صبغه ی روشنفکران این نظام بود و برخلاف نظام کهن که نگاه باورمندانه به دین را ارزش می‌شمرد و ایمان را اوج تعالی روح علمی، نظام نوین، تردید بر مبانی و نقد بی محابای باور دینی را تقدیس می‌کرد. خلاصه صدها ویژگی دیگر که این نظام با خود داشت و صد البته این ویژگی ها اکثری بود و نه فراگیر، از آن کلیت نظام بود نه تک تک افراد و محصول همه ی این‌ها، شکاف میان حوزه و دانشگاه و دین داری و روشنفکری بود که روز به روز عمیق تر می‌شد.

انقلاب اسلامی جدی ترین تحولی بود که نظام جدید هم در آن نقش آفرید و هم از آن نقش پذیرفت از این جا وارد بحث خود می شوم. تقدیم صدها شهید دانشجو در انقلاب اسلامی و دوران جنگ تحمیلی گواه روشنی بر این مهم است. شاید انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها صرف نظر از مسائل حاشیه ای آن ترکیدن غصه ی تاریخی ملت ایران بود. همچنان که آخرین نامه ی دردمندانه ی امام راحل به حوزه ی علمیه در حقیقت شکستن بغض قرن های متمادی عالمان روشنفکر بود که با پوست و گوشت خود سنگینی اغلال تحجر را چشیده بودند. و اکنون ما و این دانشگاهی که می خواهد بومی این فرهنگ کهن شود و حوزه ای که می خواهد فقه زندگی بگوید مطمئناً آن چه که این دو رکن علم و فرهنگ ما را به هم ارتباط می دهد اسلام، قرآن معارف ترقی اسلامی و شعار الهی و در رأس آن اقامه ی نماز به معنای واقعی کلمه است. بدون شک نسل جدید در دانشگاه ها جزء باورمندترین دانشجویان در طول تاریخ حیات نظام آموزش عالی هستند باور ۹۹ درصد از دانشجویان امروزی به قرآن به عنوان کتاب زندگی و هدایت اعتقاد بیش از ۹۸ درصد از دانشجویان به فریضه ی نماز علی رغم عدم تقید عملی در صدی از این تعداد که خود جای بحث دارد. اعتقاد قریب ۱۰۰ درصد از دانشجویان به خدا، همه و همه نمونه ی نظرسنجی های متحولی است که حاکی از ریشه های عمیق باور دینی در نسل دانشگاهی امروز ماست آن هایی که انقلاب اسلامی را نزدیک ترین فراز تاریخی خود می دانند و عطر آسمانی ایثار و شهادت و طنین دلنشین و ملکوتی امام راحل را به جان چشیده اند امروز شاید باشکوهترین مراسم مذهبی و دینی در دانشگاه ها برگزار می شود و یا دانشجویان گردانندگان آن هستند و بی تردید نمازهای جماعت در دانشگاه هایی که مسجدی مناسب و امام جماعتی فاضل و متقی دارند از باشکوه ترین نمازهاست. ولی آیا از این همه زمینه ی مثبت قدردانی شده است و لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید همه واقفند که موج نو در گرایش معنوی با مراسم اعتکاف از دانشگاهها شروع شد و پیش رفت.

آیا وقت آن نرسیده است که کینه های تاریخی را کنار بگذاریم و باور کنیم که هیچ گاه دانشگاه های ما تا این حد مستعد پذیرش احکام متعالی اسلام نبوده است. و به عنوان کسی که سال هاست با دانشگاه ارتباط دارم و به هر حال این توفیق را داشتم که با هر دو نظام بزرگ بشوم و زندگی کنم احساس من این است که زمینه ی کار در دانشگاه ها در عرصه های مذهبی بسیار، بسیار زیاد است. ولی ما چه کرده ایم؟ مهم این است. امروزه بیش از هزار وعده نماز جماعت در دانشگاه های کشور برگزار می شود که اگر متوسط هر نماز را یک صد نفر شرکت کننده بگیریم جمعیتی بیش از یک صد هزار نفر را شامل می شود.

ستاد ویژه ای که در نهاد نمایندگی رهبری برای ادای وظیفه ی خود در قبال این فریضه ی مهم از سال گذشته به صورت جدی فعالیت کرده، توانسته است قدم هایی هر چند کوچک در این راستا بردارد. که به سرفصل آن ها اشاره

می‌کنم. البته لازم می‌دانم که از همکاری‌های وزارت خانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی و مسئولان تک تک دانشگاه های کشور صمیمانه تشکر کنم اگرچه هنوز کار و جای کار بسیار زیاد است.

کارهایی که ما در سال قبل انجام دادیم در بخش نماز در دانشگاه ها؛ اولاً طراحی بانک اطلاعات ائمه جماعات دانشگاهی است و همچنین نمازخانه های دانشگاه در کل کشور. انتشار مجله ویژه ی ائمه ی جماعات دانشگاهی است به نام مجله ی (مسجد و دانشگاه). تجدید چاپ و توزیع خلاصه ی میزان الحکمه در میان همه ی ائمه ی جماعات به عنوان هدیه ای از سوی این ستاد. تدوین کتابهایی که در دانشگاهها مورد نیاز است و به ویژه در مسائل پزشکی. جزوه ای به نام احکام فقهی - پزشکی که مستند به فتاوی مراجع عظام بود تدوین و در سراسر کشور توزیع شد. کتاب اسرار معنوی نماز ویژه ی دانشجویان چاپ شد. نماز و نیایش در آینه ی نشریات دانشجویی باز یکی دیگر از آثار مکتوب ما بود. نوار کاست آموزشی ویژه ای را به تناسب مخاطب و دانشجو تدوین و تهیه کردیم که کل کارهایش را خودمان انجام دادیم نوار بسیار جالبی است در آموزش قرائت نماز.

هفته نامه ی خاصی را و هفته نامه هایی را برای ائمه ی جماعات دانشگاهی آغاز کردیم و هر هفته ان شاءالله برایشان ارسال خواهیم کرد. از دو هزار دانشجوی دانشگاه های تهران نظرسنجی کردیم در رابطه با نماز که محصول این نظرسنجی به صورت جزوه ای ان شاءالله تقدیم شما خواهد شد، نکات بسیار ارزشمندی در این نظرسنجی به دست آمده و بسیاری از نقاط ضعف ما و یا احياناً بخش های مدیریتی را به روشنی نشان می‌دهد اکثر دانشگاه های ما و خوابگاه های ما متأسفانه فاقد یک فضای مناسب برای برگزاری نماز جماعت هستند و مشکل واقعاً جدی در این زمینه داریم اگرچه از نظر معماری مساجد نمونه ی بسیار خوبی را در دانشگاه ها داریم که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر هستند که جای تقدیر دارد، از عزیزانی که در این راستا تلاش کردند. جلسات ویژه ی ائمه ی جماعات دانشگاهی را هر دانشگاه ائمه ی جماعات خودش را که در بخش های مختلف اقامه ی نماز می‌کنند، هر ماه جلسه ای را در خیلی از دانشگاه ها دوستان تشکیل دادند همفکری می‌کنند تا از فضای در واقع معنوی بیشتر بهره ببرند. کانون های مراسم و نمازها را در خیلی از دانشگاه ها فعال کردیم. طرح گنجاندن مباحث مربوط به اسرار نماز در دروس معارف اسلامی و همچنین متون اسلامی هم قبلاً کار شد و اخیراً در دست اقدام است. البته کارهای بسیار دیگری که من نمی‌خواهم در اینجا وقت دوستان را خیلی تصدیع بکنم ولی در پایان به این نکته اشاره می‌کنم که نماز عمود خیمه ی اسلام بر بستر عدالت بر پا می‌شود (لیقوم الناس بالقسط)، (یملأ الله به الارض عدلاً و قسطاً).

آنان که نابرابری و بی عدالتی را تشدید می‌کنند تیشه بر عمود خیمه ی اسلام می‌زنند (انما یعمر مساجد الله من امن بالله والیوم الآخر).

گزارش سازمان تبلیغات اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین موسی پور

معاون محترم سازمان تبلیغات اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین حسبن الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرين.

تقدیم به پیشگاه قطب عالم امکان، امام زمان، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا، نثار ارواح پاک و مطهر شهیدان انقلاب، شهیدان جنگ تحمیلی و شهدای واقعه خونین هفده شهریور که عارفانه متاع جان را با خدای خویش معامله کردند و عاشقانه به قرب حق رسیدند. و نثار روح پر فتوح قافله سالار قافله ی عزّت و شرف و آزادی، بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، احیاگر معنویت در عصر ظلمت و جهالت، حضرت امام رضوان الله علیه، صلوات.

بسیار خوشحال و خرسندم که در ایام مبارک و در آستانه ی حلول ماه پرفضیلت رجب، ماه رحمت و میلاد پنجمین گوهر تابناک گوهر عصمت و طهارت امام باقر (علیه السلام) فرصت حضور در این جمع روحانی و اجلاس نورانی نصیب من شد. خداوند را بر این توفیق شاکر و سپاسگزارم. در ابتدا بر خود لازم می‌بینم از دست‌اندرکاران ستاد اقامه نماز و برگزار کنندگان این اجلاس به سهم خود تشکر کنم. کاری بس بزرگ و در خور تقدیر و تحسین صورت گرفته است. برگزاری دوازده اجلاس نماز و ایجاد شور و شوق و حرکت برای رسیدن به اهداف مقدس و تلاش هایی که توسط ستاد اقامه نماز و دستگاه های دیگر سامان گرفته است، جز با بیان و تعبیر مقام معظم رهبری قابل تقدیر نیست که ایشان این حرکت را یک جهاد نامیدند.

حقیقتاً جهاد، مقدسی است. چرا که امروز جبهه ی ما جبهه ی فرهنگی است و سلاح مبارزه در این جبهه، نماز است و کسانی که این سلاح را آماده می‌کنند و ترویج می‌دهند، در سنگر دفاع مقدس از ارزش های اسلام و انقلاب هستند. به پرچمدار و جلودار این جهاد مقدس، این عرصه مبارزه، مرد سرزنده و با نشاط و با اخلاص حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب حاج آقای قرائتی هم تبریک عرض می‌کنم که با همه ی کمبودها و مشکلات و

وسعت کار و در عین حال بعضی کم لطفی ها همچنان ثابت قدم در این عرصه و میدان حضور دارند و این کار را به سامان می‌برند. بی شک سخن من به معنای این نیست که کار ستاد و اجلاس هایی که برگزار شده، خالی از نقص و عیب است.

قطعاً هیچ حرکتی بدون عیب و نقص نیست. اما کار، کار بسیار بزرگی است. اقدامات بسیار ارزشمندی صورت گرفته است.

چند روز پیش در جلسه ای در محضر بعضی از دوستان از اجلاس نماز صحبت می‌کردیم. یکی از آقایان و دوستان در تجلیل از حاج آقا قرائتی از فضائل، خلوص و سرزندگی ایشان صحبت می‌کردند، و این که جناب حاج آقا قرائتی تشکیلاتی عمل نمی‌کنند. هیئتی عمل می‌کنند. به آن برادرمان جوابی دادم که فکر می‌کنم بیان آن این جا بد نباشد. گفتم که مدیریت هیئتی به این معناست که یک فرد بتواند مجموعه ی عظیمی از پتانسیل و توان یک کشور را در جهت یک حرکت مقدس سوق بدهد. ای کاش همه ی مدیران ما هیئتی عمل می‌کردند، یا لاقلاً بخشی از مدیران هیئتی بودند که ما شاهد بعضی از نارضایتی ها و کمبودها نبودیم.

نکته ی دیگری که قبل از بیان گزارش عملکرد سازمان می‌خواهم عرض بکنم این است که بعد از برگزاری دوازده اجلاس موفق و کارنامه ای روشن و در خور تقدیر به نظر من نوبت یک بازنگری جدی در برگزاری این اجلاس ها و اقدامات ستاد اقامه نماز فرا رسیده است. بررسی عملکرد پیشین، برنامه‌ریزی جدید با توجه به تهدیدهایی که ما را فرا گرفته است و نوع گرایی در روش ها ضرورتی است. که قطعاً از دید تیزبین مسئولین محترم ستاد اقامه نماز و شخص حاج آقا قرائتی به دور نمانده است. به ویژه با پیامی که مقام معظم رهبری امسال دادند.

و در نهایت فرمودند، چه کردید؟ و ما باید بگوییم که چه کردیم؟ من پیشنهاد می‌کنم خدمت سروران عزیز ستاد اقامه نماز، پیام های مقام معظم رهبری را بررسی مجدد کنند. مواردی را که ایشان تذکر داده و تأکید کردند، استخراج شود و بعد، از دستگاه های مربوطه بخواهیم، گزارش بدهند که چه کرده اند؟ ان شاءالله که این کار و همین طور بازنگری در برگزاری این اجلاس ها در دستور کار ستاد اقامه نماز قرار بگیرد. با تهیه فرم های نظرات، توسط دست اندرکاران ستاد اقامه نماز، علماء، ائمه جماعات، ائمه محترم جمعه، دانشمندان، روانشناسان و جامعه شناسان متدین برآیند این نظرات استخراج بشود تا برنامه ریزی و حرکت آینده ستاد را شکل بدهد.

در مورد عملکرد سازمان تبلیغات اسلامی. خیلی کوتاه و فشرده به سرفصل هایی از فعالیت های سازمان اشاره می‌کنم. سروران عزیز مستحضر هستند که یکی از وظائف سازمان تبلیغات اسلامی تعمیق و ترویج فرهنگ دینی است و دوستان در سازمان تبلیغات اسلامی برای نماز اولویت ویژه ای قائل‌اند. به همین خاطر فعالیت های درخور

ارائه ای انجام شده است و امیدواریم با رویکرد جدید و مدیریت جدید سازمان تبلیغات اسلامی این حرکت ها شتاب بیشتری پیدا کند. اما اشاره ای به فعالیت های سازمان:

یکی از برنامه های هر ساله سازمان، اعزام طلاب و مبلغین در ایام محرم، صفر، رمضان، ایام فاطمیه و سایر مناسبات است. از مهر گذشته تا مهر امسال، پنجاه هزار مبلغ، توسط سازمان تبلیغات اسلامی در مناسبت های مختلف به اقصی نقاط کشور اعزام شدند. یکی از محورهای مهم کاری مبلغین، اشاعه ی فرهنگ نماز و اقامه ی نماز هست. سه جلد کتاب هم برای انسجام بحث های تبلیغی تدوین شد و در اختیار عزیزان قرار گرفته است. که در آن کتاب ها هم یکی از مباحث محوری، بحث نماز و اشاعه ی فرهنگ و احکام مربوط به نماز است. تأمین امام جماعت در ادارات و کارخانجات از جمله اقدامات دیگری است که سازمان انجام داده است. برای این منظور ما بیش از دو هزار نفر امام جماعت را از لحاظ خصوصیات فردی، علمی، تبلیغی را سازماندهی کرده و برای آن ها پرونده تشکیل داده ایم که با آن ها ارتباط مستمر داریم. در دفاتر نمایندگی سازمان تبلیغات اسلامی برای آن ها طرح تغذیه ی فکری و فرهنگی را هم از امسال به اجرا گذاشته ایم. اعزام روحانی و امام جماعت به مدارس در اکثر نقاط کشور توسط سازمان تبلیغات اسلامی با همکاری ستاد اقامه نماز صورت می گیرد.

آموزش نماز به پانصد هزار نفر از نوجوانان و جوانانی که امسال در طرح اوقات فراغت ما در پنج هزار بوستان نماز و گلستان صورت گرفت. تکثیر ده هزار نوار آموزش نماز و توزیع بین این پایگاه ها، اقدام قابل توجهی است که در اوقات فراغت امسال توسط دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی صورت گرفت. گسترش فرهنگ نماز در روستاها و نقاط محروم کشور توسط طرح پربرکت روحانیون مستقر که حدود نهمصد نفر روحانی مستقر بودند و وظیفه ی اصلی شان اقامه ی نماز و اشاعه ی فرهنگ نماز بود، انجام گرفت. بعضاً مساجد روستایی را که آباد کردند، هیچ مدارس را هم سر می زدند، اقامه نماز می کردند. این طرح برکات خوبی در اشاعه ی فرهنگ نماز داشته و ما برای ارتقاء آگاهی های سیاسی و اجتماعی و دینی این عزیزان طرحی را به مرحله ی اجرا گذاشتیم و بیش از ده کتاب در سال گذشته برای آن ها ارسال کردیم. مسابقه غیرحضوری تفسیر قرآن، برای عزیزان روحانی مستقر گذاشتیم که بسیار استقبال کردند برنامه های دیگری که این عزیزان را مجهز کند برای پاسخ دادن به مطالبات مخاطبین.

ترویج فرهنگ نماز در تشکل های دینی کاری دیگر است. حتماً سروران عزیز استحضار دارند که ما حدود چهل هزار تشکل دینی در کشور داریم که اکثر این ها هیئت مذهبی هستند. هیئت های مذهبی در قالب طرحی ساماندهی شدند. ما تقریباً ۷۰ درصد هیئت های مذهبی را شناسایی کردیم، پرونده های آن ها موجود است و ارتباطات مستمری با آن ها داریم. هر سال در آستانه محرم مسئولان هیئات مذهبی به مراکز استان ها دعوت و توصیه های

لازم در زمینه ی اشاعه ی فرهنگ نماز به آن ها می شود. توصیه و نظارت بر عملکرد این هیئت ها از اقداماتی است که خود ستاد اقامه نماز انجام داده موجب شده که خوشبختانه ۷۵ درصد هیئات مذهبی ظهر عاشورا به اقامه نماز پردازند. این آمار، آمار قابل توجهی است، با توجه به گذشته ای که داشتیم.

تقویت کتابخانه های هیئات مذهبی به کتاب هایی که در مورد نماز و احکام نماز است، یکی از کارهای دیگری است که انجام گرفته است. چاپ پوستر، بروشور، تراکت در مورد نماز در سال گذشته بیش از پانصد هزار عدد صورت گرفته است. از این نوع اقلام تبلیغی با مضامینی از فرمایشات مقام معظم رهبری، حضرت امام (ره) و همین طور کلمات معصومین چاپ و در سطح ادارات و کارخانجات و مجامع عمومی منتشر شده است.

از جمله اقدامات دیگری که در ارتباط با اشاعه ی فرهنگ نماز صورت گرفته است، غنی سازی محتوایی برنامه های مسجد است. جناب آقای مسجد جامعی گزارشی را از وضعیت مساجد ارائه کردند، من فکر می کنم متأسفانه مساجد در جامعه ی ما روز به روز محجورتر می شوند. استدعای من از سروران عزیز روحانی و مسئولان محترم کشور این است که به این کانون های انسان ساز توجه بیشتری بشود. باید مساجد، محور فعالیت های فرهنگی و مذهبی باشد. اعتبار فرهنگی که برای یک مسجد صرف می شود، طرحی که در یک مسجد اجرا می شود اگر با یک مکان دیگر مقایسه بکنیم، اثر بخشی و کارایی آن به مراتب بیش تر است. باید بیش از گذشته این کانون های انسان ساز مورد توجه قرار بگیرند، هم به لحاظ کالبد، محتوا و هم نیروی انسانی. البته اقداماتی هم شروع شده و امیدواریم که این حرکت، ثمرات ارزشمندی داشته باشد.

در مورد مساجد یک سلسله فعالیت ها تا کنون صورت گرفته که به آن ها فقط اشاره می کنم؛ همایش تجلیل از خدمتگزاران مساجد، ائمه جماعات، خادمین، واقفین و بانیان مساجد، برنامه ریزی دهه ی غبار روبی مساجد، توجه بیش تر به بهداشت، هماهنگی و برنامه ریزی با نهادهای مختلف برای برگزاری سنت حسنه اعتکاف، راه اندازی پانصد کانون فرهنگی در مساجد، جشنواره گلدسته های مساجد که مرحله ی شهرستانی آن انجام گرفت و مرحله ی استانی هم انجام شد. بیش از هزار جوان و نوجوان مسجدی در ده رشته مربوط به نماز و مسجد شرکت کردند و منتخبین آن ها در جشنواره کشوری در ۲۷ ماه رجب شرکت خواهند کرد. در شهر قم، پروژه هزار مسجد، برای این که مساجد زمینه ساز جذب جوان ها بشوند و از فناوری های جدید ارتباطی هم استفاده بشود. پیش بینی کردیم در گام اول، هزار مسجد مجهز بشوند به رایانه و نرم افزارهای فرهنگی، علمی، دینی و از طریق یک شبکه به هم مرتبط بشوند تا امکان برقراری کنترل شده در ارتباط با شبکه جهانی اینترنت هم صورت بگیرد. امیدواریم پس از این گام، بتوانیم گام های بعدی را در جهت فناوری های جدید ارتباطی به مساجد برداریم.

انتشار نشریه شبستان برای جوانان و نوجوانانی که در مساجد حضور پیدا می‌کنند با یک بازنگری مجدد، شروع شده و دو سه شماره از آن آماده شده است.

جشنواره گلبانگ مساجد در نیمه دوم سال ان شاءالله اجرا خواهد شد. تجهیز کتابخانه های مساجد و برنامه های آموزشی جهت ائمه محترم جماعات در دستور کار سازمان تبلیغات اسلامی است.

در استان ها به صورت غیرمتمرکز فعالیت هایی انجام گرفته که فقط به بخشی از آن ها اشاره می‌کنم؛ همایش مشق نور و نمایشگاه معراج، برگزاری شبهای شعر، برگزاری نمایشگاه عکس پیرامون نماز، چاپ نشریات استانی از قبیل نشریه محراب، نشریه سنگر، اجرای مسابقه سیمای نماز، اجرای طرح با علی در نماز و برگزاری مسابقه نماز معراج مؤمن. سعی و تلاش ما این است که خداوند توفیق بدهد که در این مسیر موفق باشیم.

مجدداً از دست اندرکاران برگزاری این اجلاس تشکر می‌کنم. به ویژه از حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا جعفری امام جمعه کرمان که محوریت ایشان باعث شد، این اجلاس به خوبی برگزار شود.

گزارش هم‌اندیشی فرهیختگان جوان

جناب آقای ابراهیم آقابابایی

دبیر محترم ستاد اقامه نماز استان تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

گزارشی از برگزاری هم‌اندیشی فرهیختگان جوان که در روزهای ششم و هفتم شهریور ماه و در آستانه ی دوازدهمین اجلاس سراسری نماز در تهران در اردوگاه شهید باهنر با حضور جوانان فرهیخته برگزار شد، به استحضار می‌رسد.

سحر بر شاخسار بوستانی

چه خوش می‌گفت مرغ نغمه خوانی

برآور هرچه اندر سینه داری!

سرودی، ناله ای، آهی، فغانی!

قلم، کلید باغ اندیشه است و روح اندیشه در جان قلم جاری است. اهل قلم که با شوق، اندیشه می‌زنند، اقالیم قبله را به پرواز در می‌آورند. آنان که حرفی برای گفتن و شوقی برای شکفتن دارند و در عشق شکوفایی دیگران می‌سوزند باید با صفحه و صحیفه وارد عرصه ی اندیشه و قلم شوند. خداوند متعال را سپاس می‌گذاریم که در سال‌های اخیر جمعی از دلسوزان را توفیق داد تا برای برپایی نماز بکوشند و در حوزه های مختلف هنری، فرهنگی، آموزش با تلاش و همت اهل فکر و دانش گام‌هایی برداشته شود. در این میان آنچه جوانان، با فطرت خداجوی و دل‌نورانی خویش دریافته‌اند و با بیان و قلم بی‌تکلف خویش عرضه کردند، جایگاه ویژه ای داشت. با بهره‌گیری از فکر و رأی فرهیختگان جوان که درد دین، اعتلای اخلاق و معنویت، ساختن ایرانی اسلامی و مستقل دارند، بر آن شدیم با فراهم ساختن زمینه های برگزاری یک همایش بزرگ از حضور نسل جوان و آینده ساز کشور در سال

جاری بهره برده و ۸۵ به نام بزرگ برپادارنده ی نماز، حضرت آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) زینت یافته و بهره مند شویم. و هم اندیشی فرهیختگان جوان را تحت عنوان نماز، جوانان، دین باوری برگزار کنیم.

به فضل خداوند متعال در روزهای ششم و هفتم شهریور ماه سال جاری همزمان با سالروز ولادت با برکت زهرای مرضیه (علیها السلام) و ولادت امام راحل (ره) این تصمیم جامه ی عمل به خود پوشیده؛ با شرکت ۴۳۷ نفر از جوانان و با حضور تعدادی از شخصیت های فرهنگی و دینی هم اندیشی فرهیختگان جوان برگزار شد. البته بیش تر موضوعات مورد بحث در این هم اندیشی طی فراخوانی به اطلاع فرهیختگان جوان رسیده بود که به عناوین آن ها اشاره می شود.

محور اول: نماز جوانان و دین باوری.

با زیر مجموعه های نقش نماز در هویت یابی جوان مسلمان - نماز و رفتارشناسی جوان اسلامی - نقش امید آفرینی نماز در ایجاد نشاط باطنی جوان - رابطه ی متقابل اقامه ی نماز و تعمیق باورهای دینی در جوانان.

محور دوم: جوانان، عوامل گرایش به معنویت و رفتارهای دینی.

با زیرمجموعه های بررسی نقش اسوه ها و الگوها در گرایش جوانان به رفتارهای دینی - تأثیر رفتارهای تربیتی خانه، مدرسه و جامعه بر جوانان در گرایش به رفتارهای دینی - نقش گروه های همسال، نهادهای دینی، تشکل های غیررسمی مذهبی بر جوانان در گرایش به رفتارهای دینی - خودآگاهی فطری و جستجوگری جوان در گرایش به معنویت و رفتار دینی.

محور سوم: موانع اقامه ی نماز در بین جوانان.

با زیرمجموعه های، ریشه ی تفاوت بینش، گرایش و رفتارهای دینی در بین جوانان - آسیب شناسی ترویج فرهنگ نماز در بین جوانان - شناسایی عوامل بی رغبتی جوانان به رفتارهای دینی - عدم آشنایی و شناخت - عدم اعتقاد موانع تربیتی، موانع اجتماعی، موانع رفتاری و روانی شخصی.

محور چهارم: راهکارهای مشارکت جوانان در گسترش فرهنگ نماز.

با زیرمجموعه های، نقش تشکل های جوانان در اشاعه ی فرهنگ نماز - شناسایی حوزه های فعالیت جوانان برای گسترش فرهنگ دینی - توانایی های فکری، مدیریتی و اجرایی جوانان در گسترش فرهنگ نماز - راه های فعال سازی و نقش آفرینی جوانان در عرصه های فعالیت های دینی و فرهنگی به استحضار می رساند که در پی برگزاری چهار دوره مسابقه ی نویسندگان جوان و جوانان نویسنده، با اعلام فراخوان از برگزیدگان این چهار دوره و همچنین دعوت از کانون دانشجویی نماز، اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانش آموزان و تشکل های غیردولتی جوانان، علی

رغم فرصت اندک و همزمانی با برگزاری کنکور و امتحانات پایان سال نزدیک به هزار و پانصد نفر برای شرکت در هم اندیشی اعلام آمادگی نمودند. تعداد ۱۰۲۴ مقاله به دبیرخانه علمی ارسال شد. ۸۹ درصد از ارسال کنندگان مقالات بین ۱۵ تا ۲۸ سال ۴ درصد بالاتر از ۲۸ سال و ۴ درصد پایین تر از ۱۵ سال داشتند و ۳ درصد نامعلوم بودند. نکته ی قابل توجه دیگر این که نزدیک به ۳۰ درصد از ارسال کنندگان مقالات پسران و ۷۰ درصد دختران بودند. مقالات ارسال شده از سوی کمیته ی علمی در سه مرحله داوری شد و ۲۴ مقاله برای ارائه در هم اندیشی و چاپ در مجموعه مقالات انتخاب شده اند که امیدواریم در این اجلاس حداقل دو یا سه مقاله از آن ها قرائت شود. هم اندیشی فرهیختگان جوان با پیام حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آغاز و با فرمایشات حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی و سخنرانی بعضی از اساتید و ارائه مقاله از سوی خود جوانان ادامه یافت. لازم به ذکر است علاوه بر مقالات ارائه شده در چهار موضوع مذکور در فراخوان، میزگردهایی نیز با حضور صاحب نظران و کارشناسان و خود جوانان برگزار شد. در پایان این دو روز هم اندیشی فرهیختگان با صدور بیانیه ی اختتامیه که حضور عزیزان نیز تقدیم شده است، بکار خود پایان داد.

امید است آنچه در این هم اندیشی مورد بحث قرار گرفته و نکاتی که فرهیختگان جوان در مقالات خود به عنوان موانع گسترش فرهنگ نماز و یا راهکارهای توسعه ی فرهنگ و رفتار دینی معرفی کرده و یا در میزگردها مورد نقد و بررسی قرار داده اند، مورد توجه سروران ارجمند حاضر در این اجلاس مخصوصاً مسئولان و برنامه ریزان فرهنگی و دینی اعم از علمای اعلام، وزرای محترم و سایر دست اندرکاران قرار گیرد.